مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

گره‌گشایی از دیدگاه اسلام

کاظم دلیری



مشخصات کتاب

سرشناسه : دلیری، کاظم، 1356 -

عنوان و نام پدیدآور : گره گشایی دراسلام / کاظم دلیری؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل، 1386.

مشخصات ظاهری : 146 ص.

شابک : 14000 ریال 978-964-2761-10-4 :

یادداشت : عنوان روی جلد: گره گشایی از دیدگاه اسلام.

یادداشت : کتابنامه: ص.[144] - 146؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : گره گشایی از دیدگاه اسلام.

موضوع : اخلاق اسلامی

موضوع : نوع دوستی

موضوع : اخلاق اجتماعی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : ایثارگری

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP247/8 /د8گ4 1386

رده بندی دیویی : 297/61

شماره کتابشناسی ملی : 1145005

ص:1

اشاره

این فضیلت، در اخلاق اجتماعی اسلام، اهمیت بسیاری دارد. تا جایی که جامعه ای را که این ویژ گی در آن فراگیر نشده است، نمیتوان جامعه ایمانی نامید. پس بر جامعه اسلامی که این فضیلت در آن رشد نکرده، لازم است که مربیان، گویندگان و هنرمندان آن در ترمیم این ویرانی اخلاقی بکوشند و کوتاهی نورزند. در این میان، نقش رسانه بزرگ صدا و سیما که مدرسه بهترین مربیان، بلندگوی گویندگان و نمایشگاه هنرمندان و به تعبیر امام خمینی(ره)، «دانشگاه عمومی» است، دو چندان می شود.

در این کتاب، می کوشیم تا پس از ترسیم چهره فضیلت گره گشایی در آموزههای اسلام و کاوش در ابعاد آن، پیشنهادهایی برای برنامهسازی درباره این موضوع بیاوریم.

بدان امید که این اثر، مورد قبول ساحت مقدس حضرت بقیه الله(عج) قرار گیرد و گامی باشد به سوی زمینهسازی حکومت جهانی عدالت و محبت مهدوی، همو که با آمدنش «کیش عدالت» و «کیش مهر» بر تمام جهان سایهگستر میشود و جامعهای جهانی بر پایه خداباوری و برادری تحقق مییابد. به امید آن روز.

فصل اول: کلیات

1. طرح مسئله

دین اسلام، هدف از آفرینش انسان را رسیدن به قرب الهی قرار داده و انسان ها را به سوی بندگی و عشق به پروردگار فرا خوانده است تا از این رهگذر، به درجه های والای رضایت پروردگار دست یابند.

پرسشی که در این زمینه مطرح میشود این است که از دیدگاه دین عشق به هم نوعان و همکیشان، رفع گرفتاری ها و مشکلات آنها و گره گشایی از کارشان چه جایگاهی دارد؟ آیا عشق به خالق یکتا، با عشق به بندگان او منافات دارد, یا عشق به بندگان خداوند، همچون عشق به اوست؟

در یک کلام، توجه به گرفتاری های مسلمانان و خواهران و برادران دینی، در اندیشه اسلام چه جایگاهی دارد و چگونه می تواند در تأمین هدفهای متعالی اسلام؛ یعنی رسیدن به اوج بندگی و دلدادگی و دیدار با معشوق ازلی نقش ایفا کند؟

همه ما کم و بیش می دانیم که دین اسلام، به ویژگیهای پسندیده اخلاقی، همچون برادری دینی، اهتمام به امور برادران دینی، تلاش برای رفع نیازها و تلاش برای گشایش امور آنان، بسیار اهمیت داده است، ولی چون نسبت این فضیلتهای اخلاقی را با اهداف والای تربیتی دین نمی دانیم و از آثار آن غافلیم، در عمل با مشکل روبهرو می شویم. ما با اینکه به عبادت و بندگی خدا اهمیت فراوانی می دهیم، ولی از مشکلات خویشاوندان، همسایگان و دوستان خود بی خبریم و در حد توان یا حتی برای رفع نیازهای ضروری آنها تلاش نمی کنیم.

با پرداختن به موضوع گره گشایی روشن خواهد شد که یاری مسلمانان در دین چه جایگاهی دارد و با اهداف والای دین داری، بندگی، عشق و توجه به خداوند مهربان چه نسبتی پیدا می کند؟

بی تردید، حل این مسئله و درک دقیق این آموزه اخلاقی، اجتماعی و اسلامی، زمینه عمل به آن و در نهایت, رسیدن به سعادت فرد و اجتماع را فراهم می آورد. در این میان، رسانه ملی می تواند با تبیین دقیق جنبههای گوناگون این موضوع مانند اهمیت، آثار، موانع و راه کارهای رفع آن، آفتها و راه پیش گیری و درمان آن، بهگونه ای شایسته در جامعه هنجارسازی کند و زمینه رسیدن به جامعه آرمانی، سالم و سعادتمند را فراهم آورد.

2. اهداف پژوهش

در این پژوهش میکوشیم به این هدفها دست یابیم: نخست، بیان جنبههای علمی موضوع گره گشایی از دیدگاه اسلام و دوم، طرح موانع گرهگشایی و دلایل به فراموشی سپردن آن در جامعه و سوم، کمک به برنامه سازان صدا و سیما برای هنجارسازی و نهادینه کردن این فضیلت اخلاقی در جامعه.

برای تحقق این اهداف، لازم است ابتدا آیهها و روایتهای موجود، سیره معصومین و بزرگان دین و نظر اندیشمندان را درباره گره گشایی گردآوری و با دقت دسته بندی کنیم. پس از آن، جنبههای گوناگون موضوع را که از منابع دینی استخراج و استنباط شده است، در قالب پیشنهادهایی برای برنامه سازی صدا و سیما میآوریم.

3. پرسش های پژوهش

پرسش اصلی پژوهش این است:

دیدگاه اسلام درباره گره گشایی چیست؟

پرسش های فرعی پژوهش نیز بدین قرارند:

1. گره گشایی در اسلام چه اهمیتی دارد؟

2. آثار فردی و اجتماعی گره گشایی چیست؟

3. موانع عمل به این فضیلت اخلاقی چیست؟

4. راه کارهای عمل کردن به این فضیلت اخلاقی کدام است؟

5. چه آفتهایی ممکن است دامن گیر این عمل اخلاقی شود؟ راه پیش گیری از این آسیب ها چیست؟

6. چگونه می توان این موضوع را در قالب برنامه های صدا و سیما عرضه کرد؟

7. کدام برنامه ها، ظرفیت پرداختن به این موضوع را دارند؟

8. در برنامه های موجود، نکتههای مثبت و منفی پرداختن به این موضوعها کدام است؟

9.چه پیشنهادهای تازه ای درباره این موضوع به برنامه سازان می توان ارائه کرد؟

4. فرضیه پژوهش

دین مقدس اسلام برای رفع موانع و سعادت، به جای راه های تنگنظرانه رهبانیت و ریاضت های دشوار و عزلت، کوشش برای رفع مشکلات و گشایش امور بندگان خدا و از خودگذشتگی در این راه را پیش روی سالکان راه خود قرار داده است. این فضیلت به سبب ریشه داشتن در سرشت انسان، زیبایی ها و جذابیت های ویژه خود را دارد. ازاینرو، موضوع بسیار مناسبی برای برنامه های گوناگون رسانه ملی است.

نتیجه این فرضیه، پاسخی مناسب به پرسشهای پژوهش است؛ زیرا اسلام درباره گره گشایی دیدگاه بازی دارد و امکان برنامه سازی در این موضوع به صورت گسترده نیز به چشم میخورد.

5. روش پژوهش

روش این پژوهش بر اساس منابع آن، تلفیقی است. به این معنا که منابع این پژوهش هم قرآن کریم و روایت است و هم عقل و علوم تجربی.

بنا براین، اطلاعات گردآوری شده از منابع نقلی دینی به روش تفسیری - تبیینی، پردازش و استفاده می شود و اطلاعات برگرفته از منابع تجربی و عقلی با روش تحلیلی - تبیینی به خدمت گرفته شده است. نظر به اینکه در بخش دوم، بیشتر از منابع قرآن و روایت بهره گرفتهشده، روش تفسیری - تبیینی بیشتر به کار آمده است.

6. پیشینه پژوهش

در موضوع گره گشایی، کتاب یا مقاله مستقلی با این عنوان یا عنوان مشابه نیافتیم، ولی در منابع روایی اسلامی، باب هایی به چشم میخورند که با موضوع گره گشایی رابطه نزدیکی دارند. برای مثال، در جلد دوم _اصول کافی_، بابهایی با این نام ها دیده میشود: «بابُ الإهتِمام بأمور المُسلمینَ والنَصیحةُ لَهُم ونَفعِهُم»؛ «بابُ أخُوّهِ المؤمنان بعضهم لبعض»؛ «بابُ التَّراحُم والتَعاطُف»؛ «باب إدخالِ السّرور عَلَی المؤمنان»؛ «باب قَضاء حاجَهِ المُؤمن»؛ «بابُ السَعی فی حاجَه المُؤمن»؛ «باب تَفریجِ کَربِ المُؤمن»؛ «باب إِطعامِ المؤمنان»؛ «باب مَن کَسا مُؤمناً»؛ «بابٌ فی إلطافِ المُؤمن وإکرامه»؛ «بابُ نَصیحه المُؤمن»؛ «باب الاصلاح بَین الناس» و بابهای دیگر که هر کدام به گونه ای با موضوع گره گشایی ارتباط دارند. در این پژوهش، میکوشیم تا روایتهای مربوط به این موضوع را ساماندهی کنیم.

افزون بر این، در کتابهای روایی دیگر همچون _بحارالانوار_ و _میزانالحکمه_ نیز موضوعهای پراکندهای با موضوع گره گشایی مرتبط هستند. در کتابهای اخلاقی همچون _جامع السعادات_ و _معراج السعاد__ه_ نیز در کنار بیان فضایل و رذایل اخلاقی، به برخی مصداقهای گره گشایی پرداخته شده است که صبغه روایی آن قوی تر از جنبههای دیگر است. در کتابهای روایی مانند بحارالانوار، نمونه های عینی فراوانی از گرهگشایی در زندگی بزرگان دین و امامان معصوم(ع) به چشم می خورد که به فراخور حال این پژوهش از آنها بهره گرفته شده است.

7. مفهوم شناسی

مفاهیم کلیدی این پژوهش، همه در یک سطح از اهمیت نیستند؛ برخی در پاره ای از فصلهای کتاب، به شکل جزئی و موردی به کار رفته اند و عده ای از مفاهیم پایه همه جا حضور دارند.

مفاهیم پایه مانند گره گشایی، توجه به امور مسلمانان، برادری (اخوت) و مفاهیم وابسته مثل اصلاح ذات البین، ارشاد، کمک و نیکوکاری، مشاوره، انفاق و دفاع از مظلوم هستند. ما در اینجا تنها مفاهیم پایه را تعریف می کنیم و در صورت لزوم، مفاهیم وابسته در جایگاه مناسب خود توضیح داده خواهد شد.

_الف) گره__ __گشایی_: کوشش برای برطرف کردن مشکلات دیگران؛

_ب) برادری (اخوت)__:_ یک رابطه تعریف شده دینی که نتیجه آن همدلی و همیاری مسلمانان با یکدیگر است.

8. گستره موضوع

گرفتاری ها و گره های زندگی انسان ها در این دنیا بسیار گوناگون است و جنبههای گسترده ای را دربرمی گیرد. گرفتاری در مرحله نخست به مادی و غیرمادی تقسیم می شود. گرفتاری های مادی می تواند ریشه اقتصادی داشته باشد که باید با انفاق و ایثار و راههای مشابه، آن را برطرف ساخت و شاید ریشه سیاسی و اجتماعی داشته باشد که معمولاً با واژه ستم از آن یاد می کنند. در آموزههای دینی آمده است که مسلمانان هر جا صدای برادر ستم دیدهای را بشنوند، باید به یاری او بشتابند. البته امروزه مصداقهای جدیدی از گرفتاری های اجتماعی و ستم ها به فراخور تغییر روش زندگی در دوران جدید پدید آمده است که نمونه آن، گرفتاری های اداری و بوروکراتیک است.

گرفتاری های غیرمادی، مشکلاتی مانند مشکلات عاطفی و روحی، جهل یا اختلافها و کینه ها و ناسازگاری های میان افراد را دربرمی گیرد. در این پژوهش، می کوشیم با تبیین مصداقهای گرفتاری ها و راه کارها،

آفتها و جنبههای گوناگون موضوع را به طور کلی واکاوی و موارد ویژه را نیز تا آنجا که از اصل موضوع خارج نشویم، بررسی کنیم.

9. کاربرد رسانهای

موضوعهای اخلاقی به ویژه آنها که به اخلاق اجتماعی و خیرخواهی و انسان دوستی مربوط می شود، جذابیت فوقالعاده ای دارند و به دلیل قدرت فراوان در برانگیختگی هیجانی, از آنها می توان در فیلمهای عاطفی، جنگی و حتی سیاسی یا سریالهای تلویزیونی بهره برد.

همچنین جنبههای گسترده این موضوع، میزگردها، همایش ها، گزارشها، گفتوگو ها و پیامهای گفتاری و نوشتاری زیادی را شکل می دهد. امیدواریم این پژوهش کوتاه، ذهن هشیار برنامه سازان کاردان و دل سوز را به تکاپو وادارد و برنامه های موفقی در این موضوع تهیه شود.

1. گره گشای اصلی

از آنجا که خداوند بزرگ، سرچشمه قدرت و رحمت است، کمکی که از بنده ای به بنده دیگر می رسد، لطف و یاری اوست و بندگان، وسیله ای بیش نیستند که خداوند، توفیق خدمت را نصیب آنها کرده است. بنا براین، اگر در این پژوهش، از گره گشایی بندگان نسبت به همدیگر سخن میگوییم، همواره این نکته را در نظر داریم که گشایش گر و تکیهگاه حقیقی هر انسانی، ذات پاک و توانای اوست؛ همو که مالک و مولای همه آفریدگان و روزی دهنده و آزماینده همه آنهاست.

افزون بر این، کلید بسیاری از مشکلات، تنها به دست توانای اوست و حتی تواناترین بندگان نیز توان چاره یابی برای آن را ندارند. پیامبران الهی آن گاه که امیدشان از همه اسباب بریده می شد، دست نیاز به آستان حضرت دوست بلند می کردند و چاره گرفتاری خود را از ذات مقدس او می خواستند. نمونه هایی از این مطلب در قرآن کریم بازگو شده است.(1)

حضرت نوح پس از قرن ها تلاش، آن گاه که از هدایت مردم ناامید شد و او را به سنگسار تهدید کردند، دست به درگاه پروردگار بلند کرد. با اجابت دعای نوح، او و مؤمنان نجات یافتند و کافران در عذاب قهر الهی غرق شدند. _حضرت ایوب_(ع) نیز پس از آنکه موج بلاها

1- 1. نک: انبیا: 76 - 89.

و سختی ها وی را فراگرفت و مال و ثروت و فرزندان و سلامتی خود را از دست داد، چنین دعا کرد: «پروردگارا! به من سختی رسیده و تو مهربان ترین مهربانانی.» خداوند بزرگ، درخواست او را پذیرفت و نعمت های گرفته شده از او و افزون بر آن را دوباره به او بخشید. _حضرت یونس_(ع) در اعماق دریا و در شکم تاریک ماهی، خداوند را خواند و خدا او را به ساحل نجات رساند. _حضرت زکریا_(ع) نیز در پیری از خداوند پسری خواست و خداوند، فرزندی شایسته به او بخشید.(1)

2. محبوب ترین کارها نزد خداوند

گره گشایی در اسلام چنان جایگاه والایی دارد که در سخنان نورانی اهل بیت(ع) یکی از دوست داشتنی ترین کارها نزد خدا معرفی شده است. روشن است که اگر عملی محبوب خداوند باشد، بهترین عمل هاست و انجام دهنده آن، محبوب درگاه خداوند می شود. امام جعفرصادق(ع) فرمود:

نسبت به برآوردن نیازهای مردم باایمان، شادکردن دل های ایشان و برطرف کردن ناخوشی ها از آنان، حریص باشید که پس از باور داشتن خداوند عزوجل و ایمان به او، نزد او عملی محبوب تر از شادکردن مؤمنان نیست.(2)

سعید بن قیس همدانی می گوید: «روزی امیرالمؤمنان علی(ع) را دیدم که در گرمای شدید از خانه بیرون آمده بود. از او پرسیدم: چرا این هنگام بیرون آمده اید؟ آن حضرت پاسخ داد: من جز برای یاری ستم دیدهای یا فریادرسی دادخواهی بیرون نیامدم».(3)

1- 1. مرتضی مطهری، داستان راستان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج 1، داستان شماره 26.
2- [2] . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چ3، ج 71، ص312.
3- [3] . حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل ، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث العربی، 1408ه- .ق، چ2، ج12، ص 417.

3. برترین عبادت ها

هر مسلمانی علاقه دارد شریف ترین و ارزشمندترین عبادت ها را بشناسد و با عمل به آنها، نزدیکترین راه را برای رسیدن به پیوندی مستحکم با خداوند در پیش گیرد. پروردگار مهربان، خود، بیش از بندگان، مشتاق این پیوند عاشقانه است. ازاینرو، از زبان دوستان برگزیده خود، برترین عبادت ها و نزدیکترین راه ها به سوی خود را به بندگانش شناسانده و مسیر درست را به پویندگان راهش نشان داده است.

در روایتهای نورانی اهل بیت(ع) آمده است که برطرف کردن نیاز مؤمنان از بسیاری از کارهای نیکو، برتر است. در برخی روایتها، این کار از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا و تجهیز و فرستادن هزار رزمنده به جبهه جنگ نیز برتر و بالاتر شمرده شده است.(1)

امام صادق(ع) میفرماید:

کسی که به انگیزه رسیدن به پاداش الهی، در راه برآوردن نیاز مؤمنی گام بردارد و موفق به انجام آن شود، خداوند همانند پاداش حج و عمره پذیرفته شده به درگاهش و دو ماه روزه و اعتکاف ماه های حرام در مسجدالحرام را برای او می نویسد] بر او واجب می گرداند[و کسی که با همان نیت گام بردارد، ولی موفق به برآوردن حاجت برادر دینی اش نشود، خداوند همانند ثواب یک حج مقبول را برایش می نویسد. پس به کارهای نیک گرایش یابید.(2)

باید دانست گره گشایی با همه جایگاه و ارزشی که در اسلام دارد، هیچ گاه جای وظایف دینی دیگر را نمی گیرد و هیچ کس نمی تواند به بهانه خدمت به خلق، از وظایف دیگر شانه خالی کند و شعار «عبادت به

1- [1] . بحارالانوار ، ج 71، صص 285و 304.
2- [2] . همان, ص328.

جز خدمت خلق نیست» سر دهد. عبادت، فقط خدمت خلق نیست و هیچ عبادتی جای اعمال واجب را نخواهد گرفت. در مجموعه گسترده دین، هر چیز به جای خویش، نیکوست. همه عبادتها و تکلیفهای دینی در یک رتبه نیستند و حتی در میان واجبات، برخی از بعضی دیگر مهم تر هستند. امام جعفر صادق(ع)، عبادتها را چنین رتبه بندی کرده است:

برترین عمل، معرفت و شناخت آفریدگار جهان است. پس از آن، نماز، زکات، روزه، حج و معرفت ما اهل بیت(ع) برترین عمل هاست. پس از آن، نیکی کردن به برادران دینی با انفاق کردن، بهترین کارهاست.(1)

همچنین ایشان میفرماید:

سوگند به آن کس که به حق، محمد(ص) را بشارت دهنده و بیمدهنده برانگیخت، برآوردن نیاز مسلمان و رفع گرفتاری او از ده حج و طواف گرد خانه خدا بهتر است.(2)

تردیدی نیست که نیتِ عامل، میزان اخلاص وی، درجه نیاز نیازمندان و مراتب نیاز آنان، سبب تفاوت در تعیین پاداش عمل می شود. ازاینرو، اختلاف روایتها در میزان پاداش گره گشایی را می توان به دلیل اختلاف در این امور دانست.(3)

4. برترین مردم

کسی که گرفتاری های مردم را برطرف می کند، هم رضای خداوند متعال و هم خشنودی بندگان او را به دست میآورد و همزمان، به کرامت و برتری در دنیا و آخرت می رسد. پیامبر اعظم(ص) فرمود: «خَیرُ النّاسِ مَن انتَفَعَّ بِه النّاس؛ بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند».(4)

1- [1] . همان, ص 318.
2- [2] . همان.
3- [3] . نک : همان ، ص 334، توضیح علامه مجلسی.
4- [4] . همان ، ج 72، ص 23.

حضرت عیسی بن مریم(ع) در گهواره فرمود: «خداوند مرا هر کجا باشم، مبارک قرار داده است.» (مریم:31) حضرت امامصادق(ع) در تفسیر کلام حضرت عیسی(ع) میفرماید: «مبارک، به معنای بسیار نفع رساننده است». (1)

پس سود رساندن به مردم، از انسان، موجودی مبارک و شریف می سازد که این امر مایه مباهات پیامبران الهی حتی پیامبران اولوالعزم است.

شنیده اید که آس--ایش بزرگ-ان چیست

برای خ-اط-ر بیچ--ارگان نی-اس--ودن

به کاخ ده-ر که آلایش است بنی-ادش

مقی-م گش-تن و دامان خ-ود نیال-ودن

ه-می ز ع-ادت و ک-ردار زشت کم کردن

هماره بر صفت و خ-وی نی-ک اف-زودن(2)

مردی از سفر حج بازگشته بود و سرگذشت مسافرت خود و همراهانش را برای امام صادق(ع) تعریف می کرد. او یکی از هم سفران خویش را بسیار می ستود و میگفت: «چه مرد بزرگواری بود. ما به همراهی با چنین مرد شریفی افتخار میکردیم؛ همواره مشغول عبادت بود. وقتی در منزلی فرود می آمدیم، بیدرنگ به گوشه ای می رفت و سجاده خویش را پهن می کرد و به طاعت و عبادت خویش می پرداخت.» امام فرمود: «پس چه کسی کارهای او را انجام می داد و حیوان او را تیمار می کرد؟» وی پاسخ داد: «البته افتخار این کارها با ما بود. او فقط به کارهای مقدس خویش مشغول می شد و کاری به این کارها نداشت.» امام صادق(ع) برخلاف انتظار آن مرد فرمود: «بنا براین، همه شما از او برتر بوده اید.»(3) پس خدمت به بندگان خدا یکی

1- [1] . همان ، ج 71، ص 341.
2- [2] . پروین اعتصامی، دیوان اشعار. نشر قطره, تهران, 1377.

3- [3] . داستان راستان، داستان 5 (با اندکی تغییر).

از ملاک های ارزش گذاری انسان است و عبادت در کنار خدمت، دو بال پرواز انسان به سوی کمال هستند. _سعدی_ می گوید:

شنیدم که پیری به راه حجاز

به هر خطوه کردی دو رکعت نماز

چنان گرمرو در طریق خدای

که خار مغیلان نکندی ز پای

یکی هاتف از غیبش آواز داد

که ای نیکبخت مبارک ن-هاد

به احسانی آسوده کردن دلی

به از اَلف(1) رکعت به هر منزلی(2)

5. شرط ایمان

برخی گمان می کنند که دین داری و مسلمانی تنها به نماز و روزه و دعا خواندن و مانند آن است، ولی چون در آیههای آسمانی قرآن کریم و روایتهای نورانی اهل بیت(ع) می نگریم، پی می بریم که در کنار عبادتهای معنوی مانند نماز، نیکی کردن به مسلمانان و یاری آنان با مال، بازو و اندیشه نیز یکی از شرایط مؤمن بودن دانسته شده است. امام صادق(ع) فرمود:

نشانه ایمان خالص, بی شایبه نیکی کردن به برادران دینی است. این کار سبب جلب محبت خداوند و شکست شیطان و دور ماندن انسان از آتش دوزخ می شود.(3)

ممکن است بپرسیم چرا کوشش برای رفع مشکلات دیگران، یک شرط ایمان است؟ در پاسخ می توان گفت یکی از آثار ایمان در وجود

1- [1] . الف: هزار.
2- [2] . سعدی شیرازی، بوستان، علمی, تهران, 1373, باب دوم، حکایت هفتم.
3- [3] . مستدرک الوسائل، ج 12، ص 421.

انسان این است که روح را جلا می بخشد. چنین دلی در برابر گرفتاری های مردم، بی اعتنا نمی نشیند، بلکه به تپش میآید و مؤمن را به کوشش و حرکت وامی دارد. اگر چنین نباشد، روشن است که فرد لطافت روح ندارد و درنتیجه، ایمان وی ناقص است.

در این روایت، کمک و نیکی به برادران دینی، عامل شکست شیطان معرفی شده است. معنای فرمایش امام در این نکته نهفته است که شیطان پیوسته برای سست کردن ایمان مؤمنان می کوشد. پس چون مؤمنی با فرد گرفتاری روبهرو می شود، تمام تلاش شیطان این است که با وسوسه افکندن در دل مؤمن، او را بی اعتنا و سختدل کند تا از کمک به گرفتار بپرهیزد. در این گیرودار، اگر مؤمن به وسوسه شیطان توجه نکند و از مشکل برادرش گره بگشاید، در حقیقت، در این میدان مبارزه، بینی شیطان به خاک مالیده می شود. پس مؤمن از آزمون، سربلند بیرون میآید و ایمانش محکمتر می شود.

شخصی به امام باقر(ع) گفت: «در شهر ما، شیعیان فراوانند.» امام باقر(ع) به او فرمود: «آیا ثروتمندانشان به فقیران توجه میکنند؟ آیا نیکان از خطاهای بدان درمی گذرند و آیا]شیعیان که می گویی[با همدیگر، هم دردی می کنند؟» مرد پاسخ داد: «خیر.» امام فرمود: «اینان شیعه نیستند. شیعه کسی است که چنین کند».(1)

در احادیث دیگری هم آمده است که اهل بیت(ع) میان دوستدار خود و شیعه تفاوت گذاشته اند. ممکن است کسی دوستدار اهل بیت(ع) باشد، ولی شیعه حقیقی آنها نباشد. معصومین(ع) از شیعه حقیقی چنانکه در حدیث بالا دیدیم، تعریف ویژه ای داشتند.

یکی از اصحاب امام صادق(ع) می گوید: «خدمت امام بودم که مردی وارد شد و سلام کرد. امام از حال شیعیان شهر و دیار آن مرد

1- [1] . محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1363ه- . ق ، ج 2، ص 173.

پرسید. مرد از آنان بسیار به نیکی یاد کرد. امام از او پرسید: عیادت ثروتمندان از فقیران چگونه است؟ پاسخ داد: اندک است. پرسید: نگاه ثروتمندان نسبت به فقیران چگونه است؟ باز هم پاسخ داد: اندک است. باز امام پرسید: دست گیریی ثروتمندان از نیازمندان چگونه است؟ آن شخص با تعجب گفت: شما از اخلاقی یاد می کنی که نزد ما بسیار کم پیدا می شود. امام صادق(ع) فرمود: پس آنان چگونه می پندارند که شیعه ما هستند؟»(1)

شیعه در لغت به معنای پیرو(2) است. پس اگر محبت اهل بیت(ع) را در دل داشته باشیم، ولی در رفتار به ایشان اقتدا نکنیم، نمی توانیم خود را شیعه و پیرو بنامیم. توضیح این مطلب نیز لازم است که در بسیاری از روایتها اصطلاح مؤمن به معنای شیعه به کار رفته است. بنابراین، وقتی امامان ما می فرمایند مؤمن باید چنین باشد؛ یعنی شیعه واقعی اهل بیت(ع) باید چنین باشد. برطرف کردن مشکلات دیگران و گره گشایی از کار مردم، سیره اهل بیت(ع) بود و ما که خود را شیعه آنان می خوانیم، باید در کردار و خلقوخو همانند ایشان باشیم. باید دانست محبت حقیقی، پیروی را در پی خواهد داشت. خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «به مردم بگو اگر خدا را دوست دارید، از من اطاعت کنید تا خداوند، شما را دوست بدارد». (آلعمران: 31)

6. شرط برادری

چشم اندازی که قرآن کریم از جامعه اسلامی ترسیم می کند، جامعه ای است که میان افراد آن برادری وجود دارد. در قرآن کریم میخوانیم: «انما المؤمنون اخوه؛ مؤمنان با یکدیگر برادرند.» (حجرات:10) برادری میان

1- [1] . همان.
2- [2] . ابن منظور، لسان العرب ، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، 1416ه- .ق، چ 1 ، ج8، ص 189.

افراد جامعه، پیوندی بسیار مستحکم، نزدیک و صمیمی را سبب می شود، تا جایی که هر کس گرفتاری و مشکل برادرش را مشکل و گرفتاری خود می داند و در حل آن با تمام توان میکوشد. رسول گرامی اسلام که بنیانگذار نخستین جامعه برادرمحور در _مدینه_ بود، میفرمود: «مؤمنان باهم برادرند؛ برخی نیازهای برخی را برمی آورند و بدین سبب خداوند در روز قیامت، نیازهایشان را برمی آورد».(1)

امت اسلامی همچون پیکر واحدی است که اگر روزگار، عضوی از آن را به درد آورد، عضوهای دیگر بی قرار می شوند و در پی بازگرداندن قرار و آرامش به آن عضو برمی آیند. امام جعفر صادق(ع)، رئیس مکتب جعفری، فرمود:

مؤمنان]در نیکی کردن و عطوفت و مهربانی ورزیدن به یکدیگر[همچون پیکر واحدی هستند که اگر]عضوی از آن[بیمار شود، همه عضوها]به شب بیداری و تب کردن[(2)، با آن عضو، هم دردی می کنند.

همچنین در جای دیگری فرمود: «در تکیه کردن مؤمن به برادرش همین بس که نیازش را نزد او فرود آورد».(3)

می توان گفت اسلام، جامع ترین برنامه را برای یک جامعه ایده آل به ارمغان آورده است. پس جامعه ای را باید به معنای واقعی کلمه، اسلامی نامید که میان همه افراد آن، رابطه برادری برقرار باشد.

7. وظیفه دینی

کمک به دیگران و مشکل گشایی از کار آنان، وظیفه و تکلیف دینی شمرده می شود. خداوند بزرگ در برابر نعمت های بی شماری که به انسان ارزانی

1- [1] . بحارالانوار ، ج 71، ص 310.
2- [2] . همان، ج 71، ص 273.
3- [3] . « کَفی بِالمَرءِ إعتِماداً عَلی أخیه أن تُنزِلُ بِهِ حاجَتَه . » همان، ص 334.

داشته، شکرگزاری آنها را خواسته و نمونه ای از شکر نعمت ها، بهکار بستن آنها در راه رفع گرفتاری نیازمندان است. _سُدیر صیرفی_ از امام صادق(ع) نقل می کند که فرمود: «ای سدیر! هرگز دارایی فردی زیاد نمی شود مگر اینکه حجت خداوند هم بر او سنگین می شود. پس اگر می توانید آن را از خود دفع کنید، چنین کنید.» پرسیدم: «ای فرزند رسول خدا! چگونه حجت خدا را از خود دفع کنیم؟» حضرت فرمود: «با برآوردن نیازهای برادرانتان از اموالتان...».(1)

اکنون نمونه ای از وظیفه شناسی یکی از بزرگان دین و حجتهای خداوند را میآوریم.

«شب بود و هوا بارانی. امامصادق(ع) تنها و بی خبر، از تاریکی شب و خلوت کوچه ها استفاده کرد. از خانه بیرون آمد و به سوی _ظله __]__سایبان قبیله__[__ بنی__ ساعده_ روانه شد. از قضا _مُعلّی بن خنیس_ که از اصحاب و یاران نزدیک امام بود، متوجه بیرون رفتن امام از خانه شد. با خود گفت: امام را در این تاریکی تنها نگذارم. با چند قدم فاصله به راه افتاد. فقط شبح امام را در آن تاریکی می دید. اندکی بعد متوجه شد گویا چیزی از دوش امام بر زمین افتاد و ریخت. صدای آهسته امام را شنید که می گفت: خدایا این را به ما برگردان. در این هنگام، معلی جلو رفت و سلام کرد. امام از صدای معلی، او را شناخت و گفت: معلی هستی؟ پاسخ داد: آری، معلی هستم. پس نگاه معلی به نان هایی افتاد که بر زمین ریخته بود. آنها را از زمین جمع کرد و به دست امام داد. کیسه بزرگی از نان بود که یک نفر به سختی می توانست آن را به دوش بکشد. معلی گفت: اجازه دهید من آنها را بر دوش کشم. امام فرمود: خیر، خودم بر این کار سزاوارترم. امام نان ها را به دوش کشید و به راه افتاد

1- [1] . همان، ص 302.

تا به سایبان بنی ساعده رسیدند. آنجا محل تجمع بینوایان و بیچارگان بود. کسانی که خانهای نداشتند، در آنجا به سر می بردند. همه در خواب بودند. امام نان ها را یکی یکی و دو تا دو تا کنار آنان گذاشت و بازگشت. معلی پرسید: اینها که در این دلشب بر ایشان نان آوردی، شیعه هستند؟ حضرت پاسخ داد: خیر، اگر شیعه و معتقد به امامت بودند، نمک (یعنی: خورش) هم می آوردم». (1)

8. شادی خدا و پیامبر اعظم(ص)

در معارف دینی، گرهگشایی از کار مسلمانان همپایه شاد کردن خدا و پیامبر دانسته شده است. در روایتهای مشهوری آمده است که «قَلبُ المُؤمِنِ عَرشُ الرَّحمنِ ؛ دل مؤمن، عرش خداوند است.» (2) و خداوند در دل های با ایمان جای دارد. از سوی دیگر، در حدیث قدسی آمده است که «مردم عیال من هستند. پس محبوبترین آنها نزد من، مهربانترین آنان نسبت به عیال من و کوشنده ترین آنها نسبت به نیازهایشان هستند.» (3) با قرار دادن این دو حدیث در کنار هم می توان چنین برداشت کرد که چون خداوند بزرگ، دل بندگان مؤمن را جایگاه خود می داند و به عبارت دیگر، دل های بندگان، حرم الهی است، هر کس که به این دل ها گرمی و نشاط بخشد، خشنودی خداوند را به دست آورده و زیباترین عمل ها را به پیشگاه فرمانروای هستی، هدیه کرده است.

امام صادق(ع) به نقل از رسول خدا(ص) فرمود: «هر کس مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده و هر کس مرا شاد کند، خداوند را شاد کرده است.» (4) می دانیم که شاد شدن خداوند به معنای افعال نفسانی نیست، بلکه به

1- [1] . داستان راستان، داستان (با اندکی تغییر)، به نقل از: بحارالانوار، ج 11، چاپ کمپانی، ص110.
2- [2] . بحارالانوار، ج 55، ص 39.
3- [3] . کافی، ج 2، ص 199.
4- [4] . همان، ج 2، ص 188.

معنای رضایت و خشنودی اوست. اوست که دل ها را با برطرف کردن مشکل ها شادمان میکند تا غم و اندوه را از چهره ها بزداییم.

نکویی کن و سوی نیکی گرای

بدین از تو خش-نود گردد خدای

در روایتی میخوانیم که عدهای نزد امام صادق(ع) بودند. امام به آنها فرمود: «چرا ما را سبک می شمارید (ما را خوار می کنید)؟» در این هنگام، شخصی از اهالی خراسان برخاست و گفت: «به خدا پناه می بریم که شما یا امر شما را سبک بشماریم.» آن حضرت به او فرمود: «خودت یکی از کسانی هستی که مرا سبک]و خوار[شمرده است!» آن شخص گفت: «به خدا پناه می برم که نسبت به شما جسارتی کرده باشم.» امام پاسخ داد: «وای بر تو! در زمانی که ما نزدیک]میقاتِ[جُحفه بودیم، آیا صدای فلانی را نشنیدی که به تو گفت: مرا به قدر یک میل بر مرکبت سوار کن، ولی تو اظهار ناتوانی کردی و حتی سرت را بلند نکردی]و پاسخ مثبت ندادی[،]با این کارت[او را سبک و خوار کردی و هر کس مؤمنی را خوار کند، ما را خوار کرده و حرمت خداوند عزوجل را شکسته است». (1)

از این روایت روشن می شود همچنان که رفع نیازهای مسلمانان، احترام گذاشتن به خداوند متعال و پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت پاک اوست، کوتاهی در گره گشایی از کار مسلمانان و شیعیان، بی احترامی و توهین نسبت به ذات مقدس پروردگار و ساحت پاک پیشوایان دین به شمار میرود؛ زیرا درحقیقت، سبک شمردن و نادیده گرفتن فرمان های آنهاست.

ص:21

1- [1] . ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، نجف، مطبعه نجف، 1383ه- .ق ، ج 2، ص328.

فصل سوم:آثار گره گشایی

1. آثار اخروی

الف) رحمت ویژه الهی

یکی از آثار گره گشایی از کار مسلمانان، به دست آوردن رحمت ویژه الهی است. انسان ها چه خوب یا بد و چه مؤمن یا کافر، همه از نعمت های الهی بهره می برند، ولی عده ای از بندگان، به سبب شایستگی های ویژهای که از خود نشان می دهند، رحمت ویژه خداوند شامل حالشان میشود. یکی از جلوه های رحمت ویژه الهی برای بندگان شایسته این است که خداوند به آنها دلی نورانی میبخشد و در زندگی، راه درست را از نادرست تشخیص می دهند.(1) در آخرت نیز که همه گرفتار و در گرو عمل خود هستند، ایشان اهل نجات و رستگاری خواهند بود. امام صادق(ع) از پیامبر اعظم(ص) نقل می کند:

آن کس که برادر مسلمانش را با کلمه ای احترام آمیز، اکرام کند و گرفتاری اش را برآورد تا زمانی که دست در این کار دارد، در سایه سار رفیع رحمت خدا به سر می برد.(2)

در روایتی دیگر نیز میفرماید:

1- [1] . « يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ فی الناس ». نک: حدید : 28 .
2- [2] . اصول کافی ، ج 2، ص 206.

در روز قیامت، خداوند عزوجل به چهار کس] با لطف و مرحمت خود[نظر می کند: کسی که پشیمان شده از معامله ای را اقاله کند]؛یعنی معامله را فسخ کند[یا دادخواهی را فریادرسی کند یا بنده ای را آزاد کند یا مجردی را به ازدواج همسری درآورد.(1)

ب) آمرزش گناهان

یکی دیگر از آثار گره گشایی از دیدگاه اسلام، آمرزش گناهان است. بیشک، در زندگی، از همه ما گناهانی سر میزند. حال راه رهایی از پی آمد این گناهان و دست یابی به رحمت الهی چیست؟ در معارف دینی، توبه بهترین راه معرفی شده است، ولی کارهای نیک انسان هم در آمرزش بدی ها و گناهان او مؤثر است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إنّ الحَسَناتِ یُذهِبنَ السیّئات؛ نیکی ها, بدی ها را می برد.»(2) کدام نیکی بهتر از اینکه انسان مهر و لطف خود را به بندگان خدا ارزانی دارد تا به رحمت خداوند دست یابد؟ حضرت علی(ع) فرمود: «از کفاره های گناهان بزرگ، فریادرسی درماندگان و گشایش کار گرفتاران است.»(3) امام صادق(ع) نیز فرموده است:

کسی که در راه برطرف کردن نیاز برادر مسلمانش گام بردارد، خداوند بلندمرتبه برای او هزار هزار (یک میلیون) نیکی می نویسد که به سبب آن، گناه خویشان و همسایگان و برادران و آشنایان او بخشیده می شود.]سپس حضرت چگونگی بخشیده شدن آنها را در قیامت چنین بیان کرد:[پس چون روز قیامت به پا شود، به او گفته شود: «داخل آتش شو و جز دشمن اهل بیت پیامبر، هر کس را که در دنیا به تو نیکی کرده

1- [1] . همان، ج 72، ص 19.
2- [2] . همان .
3- [3] . همان، ص 21 ، به نقل از : نهج البلاغه : «مِن کفّاراتِ الذّنوبِ العِظامِ إغاثه الملهوفِ والتنفسُ عَنِ المَکرُوبِ».

است، به اذن خداوند عزوجل بیرون آور».(1)

سعدی شیرازی نیز چه زیبا می سراید:

خدا را بر آن بن--ده بخش-ایش است

که خلق از وجودش در آسایش است

کَرُم ورزد آن سر که مغزی در اوست

که دونهمت-انند بی مغ--ز و پوس-ت

کسی نی--ک بیند به هر دو س---رای

ک-ه نی--کی رس--اند به خل-ق خ-دای(2)

از دیدگاه اسلام، برای کسی که در رفع نیازهای دیگران می کوشد، دعا و طلب آمرزش می کنند و اینگونه گناهانش بخشوده می شود. امام صادق(ع) فرمود:

در انجام کارهای پسندیده با یکدیگر رقابت کنید و از اهل آن باشید. همانا در بهشت، دری است به نام «معروف» که از آن در جز کسی که در زندگی دنیا «کار معروف» (پسندیده) انجام داده باشد، وارد بهشت نمی شود. همانا]چون[بنده خدا در پی برآوردن نیاز برادر دینی اش گام برمی دارد، خداوند عزوجل بر او دو فرشته می گمارد که یکی از راست و دیگری از چپ، بخشودگی گناهانش را از خداوند می خواهند و برای برطرف شدن نیازش دعا می کنند... . به خدا سوگند که رسول خدا(ص) از برآورده شدن نیاز بنده با ایمان، بیش از خود نیازمند شاد می شود.(3)

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای

فرشته ات به دو دس-ت دع--ا نگه دارد

1- [1] . همان، ج 71، ص 333.

2- [2] . سعدی، بوستان .
3- [3] . بحارالانوار ، ج 71، ص 328.

ج) امان از آتش دوزخ

یکی از برترین پاداش های خداوند بزرگ به انسان های نیکوکار و گره گشا، نجات دادن آنان از آتش دوزخ و داخل شدن در بهشت پرنعمت است. آنان که در سرای دنیا در پی زدودن غم از چهره دیگران هستند، در سرای آخرت، غبار غم و اندوه بر چهره شان نمی نشیند. آنان که در این عالم، در پی سیر کردن گرسنگان و سیراب کردن تشنگانند، در روزی که همه تشنه و گرسنه هستند، از گرسنگی و تشنگی در امان خواهند بود و آنان که سرای بینوایان را رونق می بخشند، سرای آخرتشان, آباد و پررونق است. آنان که در این جهان در پی فرو نشاندن آتش فتنه ها و درگیری ها هستند، در جهان آخرت، از آتش دوزخی که خداوند از خشم خود برافروخته است، در امان خواهند بود. خداوند بزرگ به حضرت داوود وحی کرد: «]گاهی[بنده من یک کار نیکو انجام داده است که به خاطر آن بهشتم را بر او مباح می کنم.» حضرت داوود(ع) پرسید: «پروردگارا! آن کار نیکو چیست؟» خداوند متعال فرمود: «دلِ بنده باایمان مرا شاد می کند، هر چند به دانه خرمایی باشد.» اینجا بود که حضرت داوود(ع) به خداوند گفت: «آنکس که تو را شناخت، سزاوار است که امیدش را از تو قطع نکند».(1)

از پیامبر اسلام روایت شده است: «کسی که نیاز مؤمنی را برآورد، خداوند نیازهای فراوانی از او برآورد که کمترین آن بهشت است.»(2) همچنین امام محمدباقر(ع) فرمود:

خداوند عزوجل در بخشی از سخنان خود با بنده اش موسی چنین فرمود: «من بندگانی دارم که بهشتم را بر آنها ارزانی می کنم و ایشان را در بهشت حکومت می بخشم.»]حضرت موسی[پرسید: و آنان - که

1- [1] . همان، ص 283 ، به نقل از : امام صادق(ع).
2- [2] . همان، ص 285.

وصفشان چنین است - کیانند؟]خداوند عزوجل[فرمود: «آنکه مؤمنی را شاد کند».

امام باقر(ع) فرموده است:

مرد با ایمانی در سرزمین فرمانروایی ستمگر زندگی می کرد. پس]از بیم جان خود[از آنجا به سرزمین دیگری گریخت که مردم آن مشرک بودند و مهمان یکی از مشرکان شد. آن مشرک به او پناه داد و با مهربانی از او پذیرایی کرد. پس]از مدتی که[مرگ آن مرد بی دین فرا رسید. خداوند عزوجل وحی کرد که به عزت و جلال خودم سوگند که اگر برای تو در بهشتم جایگاهی بود، بیشک, تو را در آن ساکن می کردم. بهشتم بر هر کس که مشرک بمیرد، حرام است.]سپس خداوند به آتش برزخ دستور داد:[«ای آتش! او را بترسان، ولی نسوزان.»(1) روزی او هر صبح و شام، از هر جا خدا بخواهد، برایش می آید.(2)

در حدیث دیگری، حضرت امام موسی کاظم(ع) فرمود:

خداوند در زمین بندگانی دارد که در برآوردن نیازهای مردم می کوشند. اینان در روز قیامت]از سختی های آن روز[در امانند.(3)

د) رفع اندوه و گرفتاری های قیامت

یکی دیگر از آثار گره گشایی که با مورد گذشته هم ارتباط دارد، رفع غم و اندوه قیامت است. چنانکه می دانیم، روز قیامت، روز تجسم اعمال است و انسان در آن روز، حقیقت اعمال خوب و بد خود را به شکل مجسم میبیند؛ اعمال نیک را به

1- [1] . البته در برخی روایات لفظی آمده است که بر اساس آن معنای حدیث چنین می شود: «ای آتش ! او را آزار مده و مسوزان» . ن ک : بحارالانوار، ج 71، ص 285.
2- [2] . همان، ج 71، ص 289.
3- [3] . همان، ص 319.

بهترین شکل و اعمال بد را به زشت ترین و ترسناک ترین صورت. گره گشایی و شاد کردن قلب دیگران نیز مانند دیگر رفتارهای نیکو، به بهترین شکل مجسم می شود و یار انسان در سختی های قیامت است. _ابان بن تَغلِب_ از اصحاب ارجمند امام صادق(ع) از ایشان درباره حق مؤمن بر مؤمن پرسید. حضرت در پاسخ فرمود: «حق مؤمن بر مؤمن بزرگتر از آن است]که تو گمان می کنی و[اگر من آن را برایتان بازگویم، حق آن را بهجا نمی آورید.]و ناسپاسی می کنید[». آنگاه به بیان تجسم شاد کردن مؤمنان در قیامت پرداخت و فرمود:

مؤمن آن هنگام که از قبرش خارج میشود، مثالی نیز همراه او خارج می شود و به او می گوید: از جانب خداوند بشارت باد بر تو به کرامت و سرور.]بنده مؤمن نیز در پاسخ[به او می گوید: خداوند به تو بشارت نیکو دهد. سپس با او همراه می شود. هرگاه با رحمتی از سوی خداوند روبهرو شود، مثل به او بشارت می دهد و هرگاه با صحنه ای ترسناک روبهرو می شود، به او می گوید: این از تو نیست]. پس نترس[و اگر بر خیری گذر می کند، می گوید: این از آنِ توست]و اینگونه [پیوسته همراه اوست و او را از آنچه می ترسد، امان می دهد و به آنچه دوست دارد، مژده می دهد تا]برای حسابرسی[در برابر پروردگار عزوجل قیام می کند. سپس دستور بهشتی بودن مؤمن می آید. باز مثال به او می گوید: مژده باد بر تو که خداوند عزوجل دستور بهشتی بودنت را داده است. در اینجا شخص مؤمن به مثال می گوید: تو کیستی که از هنگام برانگیخته شدن از گورم به من بشارت می دهی و همدم راه من بودی و مرا از فرمان خداوند آگاه کردی؟ او پاسخ می دهد: من همان شادی هستم که تو در دنیا به برادران دینی ات هدیه می کردی. من از آن شادی آفریده شدم تا به تو مژده دهم و همدم ترس و وحشت تو باشم.(1)

ص:27

1- [1] . اصول کافی ، ج 2، ص 191.

پیامبر گرامی اسلام فرمود:

تا زمانی که مؤمن به برادرش کمک کند، خداوند کمک کار اوست و هرکس یک گرفتاری از گرفتاری های دنیا را از برادر باایمانش برطرف کند، خداوند هفتاد گرفتاری از گرفتاری های آخرت را از او برطرف میسازد.(1)

بی تردید، گرفتاری های آخرت بسیار سخت تر و طولانی تر از گرفتاری های دنیاست.

هر کس ز کارِ خلق یکی عق-ده وا کن-د

ای---زد ه--زار حاج--ت او را روا کن--د

صدها فرشته بوسه بر آن دست می زنند

کز کار خلق، یک گ-ره بس-ته وا ک-ند

در روایتهای دیگر، برآوردن حاجت برادران دینی مایه ریزش گناهان و بالارفتن درجههای اخروی و افزوده شدن ثواب ها شمرده شده است.(2)
امام صادق(ع) فرمود:

هر کس یک گرفتاری مؤمنی را برطرف کند، خداوند گرفتاری های آخرت او را برطرف کند و]در روز قیامت[با دل آرام از قبرش بیرون می آید و هر کس مؤمنی را از گرسنگی نجات دهد، خداوند از میوه های بهشت به او بخوراند و هر کس به مؤمن تشنه ای، جرعه ای آب بدهد، خداوند از رحیق مختوم]ثواب مخصوص نیکان در بهشت[به او بنوشاند.(3)

از رسول خدا(ص) روایت شده است: «هر کس کار نیک کند، مسلمان باشد یا کافر، خداوند به او پاداش می دهد.» کسی پرسید: «پاداش دادن به کافر

1- [1] . بحارالانوار ، ج 74، ص 312.
2- [2] . همان، ج 71، ص 333.
3- [3] . همان، ج 72، ص 22.

چگونه است؟» حضرت فرمود: «اگر فرد صله رحمی کرده یا صدقه ای داده یا کار نیکی انجام داده باشد، خدای بزرگ به پاداش این کارها به او ثروت و فرزند و سلامتی و مانند این نعمت های دنیایی میبخشد.» دوباره پرسیدند: «در آخرت]وی را[چگونه پاداش دهد؟ فرمود: «عذابی کمتر به او میچشاند.» آن گاه این آیه را تلاوت کرد: «خاندان فرعون را به سخت ترین عذاب ها درآورید.»(1) مقصود حضرت این بود که بر اساس این آیه، عذاب های دوزخ هم درجههای فراوانی دارد که کافر نیکوکار به سبب عمل نیک خود درجههای ضعیف تر عذاب را می چشد.

2. آثار معنوی و عرفانی

الف) گذر از حجاب نفسانی

از دیدگاه قرآن و عرفان، انسان در این دنیا مسافری است که باید مراحل سیر و سلوک را بپیماید و رهتوشه بردارد تا به مقصد حقیقی برسد که همان قرب خداوند و آرام گرفتن در جوار رحمت اوست. این راه، رهزن هایی دارد که حجاب رسیدن انسان به مقصد نهایی و عالی هستند. مانند گناهان و سرگرمی های بازدارنده دنیا. در این میان، مهمترین حجاب راه حق، حجاب خودبینی و خودپرستی است که ریشه پیدایش حجاب های دیگر نیز می شود.

م-ادر ب-ت ها, ب-ت نف---س شم--اس-ت

زان که آن بت، مار و این چون اژدهاست(2)

میان عاشق و معش-وق هیچ حائل نیست

تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز(3)

پرسش اساسی این است که راه کنار زدن این حجاب چیست؟ باید گفت دل بستگی های دنیا، نوعی خودخواهی و خودبینی در آدمی پدید

1- [1] . میزان الحکمه، ج 2, صص 474 - 662, ح 2213.
2- [2] . مولوی .

3- [3] . حافظ .

می آورد و از سوی دیگر، هوس ها، او را به بهره گیری از دارایی ها در راه خواسته های نفسانی می کشاند. اینجاست که حجاب خودبینی در برابر چشمان حقیقت بین انسان قرار می گیرد و او را از رسیدن به سرمنزل مقصود باز می دارد.

حجاب چهره جان می شود غب-ار تن--م

خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم(1)

راه های گوناگونی برای کنار رفتن حجاب ها هست، ولی راهی که به بحث ما ارتباط دارد، این است که انسان با پرداختن به گره گشایی در امور مادی و معنوی دیگران، می تواند مرحله به مرحله، پای بندهای خودبینی را باز کند و از دل بستگی های مادی دل بکند. آنگاه آنچه خداوند از توان و عقل و مال به او داده است، در راه دیگران نیز هزینه کند و آنچه برای خود می پسندد، برای دیگران نیز بپسندد. تنها بدین صورت بت نفس میشکند، حجاب های تاریک خودبینی کنار می رود و دل انسان به سرچشمه نور و کمال نزدیک می شود.

ب) مظهر اسمای الهی شدن

در معارف اسلامی آمده است زمانی انسان به کمال حقیقی دست مییابد که مظهر و نماینده صفات نیکوی پروردگار باشد و به عبارت دیگر، به اخلاق الهی دست یابد.(2)

دل های پیامبران بزرگ الهی، به ویژه پیامبر اسلام و همچنین اهل بیت پیامبر(ع)، آیینه ای است که صفات جمال و جلال الهی در آن بازتاب مییابد. خداوند بزرگ، اسما و صفات فراوانی دارد که در میان آنها، دو صفت جلوه شگفتی دارند؛ صفت رحمان و رحیم که بسیاری از

1- [1] . حافظ.
2- [2] . بحارالانوار ، ج 58، ص 129. پیامبر اکرم(ص) فرمود: « تَخَلَّقُوا بِأَخلاقِ الله؛ به اخلاق الهی آراسته شوید ».

صفتهای دیگر الهی از این دو صفت سرچشمه می گیرند. رحمان به معنای کسی است که رحمتش همه چیز را فرا گرفته است و رحیم کسی است که رحمت ویژه اش در قیامت، تنها نصیب بندگان صالح می شود.

کسی که از کار دیگران گره گشایی می کند، در حقیقت، مظهر این دو اسم نیکوی پروردگار می شود. انسان مؤمن، از سویی به گره گشایی از کار هم کیشان و بندگان مؤمن توجه دارد و جان خود را با جان آنها یکی می داند:

جان گرگان و سگان از هم جداست

متحد ج-ان های شی--ران خداس-ت(1)

بدین ترتیب، بنده مؤمن با این عمل خود مظهر صفت رحیمیت خداوند میشود. از سوی دیگر، از آنجا که همه بندگان خدا را عیال خدا می داند و از آنجا که همه عالم از اوست، بر خدمت به همه عالم نیز عاشق است و برای هدایت و نجات آنان تلاش می کند. پس به مظهر رحمانیت خداوند تبدیل میشود. بنده ای که مظهر رحمانیت و رحیمیت خداوند شد، به مقصد عالی انسانی که نزدیکی به خداوند است، نزدیک میشود.

ج) آموختن شیوه عاشقی خدا

پیشتر گفتیم که سود رساندن به مردم و خدمت به آنان، انسان را نزد خداوند محبوب می کند. اینک بر آن می افزاییم که خدمت به بندگان خداوند، خداوند را نیز محبوب انسان می کند. به عبارتی دیگر، خدمت رسانی به بندگان خدا، رابطه ای دوسویه و عاشقانه میان خداوند و انسان پدید می آورد. از یک سو، خداوند، انسان نیکوکار را دوست دارد و از سویی، انسان نیکوکار، عاشق خداوند می شود. «يُحِبُّهُم ويُحِبُّونَهُ».(مائده: 54)

1- [1] . مولوی.

این عشق، آتش به دل عاشق می زند و او را بی قرار رسیدن به محبوب می کند.

یکی از شاگردان عارف بزرگ معاصر, حاج _شیخ رجبعلی خیاط_ می گوید:

با معرفی جناب شیخ مدت ها به خدمت _آیتالله کوهستانی_ به _نکا_ می رفتم. تا اینکه صبح یک روز که عازم نکا بودم، به جناب شیخ برخوردم. پرسید: «کجا می روی؟» گفتم: به نکا نزد آیت الله کوهستانی می روم. فرمود: «شیوه ایشان زاهدی است. بیا برویم تا من شیوه عاشقی خدا را به تو بیاموزم.» سپس دست مرا گرفت و به خیابان امام خمینی(ره) فعلی برد. وارد کوچه ای در جنوب خیابان شد و در منزلی را زد. دخمه ای نمایان شد که تعدادی کوچک و بزرگ، فقیر و بیچاره آنجا بودند. جناب شیخ به آنها اشاره کرد و فرمود: «رسیدگی به این بیچاره ها، انسان را عاشق خدا می کند. درس تو]امروز[این است. نزد آیت الله کوهستانی درس زاهدی می خواندی و اکنون درس تو، درس عاشقی است.» از آن به بعد، نزدیک ده سال با جناب شیخ به بیرون شهر می رفتیم. شیخ افراد فقیر را معرفی می کرد و من آذوقه تهیه میکردم و به آنها می رساندم.(1)

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن

به دم-ی یا درم-ی یا قل-می یا ق-دمی

یکی دیگر از یاران مرحوم شیخ رجبعلی خیاط می گوید:

به همراه شیخ، به زیارت عبدالعظیم حسنی رفتیم. جناب شیخ]از طریق شیوه های اهل دل[از حضرت عبدالعظیم پرسید: «از کجا به این مقام]بلند[رسیدید؟» حضرت عبدالعظیم فرمود: «از راه احسان به مردم. من]با دست خود[

1- [1] . محمد محمدی ری شهری، کیمیای محبت ، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث, قم, 1380, صص 172 و 173.

قرآن می نوشتم و با زحمت می فروختم و پول آن را احسان می کردم». (1)

3. آثار فردی

الف) رفع گرفتاری و اصلاح امور زندگی

گره گشایی افزون بر آثار فراوان اخروی، در این دنیا نیز آثار فراوانی دارد. از امام صادق(ع) نقل شده است:

کسی که هنگام سختی به فریاد برادر باایمان خود برسد، گرفتاری اش را برطرف کند و او را در رسیدن به نیازش یاری کند، خداوند بزرگ از سوی خود، هفتاد و دو رحمت بر او واجب می گرداند. یک رحمت زودرس است که خداوند به سبب آن، امور زندگی او را اصلاح می کند و هفتاد و یک رحمت دیگر را برای]مواقف[ترسناک قیامت برایش ذخیره می کند. (2)

علی بن یقطین، یکی از اصحاب امام موسی کاظم و امام رضا(ع) در دستگاه خلافت بنیعباس، حساس ترین پست حکومتی پس از خلیفه؛ یعنی مقام وزارت را عهده دار بود. او پنهانی با امامان معصوم(ع) ارتباط داشت و از حقوق شیعیان در دستگاه حکومت بنیعباس دفاع می کرد. روایت میکنند که روزی امام رضا(ع) به او فرمود: «اگر یک خصلت را برای من متعهد شوی، من سه چیز برایت ضمانت می کنم.» علی بن یقطین گفت: «فدایت شوم! آن خصلتی که من باید تعهد کنم و آن سه چیز که شما برای من ضمانت می کنید، چیست؟» امام فرمود: «آن سه چیز که من ضمانت می کنم، این است که تیزی آهن]کشته شدن[و فقر و زندان هرگز به تو نرسد.» علیبن یقطین پرسید: «و خصلتی که من باید متعهد شوم، چیست؟» امام فرمود:

1- [1] . نک: همان، ص 213.

2- [2] . بحارالانوار ، ج 71، ص 320، به نقل از: کتاب کافی .

«هرگاه دوستی از دوستان ما نزد تو آمد، او را گرامی بداری]و کارش را انجام دهی[.» علی بن یقطین پذیرفت. امام رضا(ع) هم به ضمانت خود عمل کرد(1) و علی بن یقطین هیچگاه در دام دستگاه بنیعباس گرفتار نشد.

با کمی دقت در این حدیث شریف روشن می شود که این وعده امام رضا(ع) تنها مخصوص علی بن یقطین نیست و هر کس بخواهد گرفتاری های دنیوی مثل کشته شدن، فقر، ناداری و زندان از او دور شود، باید در هر پست و مقامی که هست، در حد توان خود برای حل مشکلات مردم بکوشد. در این صورت، اهل بیت و ائمه معصوم(ع) یاور او خواهند بود و بسیاری از گرفتاری های دنیوی هم به خواست خداوند از او دور خواهد شد.

گره گشایی حتی ممکن است بسیاری از بیماری ها و آفتها را از آدمی دور کند. در روایتی از امام صادق(ع) چنین نقل شده است: «برآوردن نیاز مؤمن، بیماری های جنون و خوره و پیسی را دفع می کند.»(2) این حقیقت، نشاندهنده اثر گذاری مستقیم امور معنوی در امور مادی، افزون بر ارمغان آوردن سعادت اخروی است. کسانی هم که از آن خبر داده اند، با امامان معصوم(ع) که وارث علم پیامبراسلام هستند، ارتباط دارند. پیامبر خدا نیز دانش خود را از سرچشمه جوشان علم ازلی الهی الهام گرفته است. افزون بر این، داستان های فراوانی از زندگی

1- [1] . مستدرک الوسائل، 1376 ق, ج 12، ص 42 0.
2- [2] . محمد بن حسن حر عاملی, وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی, 1376 ه- . ق, ج 16، ص 360.

امامان معصوم(ع) و بزرگان در اثرگذاری نیکی به دیگران در رفع مشکلات و گرفتاری ها نقل شده است که مجال پرداختن به آن نیست. این حقیقت، در ادبیات فارسی نیز بازتاب گسترده‌های یافته است. _سعدی_ در _گلستان_ می گوید: «کاروانی در زمین یونان بزدند و نعمتِ بی قیاس(1) ببردند. بازرگانان گریه و زاری کردند و خدا و پیمبر شفیع آوردند و فایده نبود.

چو پیروز شد دزدِ تی-رهروان

چه غم دارد از گریه کاروان؟

لقمان حکیم اندر آن کاروان بود. یکی گفتش از کاروانیان: مگر اینان را نصیحتی کنی و موعظه ای گویی تا طَرفی]پاره ای[از مال ها دست بردارند که دریغ باشد چندین نعمت که ضایع شود. گفت: دریغ کلمه حکمت با ایشان گفتن... .

با سیه دل چه سود گفتن وعظ؟

نرود میخ آهنین در سنگ

همانا که جرم از طرف ماست.

به روزگ-ار س-لامت، شکس-تگان دریاب

که جب-رِ خاط-رِ مس-کین بلا بگ--رداند

چو سائل از تو به زاری طلب کند چیزی

بب--ده وگ--رنه ستم---گر به زور بستاند(2)

ده روز مهر گردون، افسانه است و افسون

نیکی به جای یاران، فرصت شمار یارا

ای صاحب کرامت، شکرانه سلامت

روزی تفقدی کن، درویش بینوا را

آسایش دو گیتی، تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت، با دشمنان مدارا(3)

1- [1] . بی اندازه.
2- [2] . گلستان سعدی، تصحیح: علی شیروانی، نشر طلا، 1375، چ 1، باب دوم، حکایت 19، ص70.
3- [3] . دیوان حافظ، بر اساس نسخه ق زوینی - غنی؛ به اهتمام: حسن اعرابی، قم، رواق اندیشه، چ 1 ، 1379 .

پس سزاوار است که دولت اسلامی و رسانه ملی، در مقابله با حوادث غیرمترقبه و آگاهی بخشی به مردم در این زمینه بکوشند تا مردم را از تأثیر امور معنوی و گره گشایی در دفع بلا و حوادث ناگهانی نیز آگاه سازند و تنها به اسباب طبیعی دفع بلاها توجه نکنند.

ب) محبوبیت مردمی

همه انسان ها از روی فطرت خواهان آن هستند که جایگاه، احترام و شخصیت ویژهای در جامعه و میان مردم داشته باشند. هیچ کس دوست ندارد در نگاه دیگران, خوار و بی مقدار باشد، ولی پرسش مهم این است که محبوب و غرینه بودن در میان مردم چگونه به دست می آید؟ پاسخ این پرسش را در کلام خداوند عزیز می جوییم که در قرآن کریم می فرماید: «إنَّ الذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصالِحاتِ سَیَجعَلُ لَهُمُ الرّحمنُ وَداً؛ آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، خداوند رحمان به زودی محبت آنان را]در دل مردم[قرار می دهد». (مریم: 96)

کارهای شایسته، انواع گوناگونی دارد که همه عبادت ها و کارهای نیک را شامل می شود و در این میان، یکی از کارهای شایسته که سبب عزتمندی فرد میان مردم می شود، گره گشایی و حل مشکلات آنهاست. پس زهی سعادت که گره گشایی هم سبب محبوب شدن انسان در درگاه خداوند و نزد پیامبر او و اهلبیت پیامبر(ع) و هم سبب محبوب شدن میان مردم می شود.

4. آثار روان شناختی

الف) خودپنداری مثبت

«خودپنداره، ارزیابی کلی فرد از شخصیت خود است. این ارزیابی ناشی از ارزیابیهای ذهنی است که معمولاً از ویژگی های رفتاری خود به عمل می آوریم. در نتیجه، خودپنداره ممکن است مثبت یا منفی باشد. اصطلاحات خودپنداره و عزت نفس به هم شباهت بسیار دارند. عزت نفس]وابسته[به این معناست که شخص بر حسب ادراکی که از

موقعیت شخصی خود در ذهن دارد، به چه میزان، خویش را در رده بالا یا پایین قرار می دهد. ازاینرو، کسی که خودپنداره مثبتی دارد، عزت نفسی زیاد و کسی که خودپنداره منفی دارد، عزت نفس کمی خواهد داشت. عقده حقارت، خودپنداره منفی و عزت نفس اندک از اصطلاحاتی هستند که می توان کم و بیش آنها را به جای هم به کار برد». (1)

بنابراین، رفتار هر کس در خودپنداره وی تأثیر دارد و آن کس که رفتار خود را بر اساس دستور شرع و عقل و وجدان انجام می دهد، طبیعی است که در درون خود، احساس رضایت می کند و در وی خودپنداره مثبت یا عزتنفس پدید می آید. آنکس نیز که دامن خود را به گناهان و کارهای زشت آلوده می کند، خودپنداره منفی در وی به وجود می آید؛ چون در درون، احساس می کند که فرد خطاکار و بدی است، هرچند ظاهری خوب از خود نشان دهد و خودپنداره خود را از دیگران بپوشاند. نیکی کردن به دیگران و کمک به آنان در مشکلات و سختی ها، کاری خداپسند و مردم پسند است. در نتیجه، عامل به آن، عزت نفس یا خودپنداره مثبت پیدا می کند و در مقابل، کسی که نسبت به گرفتاری دیگران بیاعتنا است، به تعبیر روان شناختی، خودپنداره منفی دارد.

ب) توسعه شخصیت

در دانش روان شناسی، تعریف های متفاوتی از شخصیت ارائه شده است که به طور کلی، آن را می توان به نظام صفات انسانی معنا کرد که هر فرد را از دیگری متمایز می کند؛ یعنی مجموعه ای از صفات جسمی، عقلی، مزاجی، اجتماعی و خلقی که شخص را آشکارا از دیگری جدا می کند. (2) به تعبیر دینی، شخصیت همان ساختار روحی هر

1- [1] . فرانک برونو، فرهنگ توصیفی اصطلاحات روان شناسی ، ترجمه: مهشید یاسایی و فرزانه طاهری، تهران، انتشارات طرح نو، 1373، ص 134.
2- [2] . نک: احمد عزت راجح، اصول علم النفس ، المکتب المصری الحدیث للطباعه و النشر، قاهره، 1972.

انسان است که اعمال خوب یا بد انسان بر اساس آن شکل میگیرد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ ؛ بگو هرکس بر اساس شاکله خود عمل می کند.» (اسراء: 84) و «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

همچنین لفظ شخصیت، مشابه تعبیری است که علمای لغت از لفظ «سجیه»(1) و علمای اخلاق از لفظ «خُلق» ارائه می کنند: «خُلق مجموعه ای از ملکات است که سبب می شود انسان اعمال را بدون تروی (بدون تأمل و درنگ) انجام دهد.»(2) پس شخصیت هر کس سبب صدور رفتار خوب یا بد از او می شود. این شخصیت ممکن است مثبت یا منفی و محدود یا گسترده باشد. شخصیت انسان همان گونه که منشأ رفتارهای آدمی می شود، متقابلاً از رفتارهای آدمی اثر می پذیرد و کامل تر یا پست تر می شود. انسان هایی که تنها به زندگی خود می اندیشند و خود را در غم و گرفتاری دیگران شریک نمی کنند و به تعبیر قرآن: «طَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ؛ گروهی که تنها اهتمامشان به خود است.» (آل عمران:154)، شخصیتی پست و درحال سقوط دارند. آنها که حصار خود بینی را شکسته و نگاهشان را به افق های دورتری دوختهاند و در اندیشه غم و گرفتاری دیگران و باز کردن گره از کار آنان هستند، شخصیتی پیشرفته و رو به تکامل دارند. برخی روانشناسان، گروه اول را در مرحله «خود» و گروه دوم را در مرحله «فراخود» می دانند.(3) ممکن است انسان در این مرحله، چنان پیشرفت کند که برای ناراحتی و غم دیگران، بیش از غم و ناراحتی خود دل بسوزاند:

من از بینوایی نِیُم روی زرد

1- [1] . کتاب شناخت اخلاق اسلامی ، ص 29.
2- [2] . لسان العرب ، ج 10، ص 86 .
3- [3] . ویلیام کی فرانکنا، فلسفه اخلاق ، ترجمه: هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه،1383، ص33.

غم بینوایان رُخَ-م زرد کرد(1)

ج) احساس رضایت

«شادکامی، مقامی بالاتر از خوشی دارد؛ زیرا در حقیقت، حالت عاطفی ویژهای است که برای شخص پس از موفقیت های واقعی و رسیدن به هدف هایش به دست می آید. شخص شادکام کسی است که با به دست آوردن هدف هایش در زندگی احساس رضایت خاطر می کند. بنا براین،]شادکامی[از خوشی یک درجه برتر است. آنان که تصور می کنند نیکی و بخشندگی با شادکامی تفاوت دارد، هنوز به معنای واقعی شادکامی واقف نیستند. نیکی، راه گریزناپذیر رسیدن به شادکامی روح است. هدف های روان شناسی اگر با هدف های اخلاقی همراه نباشد، نمی تواند شخصیت کاملی به بار آورد؛ یعنی ما نمی توانیم بدون اینکه خوب باشیم، شادکام زندگی کنیم؛ زیرا در میان غریزههای گوناگونی که برای تکامل آدمی لازم است، غریزه بشر دوستی مانند غریزه مادری یا غریزه خدمات اجتماعی، مهمترین هدف است. به همین سبب، شادکامی با خوشی به کلی تفاوت دارد؛ زیرا دومی بیشتر خودپسندی؛ یعنی ارضای غرایز فردی است».(2)

چنانکه میبینید، روان شناسی این حقیقت را تأیید می کند که رضایت خاطر و شادمانی حقیقی در پرتو نیکوکاری، بشردوستی و کمک به هم نوع به وجود می آید، نه در سایه ارضای خواسته های زودگذر حیوانی. نیکوکاران از عمل خود، احساس لذت، رضایت خاطر و آرامش روحی می کنند. گفته اند: «لئیمان از طعام لذت برند و کریمان از اطعام».

ص:39

1- [1] . بوستان سعدی.
2- [2] . ژ. آ. هدفیلد، روان شناسی و اخلاق ، ترجمه: علی پریور، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1356، صص 147، 150و 151. (با اندکی تصرف)

میل به نیکوکاری، گرایش فطری و غریزی در نهاد هر انسان است(1) که با ارضای آن، انسان احساس رضایت می کند. احساس لذت و آرامش روحی که پس از سیر کردن یک گرسنه، راهنمایی یک گمراه یا ارشاد یک گناه کار به انسان دست میدهد، با هیچ چیز دیگر قابل مقایسه نیست.

5. آثار اجتماعی

الف) بهبود وضع نیازمندان

بی تردید، در جامعه ای که همه افراد آن یار همدیگرند، فاصله طبقاتی میان فقیر و غنی کم است. پس نیازمندان در وضع مناسب مادی و روحی به سر خواهند برد. در روایتهای دینی به این حقیقت اشاره شده که هیچ کوه ثروتی برافراشته نمی شود، مگر اینکه گودال فقری کنده می شود. بیشک، از میانبردن شکاف طبقاتی، وظیفه شرعی و عقلی دولت و امت اسلامی است.

ب) کاهش بزه کاری

شاید در نگاه اول شگفتآور باشد که بگوییم گره گشایی سبب کاهش بزه کاری و جنایت در جامعه می شود، ولی با کمی دقت، این حقیقت، پذیرفتنی به نظر می رسد؛ زیرا به یقین، یکی از عوامل بزه کاری، ناداری و گرفتاری است. جامعه ای که در آن، گروهی به ثروت اندوزی پرداخته و زیردستان خود را از یاد برده اند و در جامعه ای که گرفتاران فکری و روحی، هیچ پناه گاهی برای خود نمی یابند، عقده های روحی سبب کشیده شدن برخی به سوی بزه کاری می شود.

جوانی را در نظر بگیرید که به تشکیل خانواده و گزینش همسر نیاز دارد تا در سایه آن از اضطراب روحی نجات یابد، ولی نمیتواند هزینه های سنگین آن را بپردازد. آیا برای چنین جوانی، انتخاب گزینه

1- [1] . غلام حسین گرامی، انسانشناسی ، قم، نشر معارف، 1384، ص 117.

سرقت یا گزینه گناه و فساد، تقویت نمی شود؟ حالا جوانی را فرض کنید که زیر فشارهای سنگین فکری و روحی قرار گرفته است، ولی مشاوری دل سوز نمی یابد تا با او درد دل کند. آیا احتمال کشیده شدن وی به اعتیاد و خلاف های دیگر شدت نمی یابد؟ همچنین در اجتماعی که روابط انسانی افراد آن مانند صله رحم و نیکی کردن و احترام به یکدیگر، سرد و بی روح است، احتمال دستزدن به چنین کارهایی بیشتر است.(1)

ج) تقویت هم بستگی

گرهگشایی از مشکلات دیگران با مال، توان و بیان، سبب نزدیکی دلها و در نتیجه، تقویت اتحاد و هم بستگی مردم می شود. در کلامی نورانی از پیامبراکرم(ص) میخوانیم: «دل ها بر دوست داشتن آنکه به آنها نیکی می کند و بر دشمن داشتن کسی که به آنها بدی می کند, سرشته شده است.»(2) پیشتر گفتیم چگونه گره گشایی سبب پیدایش محبوبیت، محبت و در پی آن، روحیه اتحاد و هم بستگی می شود. همچنین می دانیم که بقای حیات سیاسی یک کشور به وحدت مردم آن وابسته است. ازاینرو، دولت مردان کشور برای پایدار ماندن حکومت اسلامی باید از این حقیقت غافل نمانند و روحیه نیکوکاری را در مردم نهادینه کنند.

د) افزایش سطح امید به زندگی

یکی از ویژگیهای پیشرفت یک کشور در دنیای امروز، افزایش سطح امید به زندگی است. به گونه ای که کاهش ضریب امید به زندگی، نشانه عقب ماندگی آن کشور شمرده می شود. اگر همه افراد جامعه ای در مشکلات، یار و یاور هم باشند و غم و رنج

1- [1] . متأسفانه بسیاری از شهرهای بزرگ کشورمان به این سو در حرکت هستند.

2- [2] . محمد محمدی ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث ، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث, قم, 1379, ص 92.

دیگران را غم و رنج خود بدانند، افراد احساس آرامش می کنند و روحیه امید عمومی بالا میرود.

روشن است که با افزایش روحیه افراد، امید به زندگی نیز افزایش می یابد، ولی اگر مردم احساس کنند که هر کس به فکر کار خود است و در پریشانحالی و افسردگی، دست گیریی ندارند، روحیه ناامیدی بر زندگی مردم سایه می افکند و در نتیجه، سطح امید به زندگی کاهش می یابد.

این حقیقت تلخ در بسیاری از شهرهای کشور اسلامی ما به چشم میخورد تا جایی که همسایه از حال همسایه خبر ندارد و حتی همدیگر را نمی شناسند، چه رسد به آنکه از حال او خبردار باشد و در صورت نیاز بخواهد به او کمک کند. چه بسا خویشاوندان نیز از حال هم بی خبرند یا اگر هم خبر دارند، دل نمی سوزانند.

شرح این هجران و این سوز جگر

این زم--ان بگ--ذار تا وق-ت دگر

ص:42

1. عذاب اخروی

شخصی از اصحاب امام جعفر صادق(ع) به نام ابوهارون مکفوف نقل می کند که امام صادق(ع) به من فرمود: «ای اباهارون! خداوند تبارک و تعالی با خود عهد کرده است که خائن را همسایه خود]در بهشت[نگرداند.» پرسیدم: خائن کیست؟ فرمود: «آنکس که درهمی را ذخیره کند و آن را از مؤمنی دریغ کند یا چیزی از منافع دنیا را از او حبس کند.» گفتم: از غضب خدا به خدا پناه می برم. فرمود: «خداوند بر خود عهد کرده است که سه صنف از مردم را در بهشتش جای ندهد: آنکس که حکم خدا را رد کند و کسی که حکم امام را رد کند و آنکه حق مؤمنی را نگه دارد.» پرسیدم: آیا باید از زیادی دارایی خود ببخشد؟ فرمود: «از خود و جانش]هم[ببخشد. پس اگر نسبت به آن بخل ورزد، از شرک شیطان است]یعنی شیطان، شریک مال و نعمت های اوست[».(1) پس آنکس که از کمک کردن به برادر دینی خود دریغ ورزد، در آخرت، بدبخت است. در جای دیگر، آن حضرت فرمود:

هر مؤمنی که توان رفع نیاز مؤمنی را - حتی باواسطه- داشته باشد و کوتاهی (منع) کند، خداوند عزوجل در روز قیامت، او را با روی سیاه، چشمان کبود و دستان غُل شده به گردن بر پا میدارد. پس گفته می شود: «این خیانتکاری است که به خدا و پیامبرش خیانت کرد.» سپس دستور

1- [1] . بحارالانوار ، ج 72، ص 174.

داده می شود که او را به سوی آتش ببرند.(1)

همچنین امام صادق(ع) فرمود:

کسی که برادرش از روی نیاز، نزد او بیاید و او توان برآوردنش را داشته باشد و چنین نکند، خداوند در قبر, ماری بر او چیره می سازد که تا قیامت، پیوسته انگشت ابهامش را می گزد]تا در آن روز[مورد بخشش خدا قرار گیرد یا عذاب شود.(2)

2. گرفتاری در دنیا

هر کس از اهل بیت(ع) درخواست کمک می کرد، او را رد نمی کردند. وقتی از امام زین العابدین(ع) در این باره پرسیدند. آن حضرت فرمود:

می ترسم برخی از گدایان راست بگویند و ما به آنها غذا ندهیم و آنها را رد کنیم و آن بلایی که بر یعقوب و خانواده اش وارد شد، بر ما اهلبیت(ع) هم وارد شود؛ چه یعقوب رسمش این بود که هر روز یک قوچ می کشت و آن را صدقه می داد و خود و عیالش هم از آن می خوردند. تا آنکه سائل مؤمن روزه دار و نیازمندی که نزد خدا هم شرف و منزلتی داشت، شب جمعه ای هنگام افطار، اهل خانه را ندا داد که: «از زیادی غذایتان چیزی به سائل غریب و رهگذر گرسنه بخورانید.» مدتی ایستاد و چند بار سخنش را تکرار کرد، ولی کسی حرفش را باور نکرد و حق او را ندادند تا اینکه ناامید شد و بازگشت. شب تاریک بود. إنا لله گفت و گریست و از گرسنگی خود به درگاه خداوند شکایت برد و تا صبح دست خود را بر دلش می فشرد. فردا هم روزه گرفت و به حمد و ثنای خداوند

1- [1] . همان.
2- [2] . همان.

پرداخت. آن شب یعقوب و خانواده اش سیر خوابیدند، در حالیکه از غذای آنها مقداری باقی مانده بود.

صبحِ همان شب خداوند به یعقوب وحی کرد: «ای یعقوب! بنده مرا خوار داشتی و با این کارت، خشم مرا به سوی خود کشاندی و خود را سزاوار عقوبت من کردی که بر تو و پسرانت بلا بفرستم. ای یعقوب! محبوبترین پیامبران نزد من و گرامی ترین آنها پیامبری است که نسبت به بیچارگان بیشتر دل سوزی کند؛ آنان را به خود نزدیک کند و غذایشان دهد و پناه گاه آنها باشد.» در همان شب, یوسف آن خواب را دید (که در آینده از برگزیدگان درگاه خدا می شود) و در دل فرزندان یعقوب حسدی شدید پدید آمد.]که سبب شد برادران، یوسف را در چاه انداختند و حضرت یعقوب سال ها به فراق یوسف مبتلا شد.[(1)

باید دانست آزمونهای الهی برای پیامبرانش سخت تر و بزرگ تر است, چنانکه گفته اند «حسناتُ الابرار، سیئات المقربین؛ نیکی های خوبان، بدی های مقربان درگاه خداست.»(2) از اینرو، حضرت یعقوب با یک خطا، سزاوار آن همه بلا شد.

3. گرفتار شدن به یاری گنه کاران

جهان آفرینش، جهانی قانونمند است. اگر کسی در مسیر هدایت گام بردارد، خداوند، او را در همان مسیر یاری می کند و توفیق می دهد و کسی که پای در مسیر گمراهی نهد، خداوند, وی را به حال خود وامی نهد و توفیق کارهای خیر را از او می گیرد. از جمله اینکه اگر به گاهِ

1- [1] . ترجمه تفسیر المیزان ، ج 11، صص 175 و 176، بخشی از روایت که نیاز بوده، بیان شده است.
2- [2] . بحارالانوار , ج 34, ص 314.

گرفتاری دیگران، دست روی دست بگذارد و قدمی در راه گره گشایی برندارد، خداوند او را مجازات می کند، به گونهای که به یاری رساندن به گنه کاران گرفتار میشود و پاداشی را هم که می توانست با گره گشایی به دست آورد، از کف می دهد. او همچنین مرتکب گناهی بزرگ شده است؛ چون یاری کردن گنه کاران، گناهی دیگر است. آنکس که گناه می کند و آنکه او را کمک و یاری می کند و آنکه از انجام گناه خشنود می شود، همه در آن گناه شریک هستند. امام صادق(ع) در این باره فرمود:

اگر شخصی از شیعیان ما سراغ برادر خود رود و از او برای احتیاج خود کمک بگیرد، ولی با اینکه می تواند، او را کمک نکند، خداوند عزوجل او را به برآوردن نیاز دشمنی از دشمنان ما گرفتار می کند که بهسبب آن، خداوند، او را در روز قیامت عذاب می کند.(1)

آن حضرت در جای دیگر میفرماید:

کسی که نسبت به یاری برادر مسلمانش و قیام برای رفع حاجتش بخل ورزد، به یاری گنه کار گرفتار می شود و پاداشی]هم[نمی گیرد,]بلکه مرتکب گناهی می شود[.(2)

پیامبر گرامی اسلام این حقیقت را درباره امور مالی بازگو کرده است. ایشان می فرماید: «آنکه مالش را از روی اختیار از اخیار دریغ کند، خداوند به ناچار,]مصرف[مال وی را به سوی اشرار می گرداند».(3)

مشابه این حدیث نبوی(ص) در کلام امام صادق(ع) نیز به چشم میخورد:

هیچ بنده ای از صرف کردن درهمی به جا و در راه طاعت خدا بخل نمی ورزد،

1- [1] . بحارالانوار، ج 72، ص 75.
2- [2] . همان، ص 180.
3- [3] . همان، ج 93، ص 28.

مگر اینکه دو درهم در راه نافرمانی خدا و نابهجا خرج می کند.(1)

پس کسی که گره گشایی را ترک کند، «خَسِرِ الدنیا والآخره» است؛ یعنی هم در دنیا زیان می بیند و هم در آخرت. «ذَلِکَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِینُ؛ و این خسارتی آشکار است».(2) (حج:11)

4. محروم شدن از رحمت الهی

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود:

هر مسلمانی که به قصد دیدار مسلمانی یا طلب نیازی سراغ مسلمانی برود، درحالیکه او در خانهاش باشد و اجازه]ملاقات[بگیرد، ولی آن شخص از خانهاش خارج نشود، پیوسته در لعنت خداست]؛ یعنی از رحمت خدا به دور است[تا دوباره به هم برسند.(3)

رفع نیاز مسلمانان در اسلام به اندازهای اهمیت دارد که حتی بی توجهی به مسلمانی که قصد دیدن انسان را دارد، لعنت الهی را در پی خواهد داشت تا آن زمان که دوباره به هم برسند و کدورت از میان برود. از سوی دیگر، زیارت مسلمانان و برآوردن نیازشان مایه به دست آوردن رحمت خداوند می شود. در حدیث نبوی آمده است: «امیدواران به خودت را ناامید نکن که سبب خشم و دشمنی خدا بر تو می شود».(4)

5. قطع ولایت خداوند و اهل بیت(ع)

یکی از آثار ایمان به خداوند و پیامبران او و روز جزا این است که بنده مؤمن، خداوند را سرپرست خود میداند.(5) البته پرتویی از ولایت خدا،

1- [1] . کافی ، ج 3، ص 504.
2- [2] . مشابه این متن از امام موسی کاظم(ع) نقل شده است. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول ، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، م ؤ سسه النشر الاسلامی، 1363 ، چ 2، ص 408.
3- [3] . اصول کافی ، ج 2، ص 365.
4- [4] . بحارالانوار ، ج 72، ص 173.
5- [5] . نک: بقره: 257.

ولایت پیامبراکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) نیز به شمار میرود. آنکس که در دژ محکم ولایت الهی قرار می گیرد، از انوار هدایت الهی بهره مند میشود و منزل به منزل، به سوی کوی دوست راه می پیماید، ولی دوام این پیوند مبارک میان انسان و خدا و بندگان برگزیده او شرایطی دارد که اگر انسان آن شرایط را رعایت نکند، این رشته پیوند گسسته می شود و آدمی در وادی سرگردانی و سرگشتگی می افتد.

گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند

نگ--ه دار س--ر رش-ته ت-ا نگ---ه دارد

یکی از آن شرایط این است که انسان، دیگر مسلمانان را همچون جان خود عزیز بدارد، با آنان هم دردی کند و در سختیهای روزگار، دست یاری به سویشان دراز کند؛ یعنی درد آنان را درد خود و شادیشان را شادی خود بداند.

مرا عهدی است با جانان که تا جان در بدن دارم

ه--واداران کوی-ش را چ-و ج-ان خویش-تن دارم

امام موسی بن جعفر(ع) فرمود:

آنکس که فردی از برادرانش، قصدِ او را کند، در حالیکه از او نسبت به برخی احوال خود پناه]و کمک[می خواهد، پس با اینکه توان دارد، او را یاری نکند، به درستی که ولایت خداوند عزوجل را]نسبت به خود[قطع می کند.(1)

علامه مجلسی در شرح این حدیث می فرماید: «معنای حدیث این است که اگر برای دفع ستمی که بر او شده است یا برای برآوردن نیاز فوری اش مراجعه کند]و او توجه نکند[، خداوند سرپرستی امور او را به عهده نمی گیرد و هدایت های ویژه اش را از او برمی دارد.»(2) از امام

ص:48

1- [1] . بحارالانوار ، ج 72، ص 179.
2- [2] . همان، ص 181.

صادق(ع) نیز چنین نقل شده است: «هیچ مؤمنی یاری برادرش را ترک نمی کند مگر اینکه خداوند در دنیا و آخرت, یاری اش را از او برمی دارد». (1)

گفتنی است مراد از گسسته شدن رشته ولایت میان خداوند و بنده این است که خداوند هدایت های ویژه خود را بردارد، نه اینکه رابطه انسان و خداوند به کلی قطع شود؛ چون همه انسان ها چه کافر و چه مؤمن، مهمان خوان گسترده الهی هستند و اگر لحظه ای خداوند توجه خود را از جهان بردارد، همه چیز نیست و نابود می شود. «اگر نازی کند، درهم فرو ریزند قالب ها». با این حال, انسان برای رسیدن به سعادت و کمال جاودانی به رحمت ویژه الهی - که همان نعمت ولایت الهی است - نیاز دارد تا در مسیر بندگی خداوند حرکت و به قله های خوش بختی و کمال صعود کند.

1- [1] . همان، ج 74، ص 311، ح 67.

فصل پنجم: مصداقهای گره گشایی

1. رفع نیازهای مادی

اشاره

در قرآن کریم از مطلق صدقه و بخشیدن مال به نیازمندان به «انفاق» یا «پرداخت زکات» تعبیر شده است، چنانکه برخی مفسران هم گفته اند: «هرجا واژه «زکات» در قرآن کریم آمده به معنای لغوی زکات؛ یعنی مطلقِ صدقه و بخشش مالی است و اصطلاح زکات به معنایی که اکنون به کار میرود و فقط شامل انفاق واجب نه چیز می شود، پس از دوران نزول قرآن رایج شده است». (1)

پس از بیان این مقدمه، مصداقهای گوناگون گره گشایی را برمیشماریم:

الف) خوراک

اساسی ترین نیاز مادی هر انسان، آب و غذا است، به گونهای که بدون آن نمی تواند به زندگی خود ادامه دهد. ازاینرو، در آیهها و اخبار اسلامی، به برآوردن این دو نیاز ضروری دیگران به ویژه مسلمانان اهمیت و ارزش فراوانی داده شده است.

امام صادق(ع) فرمود:

هر کس به مؤمنی غذا دهد تا او را سیر کند، هیچکس جز پروردگار

1- [1] . محمدحسین طباطبایی, تفسیر المیزان، مؤسسه اسماعیلیان, قم, 1372, ج 6، ص 10.

جهانیان نمی داند چه پاداشی در انتظار اوست؛ نه فرشته ای مقرب و نه نبی مرسل. از اسباب آمرزش گناهان، غذا دادن به مسلمان گرفتار قحطی و گرسنگی است.(1)

گردنه ای که انسان باید از آن گذر کند تا از اصحاب مبارکی و خجستگی شود، آزاد کردن بندگان یا غذا دادن در روز گرسنگی به یتیمی خویشاوند، یا بینوایی خاک نشین است.

در روایتهای دیگری از میان عوامل رفتن به بهشت، به غذا دادن به دیگران اشاره شده است. امام صادق(ع) فرمود: «هر کس مؤمنی را سیر کند، بهشت بر او واجب می شود.»(2) همچنین امام سجاد(ع) فرمود:

هر کس مؤمن گرسنه ای را غذا بدهد، خداوند از میوه های بهشتی به او بخوراند و کسی که مؤمن تشنه ای را سیراب کند، خداوند از شراب مهرخورده بهشتی به او بنوشاند.(3)

از امام باقر(ع) نیز نقل شده است که خداوند ریختن خون ها]ی قربانی[و غذا دادن و فریادرسی از درماندگان را دوست دارد.(4)

شخصی از اصحاب امام صادق(ع) به آن حضرت گفت: من همواره هنگام ناهار و شام دو سه نفر - کمتر یا بیشتر - مهمان دارم. (شاید وی تصور می کرد که امام از او ستایش خواهد کرد) امام فرمود: «برتری آنها نسبت به تو بزرگتر از برتری تو بر آنهاست.» آن شخص پرسید: فدایت شوم، چگونه چنین است در حالیکه من از غذای خود به آنها می خورانم و از مالم بر آنها هزینه می کنم و خانواده ام را به خدمت آنها می گیرم؟ حضرت فرمود: «هنگامی که آنها بر تو وارد

1- [1] . اصول کافی، ج 2، ص 201.
2- [2] . همان، ج 2، ص 200.
3- [3] . همان، ص 201.
4- [4] . بحارالانوار، ج 72، ص 22.

می شوند، با روزی فراوان خدا وارد می شوند و چون می روند, با آمرزش گناهان تو]از سوی خداوند[بیرون می روند.»(1) این سخن حکمت آمیز حضرت، خاستگاه این مثل معروف در میان ایرانیان است. «روزی مهمان همراه خودش می آید» یا «مهمان حبیب خداست.» برخی از بزرگان نیز گفته اند: «غذا دادن به فقیران اثری دارد که حتی در دادن پولِ غذا به آنها آن اثر وجود ندارد».(2)

آخرین نکته این بخش را به روایتی در فضیلت سیراب کردن تشنگان اختصاص می دهیم. امام محمد باقر(ع) می فرماید:

خداوند بزرگ خنک کردن جگر تفته را دوست دارد. هر که جگر تفته ای را آب بنوشاند، چه چارپایی باشد یا جز آن، خداوند در آن روزی که سایه ای جز سایه او نیست]و همه از شدت گرمای آن روز در رنج هستند[بر او سایه می افکند.(3)

چه خوب است این سنّت نیکو در همه شهرها رایج شود. برای مثال، در ماه های گرم سال در محل آمد و شد مردم، آب خنک و دستگاه های خنککننده آب قرار دهیم تا با سیراب کردن تشنگان، پروردگار را خشنود سازیم.

ب) پوشاک

یکی دیگر از نیازهای ضروری انسان، نیاز به پوشاک است. لباس، نعمت الهی(4) است که هم انسان را از سرما و گرما می پوشاند و هم مایه شخصیت و آبروی اجتماعی هر انسانی به شمار میرود. ازاینرو، کسانی که در تأمین این نیاز اساسی زندگی مادی نیازمندان می کوشند،

1- [1] . اصول کافی، ج 2، ص 202.
2- [2] . کیمیای محبت، ص 212.
3- [3] . دوستی در قرآن و حدیث، ص 370.
4- [4] . نک: اعراف: 26.

نزد خداوند جایگاه ویژه ای دارند. پیشوای ششم، امام جعفر صادق(ع) فرمود:

هر کس به مؤمن برهنه ای لباس بپوشاند، خداوند از پیراهن ابریشم بافت بهشت (استبرق) بر او بپوشاند و آنکس که مؤمن غیر نیازمندی را لباس بپوشاند، پیوسته در حفاظت الهی است تا زمانی که نخی از آن لباس باقی باشد.(1)

خداوند، عیب ها و گناهان چنین فردی را می پوشاند؛ چون با هدیه کردن لباس به فردی باایمان، عورت او را پوشانده است. از این حدیث شریف، روشن می شود که در هدیه دادن ها، هدیه دادن لباس، جایگاه ویژه ای دارد. آن حضرت در جای دیگر میفرماید:

هر کس برادرش را لباس زمستانی یا تابستانی بپوشاند، بر خداوند حق است که از لباس های بهشت بر او بپوشاند و سختیهای مرگ را بر او آسان گرداند و بر او در قبرش گشایش دهد و آن گاه که از قبرش خارج می شود، فرشتگان را ملاقات کند، در حالیکه به او بشارت می دهند و این همان سخن خداوند است که]فرمود[: «وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ؛ فرشتگان آنها را ملاقات می کنند و]می گویند[این همان روزی است که وعده آن را به شما می دادند». (انبیاء: 103)(2)

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است: «روزی نماز عصر را همراه رسول خدا(ص) خواندیم. پس از نماز همچنان که حضرت در محراب نشسته بود، مردم دور او را گرفتند. در این حال، پیرمردی از عرب های مهاجر که جامه ای کهنه پوشیده بود و از شدت پیری توان ایستادن نداشت، وارد شد. حضرت از او دل جویی کرد. پیرمرد گفت:ای رسول خدا ! گرسنه ام، سیرم کنید. برهنه ام، مرا بپوشانید. تهی

1- [1] . اصول کافی، ج 2، ص 205، ح 5.
2- [2] . همان، ص 204، ح1.

دستم، عنایتی کنید. حضرت فرمود: «اکنون چیزی ندارم، ولی آنکه به سوی خیر راهنمایی کند، مثل انجامدهنده خیر است. به خانه کسی برو که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش، او را دوست دارند، به خانه فاطمه برو.» پس به بلال فرمود: «بلال برخیز و این مرد را به خانه فاطمه برسان.» پیرمرد همراه بلال به راه افتاد. چون به خانه فاطمه رسید، با صدای رسا ندا داد: درود بر شما ای خاندان نبوت و ای رفتوآمدگاه فرشتگان و فرودگاه جبرئیل امین که قرآن را از نزد پروردگار جهانیان می آورد. حضرت فاطمه پاسخ داد: «وعلیک السلام.ای مرد! کیستی؟» مرد داستان خود را شرح داد. فاطمه که خود و همسرش و پدرش سه روز بود غذایی در خانه نداشتند، پوست گوسفند دباغی شده را که حسن و حسین (ع) روی آن می خوابیدند، برداشت و فرمود: «ای میهمان ما! این را بگیر. امیدوارم خدا بهتر از این را نصیب تو کند.» اعرابی گفت:ای دختر پیامبر! من از گرسنگی به تو شکوه آوردم، تو پوست گوسفندی به من دادی که چاره گرسنگی مرا نمی کند. فاطمه، گردن بندی که دخترِ عمویش حمزه به او هدیه کرده بود، از گردن باز کرد و به او بخشید و فرمود: این را بگیر و بفروش. امید است خدا بهتر از این را به تو بدهد. اعرابی گردن بند را گرفت و به مسجد آمد. هنوز رسول خدا(ص) در میان اصحاب نشسته بود. گفت: ای پیامبر خدا !فاطمه این گردن بند را به من بخشید و گفت: آن را بفروش. امید است خدا کارت را به سامان رساند. پیامبر گریست و فرمود: چگونه کارت را به سامان نرساند، در حالیکه فاطمه، دختر محمد(ص)، سرور دختران حضرت آدم، آن را به تو بخشیده است».

عمار یاسر به اجازه رسول خدا(ص) خواست آن گردن بند را بخرد و از قیمت آن پرسید. پیرمرد گفت: به یک وعده نان و گوشت که سیرم کند و لباسی که تنم را بپوشاند و در آن نماز بگزارم و پولی که مرا به خانواده ام برساند. عمار گفت: من این را به بیست دینار و دویست

درهم و لباس و مرکبی که تو را برساند و یک وعده نان و گوشت می خرم. پیرمرد گفت:ای مرد! تو چه بخشنده ای. آن گاه همراه عمار روان شد و بهای گردن بند را دریافت کرد. وقتی به نزد رسول خدا(ص) برگشت، حضرت به او فرمود: «آیا سیر شدی و از برهنگی درآمدی؟» گفت: آری - پدر و مادرم فدای تو باد - حضرت فرمود: «پاداش این عمل فاطمه را بده.» اعرابی دست به دعا برداشت و پس از حمد و ثنای الهی گفت: خداوندا! آنچه هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است، به فاطمه عطا کن. رسول خدا(ص) آمین گفت و کلماتی در فضایل حضرت فاطمه زهرا(س) فرمود، ولی داستان گردن بند همین جا پایان نیافت.

عمار، گردن بند را با مشک خوشبو کرد، در برد یمانی پیچید، آن را به غلامش داد و گفت: این گردن بند را نزد پیامبر ببر. خودت را هم به رسولخدا(ص) بخشیدم. غلام، دستور مولایش را اطاعت کرد و نزد پیامبر رفت و سخن عمار را بازگو کرد. پیامبر فرمود: «نزد فاطمه برو؛ تو و گردن بند از آن فاطمه هستید.» غلام نزد فاطمه(س) آمد و فرموده رسول خدا(ص) را باز گفت. حضرت فاطمه(س) گردن بند را گرفت و غلام را هم آزاد کرد. اینجا بود که غلام خنده ای کرد. حضرت فرمود: چرا می خندی؟ گفت: من از برکت فراوان این گردن بند]شگفتزده شده ام[و می خندم؛ گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشاند، نیازمندی را بی نیاز کرد و بنده ای را آزاد کرد و در آخر سر به صاحبش برگشت».(1)

ج) مسکن

مسکن، یکی دیگر از نیازهای اساسی انسان است. هر انسانی به مکانی نیاز دارد که پس از فعالیت روزانه به آن پناه برد تا در کنار خانواده استراحت کند و برای روزی نو آماده شود. ازاینرو، برآوردن نیاز

1- [1] . بحارالانوار، ج 43، صص 56 - 58.

مسکن دیگران، یکی از موارد مهم گره گشایی شمرده می شود و این عمل، در دین مقدس اسلام، جایگاه ممتازی دارد. امام صادق(ع) فرمود:

اگر کسی خانه ای دارد]که به آن نیاز ندارد[و مؤمن دیگری را که خانه ای ندارد، از سکونت در آن باز دارد]و بخل ورزد[، خداوند عزوجل می فرماید:ای فرشتگان من! آیا بنده من نسبت به سکونت بنده ام در خانه دنیایی اش بخل ورزید. به عزت و جلالم که هرگز در بهشت هایم سکونت نخواهد گزید.(1)

فضل و رحمت خداوند، بی حساب و کتاب نیست. آنکس که نسبت به خانه تنگ دنیوی بخل می ورزد، چگونه انتظار سکونت در سرای گسترده بهشت را دارد. بهشت، سرای سخاوتمندان است. این کلمات حکیمانه معصومان، لرزه بر اندام هر انسان بیدار می اندازد و برای اندرز او کافی است، ولی باید به این حقیقت تلخ اعتراف کرد که مردم جامعه ما در عمل کردن به این وظیفه دینی و انسانی سستی میورزند. گذشته از ثروتمندانی که هرگز با کوچ نشینان هم دردی نمی کنند، گروهی هستند که زمین، این نعمت خدادادی را وسیله سوداگری و چپاولگری خویش قرار دادهاند، تا جایی که در حال حاضر، خانه دار شدن برای یک جوان به آرزوی دیررس تبدیل شده است و بیشترین فشار اقتصادی را بر آنان تحمیل می کند. اینان که چنین با زندگی مردم بازی می کنند، چگونه انتظار دارند پروردگار حکیم در روز قیامت آنها را در خانه های بهشتی سکونت دهد؟

د) ازدواج

کانون گرم خانواده، محل انس و آرامش انسان است. یک جوان مجرد، پیوسته در فشارهای روحی است تا زمانی که کانون پرمهر خانواده را

1- [1] . اصول کافی ، ج 2، ص 374؛ بحارالانوار، ج 72، ص 179.

پایه ریزی کند. ازدواج، نیاز ضروری هر انسان است که تأخیر در آن، آفتها و زیان های فراوانی برای فرد, خانواده و اجتماع در پی دارد. بنا براین، یکی از خداپسندترین کارها، فراهم آوردن اسباب ازدواج پسران و دختران بی همسر است. ناگفته پیداست این کار، عامل حفظ سلامتی فرد و جامعه است.

وقتی جوانی را که گرفتار گناه بزرگ خودارضایی بود، نزد حضرت علی(ع) آوردند، حضرت بر دستان او زد تا دستانش سرخ شد. سپس از بیتالمال به آن جوان پولی پرداخت کرد تا ازدواج کند.(1) خداوند در قرآن کریم به مؤمنان سفارش می کند که برای افراد بی همسر، همسر انتخاب کنند و اگر تهی دست باشند، خداوند از فضل خود آنها را بی نیاز می کند.(2) فراهم کردن اسباب ازدواج به دو صورت ممکن است: یکی اینکه انسان برای به هم رسیدن دختران و پسران میانجیگری کند و در خواستگاری و معرفی آنها نقشی فعال داشته باشد. در روایتهای نورانی اهل بیت(ع)، «برترین شفاعت یا میانجی گری»، میانجی گری برای ازدواج دانسته شده است.(3) خداوند در قرآن کریم می فرماید: «هر کس شفاعت (میانجی گری) نیکو کند، خودش نیز بهره ای از آن می برد و هر کس شفاعت بد کند، بهره ای از آن دارد». (نساء:85)

میانجی گری در امور پسندیده، پاداش نیک و در امور ناپسند، کیفر دردناک دارد. کسی که واسطه طاعت خدا شود، در ثواب آن طاعت و کسی که واسطه گناه شود، در آن گناه شریک است. کسی که سبب ازدواج مرد یا پسر مجردی شود، در روایتهای اسلامی در شمار کسانی است که خداوند در روز قیامت با نظر رحمت خود با آنها رفتار می کند.

1- [1] . وسائل الشیعه، ج 20، ص 352، ح 3.
2- [2] . نک: نور: 32.
3- [3] . میزان الحکمه، ح 9467.

شیوه دیگر فراهم کردن اسباب ازدواج، پرداخت کمک مادی است. امام زینالعابدین(ع) فرمود:

هر کس نیازی از نیازهای برادر مؤمنش را برآورد...، خداوند]رسیدن به[صد حاجت او را مقدر می کند که یکی از آنها بهشت است. کسی که مؤمنی را به تزویج همسری درآورد تا همدم او و مایه آرامشش باشد، خداوند در قبرش کسی را که از همه اهلش نزد او محبوب تر باشد، همدم او میگرداند.(1)

ه-) آموزش

دانشاندوزی در دین مقدس اسلام، جایگاه والایی دارد و اهل دانش نزد خداوند از درجههای بالایی برخوردارند.(2)

در روایتهای اهل بیت(ع) نیز بر دانشاندوزی بهویژه دانش دینی بسیار تأکید شده است تا جایی که امام صادق(ع) فرمود: «من دوست دارم که شما را دانشمند یا دانشجو ببینم و اگر کسی چنین نباشد، کوتاهی کرده است....». (3)

حال که تحصیل علم در اسلام این اندازه ارزشمند است، کسی هم که اسباب تحصیل دیگران را فراهم کند، نزد خداوند جایگاه ممتازی خواهد یافت. تشویق اسلام به دانش آموزی، همواره در طول تاریخ عده ای را برانگیخته تا با ساخت مدارس و موقوفات، زمینه تحصیل جوانان را فراهم کنند. کمک به ساخت مدارس، دانشگاه ها و حوزه های علمیه، خرید کتاب برای افراد بی بضاعت، اهدای کتاب به قشر تحصیلکرده، ساخت کتابخانه های عمومی و تخصصی، تأمین مخارج زندگی دانشجویان و طلاب علوم دینی و مانند آن از کارهای خداپسندانه ای

1- [1] . بحارالانوار، ج 71، ص 304.
2- [2] . نک: مجادله: 11.
3- [3] . بحارالانوار، ج 1، ص 170.

است که به رونق دانش و پیشرفت کشور در زمینه های مادی و معنوی کمک میکند.

و) کار

بی کاری جوان، پی آمدهای نامطلوب فرهنگی و اجتماعی دارد. افتادن در دام هرزگی و فساد، همواره جوان بی کار را تهدید میکند. در روایتهای نورانی اهل بیت(ع)، بی کاری عامل میل به گناه شمرده شده است.(1) در برخی روایتهای دیگر، بی کاری و پرخوابی نامطلوب معرفی شده است.(2) بنا براین، هر کاری که در این زمینه صورت گیرد، ارزش والا و آثار فراوان دنیوی و اخروی دارد. رفع معضل بی کاری، افزون بر فقر و محرومیت زدایی، عامل مهمی در کاهش فساد و انحراف در جامعه خواهد بود. همچنین یکی از ریشه های بالا رفتن سن ازدواج جوانان و افزایش آمار طلاق، مشکل بی کاری است که اگر برطرف شود، آمار طلاق و بزه کاری، سیر نزولی خواهد پیمود. تأسیس کارگاه ها و کارخانه ها در نقاط گوناگون کشور، پرداخت وام اشتغال، تأسیس آموزشگاه های فنی و حرفه ای و آموزش مهارت های گوناگون عملی با دریافت کمترین هزینه یا به صورت رایگان، برخی موارد گره گشایی در کارآفرینی به شمار میآید. بدون شک، اگر این کار با انگیزه خدایی انجام شود، از پاداش دنیوی و اخروی نیکویی نزد خداوند بهره مند خواهند شد.

ز) خدمات عمومی

یکی دیگر از مصداقهای گره گشایی، انجام خدمات عمومی مانند آتش نشانی، پاکیزگی شهرها، ساخت سد، پل، بیمارستان، ساخت

1- [1] . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404ه- .ق، ج 20، ص303، باب الحکم المنسوبه الی امیرالمؤمنان.
2- [2] . وسائل الشیعه، ج 17، ص 58.

زائرسراها و حفر قناتهای آب است. امام سجاد(ع) از پدر بزرگوارش از رسول خدا(ص) چنین نقل می کند: «هر کس طغیان آب یا آتشی را از گروهی از مسلمانان باز دارد، بهشت بر او واجب می شود.» (1) در روایت دیگری از پیامبر اکرم(ص) چنین نقل شده است: «بنده ای وارد بهشت شد، به سبب اینکه خاری از سر راه مسلمانان برداشت.» (2) یا «هر کس بر سر جاده ای، ساختمانی بسازد که رهگذران به آن پناه برند، خداوند در روز قیامت، او را در حالیکه بر در ناب ایستاده و رویش برای اهل بهشت می درخشد، برانگیزاند». (3)

با این دید، کارمندان مراکزی مثل شهرداری، آتش نشانی، سازمان آب و اداره برق که به مردم خدمات عمومی می رسانند و گره از کار مردم می گشایند، اگر به انگیزه خدایی و خدمت به مردم کار کنند، نهادهایی مقدس شمرده می شوند. همچنین افراد نیکوکاری که مسجدهای بین راهی و زائرسراها را می سازند، از دیدگاه اسلام، جایگاه شایسته ای نزد خداوند بزرگ دارند.

ه-) قرض دادن

یکی از سنّت های نیکوی اسلامی، سنّت قرض دادن به یکدیگر است. در برخی روایتهای اسلامی، قرض برتر از صدقه معرفی شده؛ یعنی ثواب صدقه، ده برابر و ثواب قرض، هجده برابر است. (4)

پیامبر اکرم(ص)، کسانی را که از قرض دادن وسایل زندگی خودداری میکنند، نکوهش میکند و میفرماید: «اگر کسی چنین کند، خداوند در روز قیامت، خیر خود را از او باز دارد و او را به خود واگذارد.» (5) ایشان در ادامه میفرماید: «هر کس برادر مسلمانش به او نیاز داشته باشد و او با وجود توانایی،

1- [1] . کافی، ج 5، ص 55؛ بحارالانوار، ج 71، ص 340.
2- [2] . منتخب میزان الحکمه، ح 4192.
3- [3] . همان، ح 4193.
4- [4] . مستدرک الوسائل، ج 7، ص 194.
5- [5] . وسائل الشیعه، ج 16، ص 383.

آن را انجام ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می گرداند». (1)

و) پرداخت بدهی

یکی دیگر از مصداقهای مهم گره گشایی، پرداخت بدهی دیگران است. امام جعفر صادق(ع) فرمود: «محبوب ترین کارها نزد خداوند، شادمان کردن مؤمن با سیر کردن یا رفع گرفتاری یا پرداخت بدهی او است». (2)

گفتهاند حضرت امام حسین(ع) از اسامه بن زید که بیمار بود، عیادت کرد. اسامه بسیار غمگین بود. امام سبب اندوه او را پرسید. وی پاسخ داد: «من از بدهی شصت هزار درهمی خود اندوهگینم.» امام حسین(ع) به او فرمود: «بدهی ات بر گردن من.» اسامه گفت: «می ترسم از دنیا بروم]در حالیکه بدهی بر گردن من است[.» امام حسین(ع) فرمود: «من پیش از مرگت، بدهی ات را خواهم پرداخت.» امام حسین(ع) به وعده خود عمل کرد و شصت هزار درهم بدهی اسامه را پیش از مرگ وی پرداخت. (3)

از موارد دیگری که ائمه(ع) به آن سفارش کردهاند، «آسان گیری _ بر بدهکار» است. _حماد بن عثمان_ می گوید: «نزد امام صادق(ع) بودم که مردی از اصحاب وارد شد. امام صادق(ع) به او فرمود: «چرا برادرت از تو گله گزاری می کند؟» پاسخ داد: گله او بهخاطر این است که من حق خودم را به صورت کامل از او دریافت کردم. امام به او فرمود:

گمان می کنی اگر حقت را کامل بگیری، کار بدی نکرده ای؟ بگو ببینم اینکه خداوند عزوجل در قرآن می فرماید:]پرهیزکاران[از حساب بد]روز قیامت[می ترسند، (4) آیا ترس آنها از ستم کردن خداوند بزرگ بر آنان است؟

ص:61

1- [1] . همان.
2- [2] . بحارالانوار، ج 71، ص 297.
3- [3] . همان، ج 44، ص 189.
4- [4] . نک: رعد: 21.

نه، به خدا سوگند که از این نمی ترسند، بلکه از استقصا می ترسند]می ترسند که خداوند با عدالت خود با آنان رفتار کند و بدی های آنها را به صورت کامل جزا دهد[که خداوند خود بر این کار سوءالحساب (حسابرسی بد) نام نهاده است.» کسی که حقش را کامل بگیرد]در جایی که بر بدهکار فشار می آید[، کار ناپسندی انجام داده است.(1)

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «خداوند، کسی را که سبک جان، آسایش خو و سبک بار باشد، دوست دارد.»(2) به طور کلی، خداوند، کسی را که در حقوق شخصی خود آسان گیر باشد، دوست دارد. ایشان فرمود:

ای مردم!]این مطلب مهم را[حاضران به غایبان اطلاع دهند. آگاه باشید که هرکس به شخص نداری مهلت دهد، بر خداوند است که تا زمانی که طلبش را بگیرد، برای هر روز مهلت دادن، ثواب صدقه به قدر مالش]که در دست بدهکار مانده است[، عطا کند.(3)

این روایت نبوی، شاهدی بر این حقیقت پیش گفته است که در اسلام، قرض، ثوابی افزون تر از صدقه دارد؛ چون برای هر روز مهلت دادن به بدهکار، ثواب صدقه دادن کل مال برای مهلتدهنده نوشته می شود.

ز) خرج کردن آبرو (بذل جاه)

بذل جاه، عنوانی فراگیر است که در روایتها و کتابهای اخلاق به چشم می خورد. اگر کسی که موقعیتی اجتماعی، مقام و منصب، آبرو و مقبولیت ویژه ای داشته باشد و از این آبرو و موقعیت خود برای گره گشایی و کمک به دیگران و میانجی گری در بن بست ها مایه بگذارد، به این کارش بذل جاه می گویند. از امام جعفر صادق(ع) نقل شده است:

1- [1] . بحارالانوار، ج 71، ص 287.
2- [2] . دوستی در قرآن و حدیث، ص 373.
3- [3] . جامع السعادات، ج 2، ص 16.

هیچ مؤمنی نیست که برای برادر مؤمنش بذل جاه کند، مگر اینکه خداوند، روی او را بر آتش حرام گرداند و در روز قیامت, غبار و ذلت، چهره اش را نپوشاند و هر مؤمنی که از بذل جاه برای برادرش بخل ورزد - در حالیکه آبرومندتر از اوست - در دنیا و آخرت خواری و ذلت به او می رسد و در روز قیامت, شعله های آتش چهره اش را می سوزاند، چه]در نهایت[از آمرزیده شدگان باشد و چه از عذاب شوندگان.(1)

پس حتی اگر آن شخص، با ایمان و اهل نجات باشد، باز باید عذاب این گناه خود؛ یعنی کوتاهی در حق مؤمن را بچشد و آن گاه روانه بهشت شود.

روزی رسول خدا(ص) فرمود: «برترین صدقه، صدقه زبان است.» پرسیدند:ای رسول خدا! صدقه زبان چیست؟ فرمود: «میانجی گری است که به سبب آن اسیری را آزاد کنی و از ریخته شدن خونی جلوگیری کنی و امر پسندیده ای را به سوی برادرت بکشانی و امر ناخوشایند را از او دور کنی».(2)

امام صادق(ع) فرمود: «خداوند متعال «_تَمحل_» را در قرآن واجب کرده است.» پرسیده شد: تمحل چیست؟ فرمود: «اینکه آبرویت از برادرت بیشتر باشد. پس برای او خود را به زحمت اندازی.»(3) همچنین حضرت امیرمؤمنان علی(ع) فرموده است: «همچنان که خداوند بر شما انفاق مالتان را واجب کرده، زکات جاهتان را نیز بر شما واجب گردانیده است.»(4) به دیگر سخن، همچنان که انسان وظیفه دارد از زیادی مال خود برای بینوایان مصرف کند، باید از جاه و مقام خود در دفاع از مظلومان استفاده کند.

1- [1] . بحارالانوار، ج 71، ص 317.
2- [2] . همان، ج 73، ص 44.
3- [3] . وسائل الشیعه، ج 16، ص 381.
4- [4] . همان.

از پیامبر اسلام نقل شده است:

خداوند متعال]در قیامت[از جاه بنده میپرسد، همان گونه که از مالش می پرسد. پروردگار می گوید: بنده من! به تو جاه]و مقام[روزی کردم. آیا با آن ستم دیده ای را یاری یا دادخواهی را فریادرسی کردی؟(1)

هر نعمتی که از سوی خداوند به بندگان میرسد، سزاوار شکری است و شکر نعمت جاه و مقام، دست گیریی از ستمدیدگان و دادخواهان است. «آبرو و موقعیت اجتماعی به سبب بذل آن رشد می کند و به سبب کوتاهی نابود می شود و کسی که مقامی دارد، عذری در بخلورزیدن به آن ندارد. چنین کسی حالش از بخیل مالی بدتر است؛ چون بخیل مالی، مال را برای سختی های روزگار ذخیره می کند و آن را بهانه قرار می دهد؛(2) ولی ذخیره کردن جاه معنا ندارد.

اکنون نمونه ای از بذل جاه در زندگی امام جواد(ع) را میآوریم. فردی از اهالی سیستان گفته است: «در سالی حج گزاردم که آغاز حکومت _معتصم عباسی_ بود. با حضرت امام جواد(ع) بر سر یک سفره نشسته بودیم که در آنجا دوستان خلیفه عباسی نیز حضور داشتند. به حضرت گفتم: فدایت شوم. حاکم و والی ما مردی از دوستداران شماست و در دفتر او، مالیاتی بر گردن من است]که پرداخت آن بر من سنگین است[. اگر صلاح می بینی، به او نامه ای بنویس که مرا مورد لطف خود قرار دهد. حضرت فرمود: او را نمی شناسم. گفتم: از ارادتمندان شما اهل بیت(ع) است و نامه شما به او برای من سودمند است. حضرت ورقی برداشت و در آن نوشت: «اما بعد، حامل این نامه به نیکی از شما یاد کرد. آنچه از عملت برای تو می ماند، همان است که در آن نیکی ورزی. پس به برادرانت نیکی کن و بدان که خدایعزوجل از کردار تو

1- [1] . مستدرک الوسائل، ج 12، ص 429.
2- [2] . ابوالحسن ماوردی، ادب الدنیا والدین، تصحیح و تعلیق: مصطفی السقاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1398 ه- . ق، چ 4، ص 321.

اگر چه هموزن ذره یا خردل باشد، بازخواست خواهد کرد.» پیش از ورودم به سیستان، خبر نامه به حاکم منطقه رسیده و وی برای استقبال من به دو فرسخی شهر آمده بود. نامه را به او دادم، بوسید و بر دو دیده نهاد و به من گفت: حاجتت چیست؟ گفتم: در دفتر تو مالیاتی بر عهده دارم که از پرداختش ناتوانم. وی فرمان داد آن مالیات را از دفترش حذف کردند و گفت: تا زمانی که من بر سر کار هستم، از پرداخت مالیات معافی. سپس از عیال من پرسید. تعداد آنها را به او گفتم. دستور داد بیش از مبلغی که برای تأمین زندگی ما کافی است، به من بدهند و تا زنده بودم مرا از پرداخت مالیات معاف داشت. صله او هم تا از دنیا رفت، از من قطع نشد».(1)

علی بن یقطین، وزیر دربار عباسی و حامی حقوق شیعیان در آن دستگاه ستم کار، از امام موسی بن جعفر(ع) نقل می کند که فرمود: «خداوند عزوجل در کنار هر پادشاه]ستمگر[, دوستانی دارد که به سبب ایشان, بلا را از دوستانش دفع می کند».(2)

حضرت امام خمینی(ره)، بزرگ حامی مستضعفان و مظلومان در دوران حاضر نیز در وصیت نامه خود به فرزندشان، _حاج سید احمدآقا_ می فرماید:

پسرم ! از زیر بار مسئولیت انسانی که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است، شانه خالی مکن؛ که تاخت و تاز شیطان در این میدان (میدان شانه خالی کردن از مسئولیت) کمتر از میدان تاخت و تاز در بین مسئولین و دست اندرکاران نیست.(3)

بنابراین، چه کسانی که مناصب اجتماعی دارند و چه آنها که از موقعیت و آبروی اجتماعی ویژه ای برخوردارند، موظفند از این

1- [1] .کافی، ج 5، ص 111.
2- [2] . همان، ص 112.
3- [3] . نک: کیمیای محبت، ص 218.

موقعیت خود برای دست گیریی از نیازمندان و دفاع از ستمدیدگان استفاده کنند.

ح) دفاع از حق ستم دیده

یکی از مصداقهای مهم گره گشایی، دفاع از ستمدیدگان و بازپس گرفتن حق آنها از ستم کاران است. مظلوم به کسی می گویند که ناخواسته حقش غصب شده است و خود توان بازستانی آن را ندارد. حضرت علی(ع) به دو فرزند خود، امام حسن و امام حسین(ع) و در حقیقت, به همه شیعیان وصیت می کند که «قُولا بِالْحقِّ وَ اعْمَلَا لِلْأَجْرِ وَکُونا لِلظَّالِمِ خَصْماً وَ لِلْمَظْلُومِ عوناً؛ سخن به حق گویید و برای پاداش الهی کار کنید و دشمن ستمگر و یار ستم دیده باشید».(1)

امام صادق(ع)، یاری ستم دیده را برتر از روزه و اعتکاف یک ماه در مسجدالحرام شمرده است.(2) همچنین پیامبر گرامی اسلام فرمود:

از جمله سخنان خداوند تعالی با داوود این بود که:ای داوود! به درستی که هیچ بنده ای نیست که ستم دیدهای را یاری کند یا با او به دادستانی رود جز اینکه در روزی که قدم ها]بر پل صراط[می لغزد، پاهایش را استوار دارم.(3)

کسی که ستم دیدهای را در دنیا از دست ستم کاری نجات دهد و حق او را بستاند، خداوند در روز قیامت، او را از جمله نجات یافتگان از دوزخ قرار خواهد داد. امام صادق(ع) فرمود:

مردی از نیکان را]پس از وفات[در قبر نشاندند.]فرشتگان عذاب[به او گفتند: ما صد تازیانه از تازیانه عذاب خدا به تو می زنیم. گفت: طاقت آن را ندارم و پیوسته با او گفتوگو کردند تا به یک تازیانه رسیدند و گفتند

1- [1] . بحارالانوار، ج 100، ص 90، ح 75.
2- [2] . همان، ج 75، ص 20.
3- [3] . میزان الحکمه، ش 11485، ص 3384، به نقل از: الدر المنثور.

چاره ای از آن نیست.]باید یک تازیانه بخوری.[پرسید: برای چه مرا تازیانه می زنید؟ گفتند: «بدان سبب روزی بدون وضو نماز خواندی و بر انسان ناتوانی گذشتی، ولی او را یاری نکردی.» سپس یک تازیانه از عذاب خداوند به او زدند که به سبب آن، گورش پر از آتش شد.(1)

پیامبر اکرم(ص) حتی پیش از برانگیخته شدن به پیامبری از حقوق ستمدیدگان دفاع می کرد. نمونه آن، پیوستن ایشان به پیمان «حلفالفضول» (پیمان جوان مردان) بود. «این پیمان، شریف ترین پیمان در میان عرب]پیش از اسلام[بوده است. پیامبر در بیست و پنج سالگی در این پیمان شرکت کرد و بعدها بدان افتخار میکرد و می فرمود: «اگر بار دیگر بدان دعوت شوم، می پذیرم.»]اعضای این پیمان[اعلام کرده بودند در مکه از مظلوم دفاع خواهند کرد؛ چه ظالم از رؤسا باشد، چه از ضعفا؛ چه از قبیله ما باشد و چه نباشد؛ چه بنده باشد و چه آزاد».(2)

حضرت علی(ع) همواره یاور ستمدیدگان بود. روزی سعید بن قیس همدانی, حضرت علی(ع) را هنگام ظهر و شدت گرما در کنار دیوار باغی دید. پرسید:ای امیرمؤمنان! این ساعت از روز اینجا چه می کنید؟ حضرت فرمود: «من جز برای اینکه ستم دیده ای را یاری کنم یا درمانده ای را فریادرسی کنم، بیرون نیامدم».(3)

به نقل از حضرت امام محمد باقر(ع): «در روزی بسیار گرم، علی(ع) به خانه می رفت که ناگاه چشمش به زنی افتاد که در آن گرمای سوزان ایستاده بود. زن شکایت کرد که همسرم بر من ستم روا داشته و مرا ترسانیده و سوگند خورده است که مرا بزند. حضرت فرمود:ای کنیز خدا! صبر کن تا هوا خنک شود. سپس من به خواست

1- [1] . بحارالانوار، ج 72، ص 18.
2- [2] . رسول جعفریان، سیره رسول خدا(ص), تاریخ سیاسی اسلام، قم، نشر الهادی، 1378، ج 1، صص169 و 170.
3- [3] . مستدرک الوسائل، ج 12، ص 416.

خدا همراهت خواهم آمد. زن گفت: اگر صبر کنم، خشم همسرم بر من شدیدتر خواهد شد. حضرت سر به زیر انداخت. سپس سربرداشت و گفت: به خدا سوگند، تا حق این مظلوم را بدون درنگ بازستانم،]به خانه نمی روم.[از زن پرسید: خانه ات کجاست؟]زن به راه افتاد[و علی(ع) همراه او حرکت کرد تا به در خانه اش رسید. حضرت مقابل در خانه ایستاد و ندا داد: سلام بر شما]اهل خانه[. پس از چند لحظه جوانی بیرون آمد. علی(ع) گفت:ای بنده خدا! از خدا بترس. تو این زن را ترسانده و از خانه بیرون رانده ای. جوان گفت: این مسئله چه ربطی به تو دارد؟ به خدا سوگند، به خاطر این سخنت، او را آتش می زنم. امیرالمؤمنین علی(ع) خشمگین شد و فرمود: «من تو را امر به معروف و نهی از منکر می کنم. تو با منکر با من روبهرو می شوی و معروف را رد می کنی؟» در این هنگام برخی از مردم رهگذر به علی(ع) رسیدند و گفتند: السلام علیکم یا امیرالمؤمنان. جوان با شنیدن این جمله که مردم، علی(ع) را امیر مؤمنان خطاب می کردند، رنگ از رخسارش پرید و روی دست و پای حضرت افتاد و گفت:ای امیر مؤمنان! از لغزش من درگذر. به خدا سوگند، خاک پای همسرم می شوم. حضرت شمشیرش را غلاف کرد و فرمود: «ای کنیز خدا! به خانه ات برو و همسر خود را به این وضع و مشابه آن دچار مکن.» (1)]یعنی کاری نکن که شوهرت از تو به خشم آید[».

2. رفع نیازهای معنوی

الف) میانجی گری و آشتی دادن دیگران

اشاره

چنان که می دانیم، تیره شدن روابط اجتماعی میان افراد با یکدیگر یا جوامع اسلامی با همدیگر، آثار زیان بار فراوانی برای فرد و جامعه در پی دارد. از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است که قطع رابطه میان افراد]و قهر کردن آنها[سبب نابودی دین است. (2) ازاینرو، آنان که در جامعه موقعیت ویژه ای دارند، باید در ایجاد صلح میان افراد و

جوامع اسلامی بکوشند تا جامعه اسلامی هر چه

1- [1] . بحارالانوار، ج 41، ص 57.

2- [2] . جامع السعادات، ص 280.

سالم تر و باصفاتر شود. مقام و موقعیت اجتماعی، نعمتی است که خداوند برای خدمت رسانی به مردم به انسان ارزانی کرده است، نه برای مال اندوزی و فخرفروشی. بنابراین، شکر این نعمت, به خدمت رسانی و میانجی گری در اختلاف و دفاع از حقوق مظلومان است. امام صادق(ع) میفرمود: «میانجی گری، زکات جاه و مقام است.»(1) باز در جای دیگر فرمود: «کسی که برای رسیدن سود به کسی یا دفع زیان از او میانجی گری کند، در روز قیامت، ثابت قدم خواهد ماند».(2)

یک - عرصههای میانجی گری

اول - اختلاف خانوادگی

زندگی خانوادگی، فراز و نشیب های فراوان دارد. وجود اختلاف سلیقهها و افکار میان زن و شوهر، امری طبیعی است که همسران باید با گذشت و تحمل بسیاری آنها را حل کنند. گاه دامنه اختلافهای خانوادگی چنان بالا می گیرد که کانون گرم و پر مهر خانواده به کانون قهر و اضطراب, تبدیل و زندگی بر همه اعضای آن تلخ می شود. آنجاست که زمزمه های فرو ریختن بنیان ازدواج به گوش می رسد، ولی در این شرایط رنجآور، وظیفه دیگران چیست؟ آیا می توانند دست روی دست بگذارند و شاهد فروپاشی یک کانون پر مهر باشند یا وظیفه دیگری دارند؟ خداوند در قرآن کریم در این گونه موارد، راه کار بسیار مؤثری ارائه می کند و می فرماید:

اگر از جدا شدن دو همسر می ترسید، داوری از خویشان مرد و داوری از خویشان زن برانگیزید. پس هر یک از داوران، با خویش خود نشسته، به

1- [1] . میزان الحکمه، ش 9463.
2- [2] . همان، ش 9466.

ریشه یابی مشکل بپردازند. پس دو داور با هم مشورت کنند تا اگر دعوایشان حل شدنی باشد و خواهان آشتی کردن باشند، میانجی گری کنند و با درایت خود، گرهی را که در کارشان افتاده است، بگشایند و خداوند آن دو را]دوباره[به هم می رساند که خداوند، دانای آگاه به جزئیات امور است.(نساء:35)

این دستور خداوند، نشانه دانایی و آگاهی او به جزئیات امور است. بسیاری از اختلافهای خانوادگی، در مسائل کوچک و قابل گذشت ریشه دارد. در این گونه موارد، وظیفه بزرگان قوم است که با ارشاد خود، از افروخته تر شدن شعله درگیری جلوگیری کنند و نگذارند کانون گرم خانواده به بهانه ای واهی، سرد و خاموش شود.

شهید _آیت الله سیدمحمد حسینی بهشتی_ درباره _حاج شیخ ابراهیم نجف__ __آبادی_، یکی از فضلای پرتلاش نجف آباد چنین گفته است:

از ویژگی های ایشان، مردمی بودنش بود. دوستان نجف آبادی من نقل می کردند که حاج شیخ همیشه در خدمت به مردم آماده است. گاهی اتفاق می افتاد که زن و شوهری نیمه شب با هم دعوا می کردند و همه اهل منزل حریف آنان نمی شدند. بالاخره یک نفر در ساعت دو بعد از نیمه شب در منزل حاج شیخ می آمد و ایشان از خواب برمی خاست و نمی گفت: صبر کنید تا هوا روشن شود، بعد می رویم، بلکه بی درنگ لباسش را می پوشید و روانه می شد و با رویی گشاده و خندان وارد خانه می شد. می گفت: فعلاً چای درست کنید، ببینم چه شده است. پای سماور می نشست. یک چای خودش می خورد و یک چای به آنها می داد. زن و شوهر را با هم آشتی می داد، آتش دعوا را فرو مینشاند و برمی خاست و به خانه اش می رفت.(1)

1- [1] . رضا مختاری، سیمای فرزانگان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1375، ص 368.

دین مقدس اسلام برای میانجی گری و آشتیدادن دیگران اهمیت فراوان قائل شده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

مَّن يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُن لَّهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَن يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُن لَّهُ كِفْلٌ مِّنْهَا.(نساء: 85)

هر کس میانجی گری نیکو کند، از آن بهره ای می برد و هر کس میانجی گری بد کند، از آن بهره ای دارد.

میانجی گری در امور گوناگون امکان پذیر است, مانند ازدواج و به هم رساندن دختران و پسران باایمان به یکدیگر، دفاع ازحق ستمدیدگان و بی گناهان و رفع اختلافهای میان دوستان و افراد جامعه. خداوند در جای دیگری می فرماید: «تقوا پیشه کنید و روابط میان خودتان را اصلاح کنید.»(انفال:1) همچنین قرآن کریم، مؤمنان را برادر یکدیگر می خواند و می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ؛ مؤمنان باهم برادرند. پس میان برادران خود آشتی برقرار کنید.» (حجرات:10) در جامعه ای که بر اساس ایمان به خداوند و پرستش او و ایمان به روز جزا پایه ریزی شده است و کتاب آسمانی واحد، کعبه واحد، پیامبر واحد و آرمان واحد دارند، همه با هم برادر و برابرند و میان آنها صلح و صفا و مهربانی برقرار است. پس اگر به هر دلیلی در دل ها کدورت و کینه ای افتاد و شیطان کوشید دشمنی و جدایی پدید آورد، وظیفه برادری اقتضا می کند که نگذاریم این شکاف پدید آمده عمیق تر شود، بلکه باید با تدبیر و تلاش آن را ترمیم کنیم و صفا و صمیمیت را به دل ها هدیه دهیم. پیامبراعظم(ص) که بنیانگذار جامعه قرآنی برادرمحور بود، میفرماید:

آیا می خواهید شما را از کاری آگاه کنم که]درجه اش[از درجه نماز و روزه و صدقه برتر است؟]آن کار،[آشتی دادن مردم با یکدیگر است. به درستی که از میان رفتن رابطه میان افراد، براندازنده دین]و

ایمان[ست.(1)

روشن است که پیامبر اکرم(ص) با این فرمایش خود نمی خواهد از ارزش نماز و روزه بکاهد؛ زیرا بدون شک، بهترین کار در اسلام، نماز است،(2) بلکه به گفته برخی مانند _شیخ طوسی_، شاید مراد از نماز در این حدیث شریف، نماز مستحبی است؛(3) یعنی آشتی دادن از نماز مستحب برتر است. شاید معنای حدیث این باشد که اگر رابطه مسلمانان، قطع و میان آنها کینه و دشمنی برقرار شود، نماز و روزه و عبادتهای دیگر هم از میان میرود و نماز مطلوب دین اسلام به جای آورده نمی شود؛ چون اسلام در کنار سعادت فرد، سعادت جامعه را نیز در نظر دارد. ازاینرو، بسیاری از عبادتهای اسلامی باید در جمع و اجتماع برگزار شود.

نمازهای روزانه، نماز جمعه، جهاد, حج و عبادتهای جمعی هستند که انجام آنها تنها در صورتی امکان پذیر است که دل های مسلمانان به هم نزدیک و از کینه و کدورت، پاک باشد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

خداوند را دست آویز سوگندهای خود قرار مدهید که]بدین بهانه[از نیکی کردن و پرهیزکار بودن و اصلاح میان مردم بپرهیزید که خدا شنوای داناست. (بقره: 224)

حضرت امام صادق(ع) در تفسیر این آیه فرمود: «اگر برای آشتی دادن دو نفر دعوت شدی، نگو سوگند خورده ام که این کار را انجام ندهم.»(4) فقیهان شیعه تصریح کرده اند(5) که سوگند خوردن برای انجام عملی که در

ص:72

1- [1] . میزان الحکمه، ص 3068، ح 10517.
2- [2] . جمله معروف اذان: «حی علی خیر العمل؛ بشتاب به سوی بهترین عمل».
3- [3] . بحارالانوار، ج 73، ص 43.
4- [4] . کافی، ج 2، ص 210، ح 6.
5- [5] . رساله توضیح المسائل مراجع، احکام قسم.

اسلام, مطلوب نیست، مثل سوگند خوردن برای انجام کار حرام، باطل و بی اعتبار است. ترک اصلاح میان مردم نیز از کارهایی است که اسلام به آن راضی نیست. بنابراین، اگر کسی به آن سوگند بخورد، چنانکه امام صادق(ع) فرمود، بی اعتبار است و وفا به چنین سوگندی لازم نیست. این, خود، نشانه اهمیت میانجی گری و آشتی دادن دو نفر در اسلام است. همچنین امام صادق(ع) فرمود: «آشتی دادن دو نفر، نزد من، از دو دینار صدقه دادن (سکه طلا)، محبوب تر است».(1)

صدقه دادن، گرفتاری مادی نیازمندان را برطرف می کند و آشتی دادن، گرفتاری روحی آنها را و طبیعی است که حل گرفتاری روحی از حل گرفتاری مادی مهمتر خواهد بود.

همچنین آن حضرت به نقل از پدرانشان از رسول خدا(ص) فرمود: «هیچ کس پس از برپا داشتن فرایض،(2) عملی بهتر از آشتی دادن مردم انجام نداده است.]آشتی دهنده[سخن خوب می گوید و سبب گسترش خوبی در جامعه می شود.»(3)

یک - جواز دروغ گفتن برای میانجی گری

در اسلام، دروغ یکی از زشت ترین کارها و نشانه دورویی و بی ایمانی است.(4) با این حال، برای حل اختلاف پیش آمده میان افراد، دروغ گفتن اشکالی ندارد. این مطلب نشاندهنده توجه اسلام به حل اختلافهای افراد و پدید آمدن جامعهای پر از صلح و صفاست.

از امام صادق(ع) چنین روایت شده است: «المصلح لیس بکاذب؛ اصلاحگر

1- [1] . بحارالانوار، ج 73، ص 44.
2- [2] . این قید در روایت، قرینه و شاهدی برای معنایی است که شیخ طوسی برای حدیث نبوی در صفحه گذشته داشت.
3- [3] . بحارالانوار، ج 73، ص 43.
4- [4] . نک: نحل: 105.

دروغگو نیست.»(1) در ادبیات فارسی نیز مُثَلی مشهور است که «دروغ مصلحتآمیز بِه از راست فتنه انگیز است.» امام صادق(ع) در جای دیگر میفرماید:

سخن سه گونه است: راست و دروغ و اصلاح میان مردم. برای مثال از کسی درباره کسی چیزی می شنوی که اگر بشنود، ناراحت می شود. پس چون او را می بینی می گویی که فلانی از خوبی تو چنین و چنان می گفت و خلاف آن را که شنیده ای, گزارش می دهی.(2)

دروغ گفتن در این گونه موارد، درایت و بینش بسیاری لازم دارد که هرکس توان درست اجرا کردن آن را ندارد و اگر کسی بدون ملاحظه ریزه کاری ها دروغ بگوید، چه بسا ریشه اختلاف را عمیق تر کند و نمونه «از قضا اسکنجبین صفرا فزود» شود یا دروغ گوینده، خود را نزد مردم بی اعتبار کند و فردی دروغ گو شناخته شود. بنا براین، دروغ مصلحت آمیز، راه کاری عمومی و قابل سفارش برای همه افراد نیست، ولی دوری کردن از «راست فتنهانگیز» برای همگان ممکن است و این، کمترین کاری است که می توانند برای آشتی دادن دو نفر انجام دهند.

دو - انفاق مالی برای میانجی گری

این راه کار، ویژه حل اختلافهای مالی است. حضرت امام صادق(ع) آنقدر به وجود برادری در میان شیعیانشان اهمیت می داد که به _مفضل بن عمر_ از اصحاب خود اجازه داد اگر میان دو نفر از شیعیان، نزاع و درگیری درگرفت، از مال ایشان خرج کند تا نزاع حل شود. شخصی به نام ابوحنیفه که سمت سرپرستی کاروان حج را بر عهده داشت، می گوید: «من و دامادم بر سر میراثی مشاجره می کردیم که مفضل گذرش بر ما افتاد. لحظه ای ایستاد و جویای حال ما شد. سپس گفت: به منزل من بیایید. به منزلش رفتیم. پس از گفتوگو با ما، چهارصد درهم به ما

1- [1] . کافی، ج 2، ص 210، ح 5.
2- [2] . همان، ج 2، ص 341، ح 16.

پرداخت کرد و دیگر من و دامادم نسبت به هم ادعایی نداشتیم. سپس گفت: این از مال خودم نیست، بلکه امام صادق(ع) به من امر کرده است که هرگاه دو نفر از یاران مرا دیدی که نزاع می کنند، میان آنان صلح برقرار کن و از مال من عوض بده]تا راضی شوند[. این مالی که به شما پرداختم، از مال امام بود».(1)

چه نیکوست که پیروان مکتب جعفری نیز در آشتی دادن دیگران با هم از آبرو و مال و عمر خود مصرف کنند تا دل ها نسبت به هم زلال و بی کینه و پر از صلح و صفا شود.

بیا تا مونس هم، ی--ار هم، غمخ-وار هم باشیم

انی-س ج---ان ه-م, فرسوده بی--مار هم باش-یم

دوای هم، شف---ای هم، ب-رای هم، ف--دای هم

دل هم، جان هم، جان--ان هم، دلدار هم باشیم

یکی گردیم در گفت-ار و در ک--ردار و در رفت--ار

زبان و دست و پا یک کرده، خدمت کار هم باشیم(2)

سوم - اختلاف دولت های اسلامی

گاه اتفاق می افتد که دو دولت اسلامی به هر بهانه ای به جان هم می افتند و کارشان به جنگ می کشد یا در آستانه آن قرار می گیرند. در این هنگام، وظیفه گروه ها و دولت های اسلامی این است که آنها را به صلح و آشتی دعوت کنند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

اگر دو طایفه از مؤمنان به کارزار با هم پرداختند، میان آنان آشتی دهید. پس اگر یکی بر دیگری تجاوز کرد، با متجاوز بجنگید تا به دستور خدا برگردد. پس اگر برگشت، میان آنها به عدل اصلاح کنید و عدالت ورزید؛ که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.(حجرات:9)

بنا براین، اختلافهای فرقه ای، اقتصادی و اجتماعی نباید دست

1- [1] . بحارالانوار، ج 73، ص 45.
2- [2] . فیض کاشانی، دیوان کامل، تهران، نشر چکامه، بیتا ، چ3 .

آویزی برای جنگ و خون ریزی میان دو دولت مسلمان باشد، ولی اگر چنین حادثه ای رخ داد, دیگر دولت های اسلامی وظیفه دارند آتش فتنه را خاموش کنند. طبیعی است میانجی گری میان دو گروه یا دو دولت اسلامی، ارزش والایی دارد. چه بسا این کار از ریخته شدن خون هزاران بی گناه و هدر رفتن ثروت های انبوه جلوگیری کند و راه بهره برداری از فرصت ها را بر دشمنان اسلام ببندد.

جمهوری اسلامی ایران افتخار دارد که پس از انقلاب اسلامی با رهنمودهای پیامبرگونه حضرت امام خمینی(ره)، همواره سیاست تنش زدایی و ایجاد صلح و صفا میان دولت های اسلامی و دفاع از محرومان جهان را پی گیری می کند تا جایی که ایران اسلامی در دنیا، نماد دفاع از مستضعفان و مخالف تجاوز و ستم شناخته شده است.

ب)هدایت گری

یک - ارشاد گمراهان

یکی از مهمترین مصداقهای گره گشایی معنوی، راهنمایی گمراهان و هدایت و ارشاد آنان است. انسانی که در وادی سرگردانی به سر می برد و از آفریننده هستی و ایمان به او و از دین و تکالیف دینی غافل است، گرفتار عقده های روحی میشود و زنگارهای جهل و تردید, دل او را فرا میگیرد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «هر کس، شخصی را زنده کند، گویا همه مردم را زنده گردانده و هر کس شخصی را بکشد، گویا همه مردم را کشته است.»(مائده: 32) حضرت امام صادق(ع) در تفسیر این آیه می فرماید:

تأویل بزرگتر آیه این است که اگر کسی شخصی را از گمراهی به سوی هدایت برد، گویا او], بلکه گویا همه مردم[را زنده کرده است و هر کسی شخصی را از هدایت به سوی گمراهی برد، به درستی که او را]،

بلکه همه مردم[را کشته است.(1)

در شعر زیر، اهمیت هدایت گری در قالب بیان تفاوت عالِم و عابد به نظم کشیده شده است:

صاحبدلی به مدرس--ه آم-د ز خ--انق--اه

بشکست عه--د صحبت اه--ل طری-ق را

گفتم می-ان ع-الِم و عاب-د چ--ه ف-رق بود

تا اختی--ار ک-ردی از آن، ای--ن فری-ق را

گفت آن گلیم خویش به در می برد ز موج

وین جه-د می کند که بگی--رد غری-ق را

دو - نصیحت

نصیحت، در زبان عربی به معنای خیرخواهی به کار می رود؛ خواه آن خیرخواهی در مقام مشاوره باشد و خواه در مقام ارشاد دیگران یا پیش گیری از زیانی که متوجه فرد یا گروهی است. انسان خیرخواه کسی است که چون می بیند دوستش یا هر مسلمانی در معرض آلوده شدن به گناه است، او را با زبان نصیحت کند و از زیان های گناه بترساند یا اگر خطر مالی یا جانی، وی را تهدید می کند، خطر را به او گوشزد کند. نمونه ای از نصیحت، در داستان حضرت موسی(ع) در قرآن کریم بازگو شده است.

حضرت موسی(ع) در آغاز جوانی، در شهر مصر قدم می زد که ناگهان جوانی از بنی اسرائیل را دید که در حال زد و خورد با یکی از فرعونیان است. او با دیدن موسی(ع) از وی کمک خواست و حضرت موسی(ع) برای نجات او مشتی به مرد فرعونی زد که سبب مرگ او شد. این حادثه، هراس موسی(ع) را برانگیخت و هر آن منتظر پیشامدی بود . فردای آن روز، دوباره همان بنی اسرائیلی را دید که

1- [1] . کافی، ج 2، ص 210.

دوباره درگیر شده است و از او کمک میخواهد. موسی(ع) به او گفت: تو بیشک، نادان هستی و چون خواست دوباره به او کمک کند، با کمال تعجب دید که می گوید:ای موسی! آیا همانگونه که دیروز کسی را کشتی، می خواهی مرا هم بکشی؟ با شنیدن این سخن، موسی از یاری او چشم پوشی کرد. در این هنگام، شخصی از سوی دیگر شهر آمد و گفت:ای موسی! سران قوم فرعون نقشه قتل تو را می کشند. از این شهر خارج شو که من خیرخواه تو هستم. موسی(ع) با شنیدن این سخن، شتابان از مصر گریخت و راه مدین را در پیش گرفت. بدین ترتیب، از شر فرعون و فرعونیان ستمگر خلاص شد. چنین بود که با نصیحت و خیرخواهی یک فرد حق جو، حضرت موسی(ع) از دست ستم کاران نجات یافت(1) و منشأ دگرگونیهای بزرگ در جامعه بشری و سرچشمه هدایت بسیاری از نسل های بشر شد.

گاه یک جمله نصیحت، سبب نجات یک فرد یا گروه یا نسل هایی می شود. در دین مقدس اسلام نیز به زبانهای گوناگون، اهمیت و برکت نصیحت گوشزد شده است. از سویی، نصیحت به عنوان وظیفه دینی مؤمنان نسبت به یکدیگر معرفی میشود. امام صادق(ع) میفرماید: «وظیفه مؤمن است که مؤمن را نصیحت کند»(2) و «بر مؤمن واجب است که در حضور و غیبت، خیرخواه مؤمن باشد.»(3) از سوی دیگر، بالاترین درجههای قیامت، پاداش خیرخواهان است. پیامبراکرم(ص) فرمود: «بالاترین درجه در قیامت از آن مردمی است که برای خیرخواهی مردم در زمین گام برمی دارند». (4)

پذیرش نصیحت ممکن است بر انسان گران آید و چنانکه دیده ایم، برخی با شنیدن نصیحت، چهره در هم می کشند، ولی این ناراحتی

1- [1] . نک: قصص: 14 - 21.
2- [2] . اصول کافی، ج 2، ص 208.
3- [3] . همان .
4- [4] . همان.

و ناخوشایندی را باید تحمل کرد که عاقبت نیکویی دارد. امام محمد باقر(ع) فرمود: «از کسی پیروی کن که تو را می گریاند و خیرخواه توست و از کسی که تو را می خنداند و بدخواه توست، پیروی نکن».(1)

سرچشمه بدخواهی و ترک نصیحت، حسادت است. حسود، دشمن نعمت های خداست و هرگز چشم دیدن نعمت ها و خوبی های دیگران را ندارد. به همین سبب، هنگامی که احساس می کند خطری متوجه دوستش یا مؤمنی دیگر است یا ممکن است سودی از دست برود، برای دفع خطر هیچ تلاشی نمی کند، بلکه از دیدن ناراحتی آنان شاد می شود. این عمل حسود، نوعی خیانت (یا غَش) به برادر دینی شمرده می شود.

نکته مهم دیگر این است که آدمی باید چنان خود ساخته باشد که همواره خیرخواهی دیگران را بپذیرد. آنان که زیر بار نصیحت نمی روند یا امر به معروف و نهی از منکر را اهانت به خود تلقی می کنند، در حقیقت، با دست خویش، خود را به وادی هلاکت و گمراهی می اندازند. حضرت علی(ع) می فرماید: «مخالفت با نصیحت و نپذیرفتن آن مایه هلاکت انسان است.»(2) نصیحتکننده باید با زیرکی چنان عمل کند که نصیحت شونده، کمتر آزرده شود و درجه پذیرش او بالاتر رود. برای نمونه، یکی از راه کارهایی که در دین اسلام برای اصلاح عیبهای دیگران ارائه شده، این است که عیب ها به صورت غیرمستقیم و محترمانه به طرف مقابل بازگو شود، تا جایی که گویا هدیه ای به او داده می شود. پیامبر گرامی اسلام فرمود: «خَیرُ إِخوانِکُم مَن ْ أ َهدَی اِلَیکُم عُیُوبَکم؛ بهترین برادران شما، کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه دهد.»(3) روشن است که جز انسان های پست و فرومایه، از پذیرفتن هدیه خودداری نمی

1- [1] . منتخب میزان الحکمه، ص 502.
2- [2] . غرر الحکم، ح 7743.
3- [3] . دوستی در قرآن و حدیث، ص 244.

کنند. پس کسی از هدیه گرفتن عیبهای خود ناراحت نمی شود و آن را رد نمی کند.

همچنین پیامبر اکرم(ص) فرمود: «مؤمن، آیینه مؤمن است و رنج را از او دور می کند.»(1) این کلام کوتاه و پرمغز نیز خود آیینه ای است که بسیاری از نکات و حقیقت ها در آن منعکس شده است. برای مثال، آیینه، عیب های انسان را فریاد نمی کند، بلکه بدون هیاهو به او نشان می دهد. آیینه، عیب شخص را همانگونه که هست، بدون کم و زیاد نشان می دهد. هر چه آیینه، زلال تر باشد، عیب ها را بهتر نشان می دهد. دل های مؤمنان نیز هر چه نسبت به همدیگر پاک تر باشد، عیب ها را زیباتر و بهتر بازگو می کند. آیینه، عیب را به انسان پرتاب نمی کند، بلکه به او هدیه می کند.

دوست آن باش-د که عیب م-را

همچ--و آیین--ه روبهرو گوی-د

نه چ-و ش-انه با ه--زار زبان

پشت سر رفته، مو به مو گوی-د

به دستور منصور دوانیقی، صندوق بیتالمال را باز کرده بودند و به هر کس چیزی از آن می دادند. _شقرانی_ یکی از کسانی بود که برای دریافت سهمی از بیتالمال آمده بود، ولی چون کسی او را نمی شناخت، راهی برای اینکه سهمی از بیتالمال بگیرد، پیدا نمی کرد. چون یکی از اجداد شقرانی، برده و آزاد شده رسول خدا(ص) بود و او نیز آزادی را از اجدادش به ارث برده بود, به او «مولی رسول الله؛ یعنی آزاد شده رسول خدا» می گفتند و افتخار و انتسابی برای وی به شمار میرفت و خود را به خاندان رسالت وابسته می دانست. در این میان، چشمهای نگرانِ او به امام صادق(ع) افتاد. خوش حال شد، جلو رفت و حاجتش را گفت. طولی نکشید که امام برای او سهمی از بیتالمال گرفت و

1- [1] . همان.

آورد. همین که آن را به دست شقرانی داد، با لحنی مهربان به وی گفت: «کار خوب از هر کسی خوب است، ولی از تو خوبتر و زیباتر است؛ چون به ما منتسبی و کار بد, از هر کسی بد است و از تو بدتر و زشت تر است؛ به سبب همین نسبت تو با ما.» امام صادق(ع) این جمله را فرمود و گذشت. شقرانی با شنیدن این جمله دانست که امام از راز او؛ یعنی گناه شرابخواریاش آگاه است. شقرانی از اینکه امام به او محبت کرد و عیبش را نیز به او فهماند، پیش وجدان خود بسیار شرمسار شد.(1)

سه - مشورتدهی

هر یک از ما در اندیشه و دانش، کاستیهایی داریم که در مقام عمل ممکن است ما را از انتخاب راه بهتر باز دارد. بنا براین، با بهره گیری از تجربه و عقل و اندیشه دیگران می توانیم کاستیهای علم و عقل خود را جبران کنیم و در عقل و تجربه آنان شریک شویم. خداوند در قرآن کریم به پیامبر اسلام سفارش می کند که در کار مهم خود با مؤمنان مشورت کن.(2) قرآن کریم با این فرمان خود، به پیامبر اعظم(ص) و به همه حاکمان تا روز قیامت میآموزد که در تصمیمگیریهای مهم، از مشورت دیگران به ویژه خبرگان کارشناس بهره گیرند تا میزان خطا و لغزش آنان به کمترین حد ممکن برسد. او که خود عقل کل و نارفته مکتب، استاد صد مدرس بود، در تصمیمگیریهای کلان مانند جنگ و دفاع با یاران به رایزنی میپرداخت تا الگویی نیکو از خود به جا بگذارد.

همچنین آن حضرت، اصحاب خود را به مشورت در کارها سفارش می کرد و می فرمود: «مشورت، قلعه امنی است از پشیمانی و سالم ماندن از سرزنش دیگران.»(3) از سوی دیگر، کسی که طرف مشورت قرار می گیرد، اگر

1- [1] . بحارالانوار، ج 47، ص 349.
2- [2] . نک: آل عمران: 159.
3- [3] . ادب الدنیا والدین، ص 77.

شایستگی و توان مشورت دهی را داشته باشد، وظیفه دارد در حل مشکلات دیگران از مشکلات فرهنگی و اقتصادی گرفته تا مشکلات اجتماعی و دینی آنان کوتاهی نکند و از تجربه و دانش و اندیشه اش به دیگران بهره دهد. از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است: «یکی از حقوق مسلمان بر مسلمان این است که اگر نصیحت بخواهد، او را خیرخواهی و نصیحت کند».(1)

یک مشاور خوب کسی است که عقل کامل و تجربه گذشته، دین و تقوا، خیرخواهی و مهربانی و فکر سلیم از هم و غم داشته باشد و در مشورت دهی، در پی غرض و هوای شخصی خود نباشد. مشورت دادن، از مصداقهای نصیحت و خیرخواهی دیگران و وظیفه مؤمنان نسبت به یکدیگر است. حال اگر کسی در انجام این وظیفه کوتاهی کند و در مشورت دهی, خیر و صلاح دیگران را بازگو نکند، باید منتظر پی آمدهای بد آن باشد و جزای دنیوی کوتاهی خود را بچشد. امام صادق(ع) فرمود:

کسی که با برادرش مشورت کند و او راه درست را به وی نشان ندهد، خداوند, نعمت عقل و تدبیر او را میگیرد.(2)

عقل و تدبیر، یکی از نعمت های بزرگ الهی است که وظیفه داریم در برابر آن شکرگزاری کنیم. بنابراین, کمک کردن به دیگران با فکر و اندیشه خود، بخشی از شکرگزاری این نعمت به شمار میرود. از سوی دیگر، کفران نعمت، سبب از دست رفتن نعمت می شود. پس کسی که شکر نعمت عقل و تدبیر را با مشورت دهی و بازگو کردن خیر دیگران ادا نکند، این نعمت از او گرفته خواهد شد.

1- [1] . همان .
2- [2] . بحارالانوار، ج 72، ص 183.

زندگی دنیا پیوسته با تلخی ها، شیرینی ها، خوشی ها و ناخوشی ها آمیخته بوده و گرفتاری و بلا در کنار آسایش و امنیت، لازمه زندگی است. انسان فرود آمده در این «دامگه حادثه» باید در کوره حوادث روزگار از خامی درآید. مصیبتها، با صبر و شکرگزاری گوارا و شیرین میشوند و پاداش بیحساب الهی را در پی دارند، ولی در یک جامعه اسلامی، خویشاوندان مصیبتدیده وظیفه دارند با هم دردی و شریک دانستن خود در مصیبت، تحمل رنج را بر مصیبتدیده هموار سازند. در دین مقدس اسلام که آیین برادری است، اهمیت هم دردی تا آن جاست که یک شرط برادری و دوستیِ ایمانی و گاه بهترین شرط حفظ برادری و دوستی،(1) هم دردی (مواسات) دانسته شده است. حضرت علی(ع) فرمود: «راست ترین برادران در دوستی کسانی هستند که در خوشی و ناخوشی با برادران خود، بیشتر هم دردی کنند.»(2) روشن است کسی که نسبت به خوشی و ناخوشی انسان بی توجه باشد، در حقیقت، نسبت به خود انسان بی علاقه است و اگر ادعای دوستی می کند، ادعای گزاف و دروغی است.

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پ-ریش--انح--الی و درم-ان--دگی

یکی از مصداقهای هم دردی، تسلیت گفتن به شخص مصیبت دیده است. کسی که عزیزی را از دست داده است، شرایط ویژه ای دارد و اندوه فراق، قلب او را میآزارد. در این شرایط، برادران دینی و دوستان وی باید با تسلی دادن به او، قدری از اندوهش بکاهند و مرهمی بر زخمش بنهند. این مهم به صورت های گوناگون امکانپذیر است. می

1- [1] . دوستی در قرآن و حدیث، ص 240.
2- [2] . همان، ص 259.

توان با حضور در مجلس عزا، در غم صاحب عزا شریک شد. در برخی روایتها آمده است که در تسلیت دادن، همین بس که صاحب مصیبت تو را ببیند؛(1) یعنی حاضر شدن در مراسم عزا مثل تشییع جنازه و مجلس ختم، خود به تنهایی، هم دردی با صاحب عزا و تسلیت گویی به اوست، هرچند تسلیت را به زبان نیاورد. مرحله بالاتر این است که انسان با زبان هم دردی کند و تسلیت بگوید. به ویژه کلماتی بگوید که از معارف دینی و قرآن کریم سرچشمه گرفته باشد که در آرامش روحی انسان نقش مهمی دارد. پیامبر اکرم(ص) چنین تعزیت می گفت: «خداوند به شما اجر دهد و رحمت خود را بر شما فرود آورد.»(2) چنانکه می دانیم این تسلیت پیامبر اکرم(ص) از قرآن کریم الهام گرفته است و این الگوی نیکویی برای ماست. ایشان هنگامی که در پی جنازه ای حرکت می کرد، اندوه بر آن حضرت چیره می شد و کم سخن می گفت.(3) این رفتار حضرت, هم دردی با صاحب عزا و موعظه برای آن حضرت بود.

از دیگر سنّتهای نیکوی ایشان آن بود که از بیماران، عیادت و در تشییع جنازه ها شرکت می کرد.(4) آن گاه که از بیماران عیادت می کرد، می فرمود: «ای پروردگار سختی ! سختی را بردار و شفا بده که تو شفادهنده ای و شفادهنده ای جز تو نیست.»(5) همچنین میفرمود: «کسی که مصیبت دیده ای را تسلیت دهد، از همانند پاداش او بهرهمند می شود.»(6) نمونه دیگری از هم دردی از امام رضا(ع) نقل شده است. وقتی آن حضرت، _حسن بن_

1- [1] . منتخب میزان الحکمه، صص 347 و 424.
2- [2] . سیدمحمدحسین طباطبایی، (المنتقی من) سنن النبی (گزیده عربی از کتاب علامه) ، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، 1418ه- . ق، ص118.
3- [3] . همان، ص 117.
4- [4] . همان، ص 118.
5- [5] . همان، ص 119.
6- [6] . بحارالانوار، ج 82، ص 94، ح 46.

_سهل _را تسلیت داد، چنین گفت: «تهنیت و تبریک گفتن به سبب ثواب اخروی مصیبت، سزاوارتر است از تسلیت بر مصیبت زودگذر.» (1) البته در صورت صبر بر مصیبت، ثواب اخروی نصیب انسان می شود.

دیگر سنّت نیکوی دینی برای هم دردی با مصیبت دیدگان، سنّت غذا بردن برای آنان است. تا جایی که غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای اهل جاهلیت و غذا فرستادن برای آنان از سنّت های اسلامی بیان شده است. (2) چون شخص مصیبت دیده به دلیل آسیب روحی، به تهیه غذا میلی ندارد، این سنّت نیکو می تواند از برخی زیان های جسمی که ممکن است به صاحبان عزا برسد، پیش گیری کند. هنگامی که _جعفر بن ابی___طالب_، فرمانده سپاه اسلام در جنگ _موته_ به شهادت رسید، پیامبر اسلام به حضرت فاطمه(س) دستور داد که تا سه روز غذایی تهیه کند و برای وی ببرد. همچنین به ایشان گفت سه روز نزد همسر جعفر، _اسماء بنت عمیس _بماند. (3) مطلب تأسفآور این است که در جامعه اسلامی ما، به جای عمل به این سنّت نیکوی اسلامی که نشانه کامل بودن دین اسلام است، عکس آن عمل می شود و به محض اینکه شخصی از دنیا می رود، دیگران به جای هم دردی با بازماندگان و غذا بردن برای آنان، بر سر بازماندگان و مصیبت دیدگان می ریزند و پذیرایی کردن گسترده را وظیفه بازماندگان می شمرند و اگر کسی چنین نکند، وی را بخیل میدانند.

پنج - احترام

چگونه احترامگزاری از موارد گره گشایی شمرده می شود و این دو چه ربطی به هم دارند؟ با اندک دقت روشن می شود که احترامگزاری و بزرگ داشتن انسان ها، اثری معجزه آسا در زندگی آنان دارد. بسیاری از

1- [1] . همان، ج 78، ص 353، ح 9.
2- [2] . المنتقی من کتاب سنن النبی، ص 123.
3- [3] . کافی، ج 3، ص 217.

عقده های روانی و روحی آدمیان را با احترام به آنان میتوان حل کرد و جلوی آفت هایی را گرفت که آنان را تهدید می کند. بنا براین، احترام متقابل، پایه زندگی اجتماعی انسان به شمار میرود.

در قرآن کریم و مکتب نورانی اهل بیت(ع) به احترام گزاردن به دیگران توجه ویژه ای شده است، چنانکه بزرگ داشتن برادر دینی، همرتبه بزرگ داشتن خداوند و پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) به شمار میرود. پیامبر گرامی اسلام فرمود: «کسی که برادر مسلمانش را اکرام کند، خداوند عزوجل را اکرام کرده است.» امام صادق(ع) نیز فرمود: «اگر کسی، فردی از دوستان ما را اکرام کند، ابتدا خدا و سپس پیامبرش را اکرام کرده و ما را نیز شاد کرده است».(1)

کسی که به خدا و پیامبر ایمان آورد، به واسطه انتساب به خداوند و پیامبر، ارزش و احترام ویژه می یابد و در حقیقت، ارزش و کرامت حقیقی انسان، جز در سایه ایمان به خداوند ممکن نیست. پس کسی که مسلمانی را احترام کند، در حقیقت، به سبب رابطه ای که آن مسلمان با خداوند دارد، خداوند را نیز اکرام کرده است.

از سوی دیگر، احترام و اکرام برادران دینی، پاداش فراوانی دارد. پیامبر گرامی اسلام فرمود:

کسی که برادر مسلمانش را با سخنی محبت آمیز احترام کند و در گرفتاری اش، گشایش پدید آورد، تا زمانی که در این کار دست دارد، رحمت الهی بر سرش سایه می افکند.(2)

شش - خوش رویی

برخورد نیکو با دیگران آثار و برکتهای فراوانی دارد. خوش رو بودن همیشگی با دیگران، مایه نزدیک شدن دل ها به هم، ایجاد انس و الفت،

1- [1] . همان، ج 2، ص 206 ، به نقل از: پیامبر اکرم (ص) .
2- [2] . مستدرک الوسائل، ج 12، ص 420 ، به نقل از: از امام صادق(ع).

رفع کدورت و کینه و گشایش عقده های روانی از دل هاست. پیامبر گرامی اسلام با آن مقام بلند نبوت و رهبری اجتماعی مردم، پیوسته در برخورد با همه مسلمانان از کوچک و بزرگ، خوش رو بود. حضرت امیرالمؤمنان علی(ع)، انسان مؤمن را چنین توصیف می کند: «مؤمن, اندوهش در دل و شادی اش در چهره اش است؛(1) زیرا غم و غصه های دنیوی یا اخروی سبب نمی شود که فرد باایمان در برخورد با دیگران ترشرو و اخمو باشد. ترس از خدا و قیامت و اندوه قیامت را داشتن، دلیل موجهی برای اخمو بودن در جامعه نیست، بلکه مؤمن همواره با داشتن اندوه قیامت در دل، در رفتار با دیگران خوش رو است.

ص:87

1- [1] . اصول کافی، ج 2، ص 226، باب المؤمن و علاماته و صفاته.

فصل ششم: موانع گره گشایی

1. موانع فردی

الف) بخل

یکی از مهمترین موانع درونی که انسان را از گره گشایی باز می دارد، بخل است. «بخل، صفتی است که وی را از مصرف صحیح مال و بخشش آن باز می دارد.» (1) تنگنظران دنیادوستی که تنها در اندیشه زندگی خود و خانواده هستند و مال و ثروت دنیا، چشمان آنان را کور کرده است, هرگز نمی توانند برای گرفتاری دیگران دل بسوزانند و برای حل کردن آن گامی بردارند. قرآن کریم، رستگاری را ویژه کسانی می داند که خود را از آزمندی و بخل حفظ کنند.(2) یک ریشه بخل و گداصفتی، ترس از آینده و فقر است. از دیدگاه قرآن کریم، این ترس،

1- [1] . لسان العرب، ج 2، ص 496.
2- [2] . نک: حشر: 9.

برخاسته از وسوسه شیطانی است و در مقابل, بخشش و گشاده دستی, از الهام ربانی سرچشمه میگیرد. شیطان، پیوسته انسان را از فقر می ترساند و خداوند مغفرت و فضل خود را به وی وعده می دهد.(1) در آیهای از قرآن میخوانیم: «شما هر چه انفاق کنید، خداوند جای گزین آن را به شما خواهد داد.»(2) بدینگونه مؤمنان را به فضل و رحمت خداوند امیدوار می کند. پس سزاوار است که مؤمن خداباور بر او توکل کند و از بخشش در راه خدا نهراسد.

افزون بر این، برخی تصور می کنند که وظیفه آنان به پرداخت خمس و زکات محدود میشود و هیچ وظیفه ای در پرداخت صدقه ندارند, در حالیکه چنین نیست. کسانی که در گشایش مالی به سر می برند، باید در برخی موارد، افزون بر خمس و زکات، با پرداخت هدیه و صدقه، از نیازمندان به ویژه از خویشاوندان خود دست گیریی کنند و اگر کوتاهی کنند, به نوعی به بخل گرفتارند.

سال ها پی--روی مذه-ب رن-دان ک-ردم

تا به فتوای خرد, حرص به زندان کردم

من به سرمنزل عنقا نه به خود بردم راه

طی این مرحله با مرغ سلیمان ک--ردم(3)

حضرت امیرمؤمنان علی(ع) در توصیف بخل می فرماید: «بخل جامعه، همه عیب های بد است و زمامی است که انسان را به سوی هر بدی رهبری می کند.»(4) همچنین از منظر روایتها، بخل و شُح,(5) انسان

1- [1] . نک: بقره: 268.
2- [2] . نک: سبأ: 39.
3- [3] . حافظ.
4- [4] . نهج البلاغه دشتی، حکمت 378.
5- [5] . شح: به معنای حرص شدید, همراه با بخل است. مفردات راغب.

را به دروغگویی، ستم، قطع رحم(1)، پرداخت نکردن زکات و جنایت و خون ریزی می کشاند.

ب) سستی

سستی و تنبلی کردن در تمام کارها زیان آور و آفت دین و دنیای آدمی است. از سستی، کوتاهی در ادای واجبات، تضییع حقوق دیگران(2) و نپرداختن به رفع گرفتاری دیگران زاده می شود. حضرت امام صادق(ع) به برخی از فرزندانش سفارش می کرد: «از سستی و کمحوصلگی بپرهیز؛ چون این دو, تو را از بهره دنیا و آخرتت باز می دارند.»(3) از سوی دیگر، پیشوایان دینی، ما را به بلندهمتی ترغیب می کنند و کرم و بخشش را نتیجه بلندهمتی(4) و ارزش هر انسانی را به اندازه همت او می دانند.(5) سستی و تنبلی، سبب هدر رفتن وقت و عمر و استعدادهای آدمی می شود. نیکی کردن و گره گشایی نیز تنها در سایه همت بلند ممکن است و این همای سعادت هرگز بر بام کمهمتان نمی نشیند.

ج) شرم بیش از اندازه

یکی از نعمت های ارجمند الهی به انسان، نعمت شرم و حیا در اوست که یکی از بازدارنده های قوی درونی از انجام زشتی هاست، ولی آیا شرم همواره پسندیده و نیکو است؟

در مدرسه اخلاقی اهل بیت پیامبر(ع)، شرم به دو دسته شرم پسندیده و ناپسند تقسیم میشود؛ شرم پسندیده, نشانه عقل و علم و شرم ناپسند،

1- [1] . محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی, محجه البیضاء، مؤسسه النشر الاسلامی, قم, 1361, ج 6، ص 71.
2- [2] . شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 19، ص 70.
3- [3] . کافی، ج 5، ص 85.
4- [4] . غرر الحکم، 1477.
5- [5] . نهج البلاغه، حکمت 47.

نشانه حماقت و نادانی دانسته شده است.(1) شرم کردن از سخن حق در جایی که باید حق را بگوید(2) و شرم کردن از گره گشایی و پرداخت اندک به نیازمند, دو نمونه از شرم ناپسند است. حضرت علی(ع) می فرماید: «کار خیر را انجام دهید و چیزی از آن را کوچک نشمارید که کوچکِ آن, بزرگ و اندک آن بسیار است.»(3) و نیز «از بخشش کردن اندک شرم نکن؛ که محروم شدن از آن, بی ارزش تر و ناچیزتر است».(4)

بنابراین، شرم از حق گویی در مقام مشاوره و نصیحت، شرم از پرداخت به نیازمند در حضور دیگران، شرم از میانجی گری در کار دیگران و شرم از امر به معروف و نهی از منکر و هدایت گری, ناپسند است و سدّ راه رسیدن به آثار و برکات دنیوی و اخروی این اعمال و مانع انجام وظیفه دینی انسان خواهد بود.

د) فراموشی مرگ و قیامت

باورداشتن روز قیامت و حسابرسی در آن روز و پاداش نیکو در بهشت برای نیکوکاران و مجازات دردناک دوزخ برای گنه کاران، یک پایه اعتقادی همه ادیان آسمانی است. این حقیقتی مهم است که همه در این دنیا مسافرانی هستند که باید برای اقامت در وطن اصلی خود که همان سرای آخرت است, زاد و توشه بردارند و فراموشی این حقیقت, آفت بزرگی برای آدمی است که او را به سوی دنیادوستی و آزمندی و غرق شدن در گناهان می کشاند. باور داشتن جهان جاودانه آخرت، مهمترین بازدارنده از گناهان و زشتی ها و مهمترین انگیزه برای درستکاری و نیکوکاری و گره گشایی از گرفتاری های دیگران است. حضرت عیسی(ع) در مکاشفه ای، حقیقت این دنیا را به صورت

1- [1] . بحارالانوار، ج 77، ص 149.
2- [2] . غرر الحکم، 8650 .
3- [3] . نهج البلاغه، حکمت 422.
4- [4] . همان، حکمت 67.

پیرزنی دید که دندان هایش ریخته و همه زیورها را به خود آویخته است. به او گفت: «چند شوهر اختیار کرده ای؟» گفت: «نشمرده ام.» حضرت فرمود: «شوهرانت همه مرده اند یا تو را طلاق داده اند؟» دنیا گفت: «نه, بلکه همه شان را کشته ام!» حضرت عیسی(ع) فرمود: «بدا به حال شوهران آینده تو که از شوهران پیشینت عبرت نگرفتند. آنان را چگونه یکی پس از دیگری کشتی و ایشان از تو دوری نجستند. دل بر این عجوزه مبند؛ که این عجوزه, عروس هزار داماد است.» (1) یاد معاد، زنگار غفلت و آزمندی و قساوت را از دل ها می زداید و چون دل ها نرم شد، بندگی خداوند و نیکوکاری در حق مردم برای ایشان آسان می شود.

2. موانع اجتماعی

الف) دولتی پنداشتن کارکردهای خدماتی و اجتماعی

یکی از چیزهایی که برخی افراد را از گره گشایی باز می دارد, این است که تصور می کنند برآوردن نیازهای مادی و معنوی مردم، مانند خوراک و پوشاک، اسباب ازدواج و کار، حل اختلافهای خانوادگی و اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر، تنها بر عهده دولت اسلامی است و افراد جامعه نسبت به آن مسئولیتی ندارند. البته باید توجه داشت که توان دولت اسلامی محدود است و هرگز نمی تواند تمام نیازهای مادی و معنوی مردم را برآورد. اگر هم بتواند، جز در سایه همدلی و همیاری عموم مردم ممکن نیست. پس در کنار خدمات دولت اسلامی، تک تک افراد جامعه نیز باید به اندازه توان خود، در رفع مشکلات هم نوعان و هم کیشان خود گام بردارند.

یکی از روش های مؤثر که در صدا و سیما به آن میتوان پرداخت، بازتاب دادن مواردی است که شخصی، خانواده ای یا مردم محله یا

1- [1] .نک: میزان الحکمه، ج 4، صص 1253 و 1744.

روستایی گرفتار مشکل شده اند و هیچ اقدامی برای حل آن صورت نگرفته است. در اینگونه پیشامدها، به طور معمول صدا و سیما به سراغ مسئولان میرود و از آنها پاسخ می خواهد. البته این کار تنها یک جنبه از آسیبشناسی موضوع است، ولی خود, آسیب دیگری را پدید می آورد که اگر در همه مشکلات تنها، به سراغ مسئولان بروند، در ذهن مردم، دولتی انگاشتن خدمت به مردم و گره گشایی از امور دیگران نهادینه می شود. درست است که برخی از گره ها، تنها به دولت مربوط می شود و باید به دست دولت باز شود، ولی باید توجه داشت بسیاری از مشکلات نیز با مشارکت مردمی و نیکوکاران حلشدنی است. اگر رسانه ملی در این زمینه، تبلیغ و اطلاع رسانی شایسته انجام دهد، می تواند مردم را به سوی مشارکت عمومی جذب کند.

کار خیر از هر که سر بزند, پاداش آن ویژه خود اوست. پس اگر در گرفتاری های مردم، افراد جامعه قدم پیش بگذارند و گره گشایی کنند, اجر و قرب ربوبی بهره آنان خواهد شد. اگر کوتاهی کنند و دولت اسلامی آن خدمت را انجام دهد، مردم از ثواب آن محروم خواهند شد و دولت مردان و کارگزاران آنها تنها در پاداش گره گشایی سهیم خواهند بود. حضرت علی(ع) فرمود:

کار خیر را انجام دهید و چیزی از آن را اندک نشمارید و کسی از شما نگوید که دیگری به انجام خیر از من سزاوارتر است. همانا خیر و شر]هر کدام[اهلی دارد که اگر شما, خیر را ترک کردید، اهل خیر آن را انجام خواهند داد.(1)

ب) مشکلات دوران مدرنیته

ص:93

1- [1] . نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین, ناصر, قم, 1384, حکمت 422.

پیشرفت های صنعتی دنیای امروز در کنار رفاه مادی که برای بشر به ارمغان آورده، پی آمدهای نامطلوب فرهنگی و مادی و اجتماعی چندی نیز به همراه داشته است. از سویی، جهت گیری حرکت دنیای مدرن امروز به سوی فردگرایی و حفظ منافع فردی است که نتیجه آن، پرورش آزمندی و بخل در وجود آدمی خواهد بود و سدّ راه خدمت و دیگرخواهی میشود. از سوی دیگر، تبلیغات گسترده کالاهای لوکس و تجملاتی به پیدایش نیازهای کاذب و تجمل گرایی در افراد می انجامد. نتیجه طبیعی این نیاز کاذب آن است که دیگر کسی غم دیگران را نمی خورد و افراد در پی برآوردن نیازهای دیگران برنمی آیند، بلکه سر در کار خود فرو میبرند و از حال دیگران غافل میشوند.

دنیای امروز به صورت های گوناگون به سست کردن نهاد خانواده و روابط خویشاوندی همت گماشته است. پیداست که با سست شدن پایه های زندگی خانوادگی، مهر و محبت ها جای خود را به بی مهری ها، کینه ها و دشمنی ها می دهد.

ریشه اصلی مشکلات دنیای امروز در دین گریزی و خداانکاری و نفی معنویت در زندگی انسان است که لازمه آن, دنیاپرستی و خودپرستی است. در این صورت، برادری و برابری جای خود را به خودخواهی و فردگرایی و هم دردی، جای خود را به درد بی دردی می دهد.

ص:94

فصل هفتم: راه کارهای گره گشایی

1. تغییر نگرش

اشاره

ناآگاهی از ارزش گره گشایی در اسلام و آثار و برکات آن، یکی از علل نپرداختن عملی به این موضوع مهم است؛ زیرا تا چیزی برای انسان اهمیت نداشته باشد, برای انجام دادن آن انگیزه کافی ندارد. ازاینرو، برای هنجارسازی در این زمینه، لازم است تبلیغات گسترده ای صورت گیرد. همچنین باید با پژوهشهای گسترده و جهت دادن به برخی پژوهشهای علمی و پایان نامه های دانشگاهی برای پرداختن به این موضوع، جنبههای علمی مسئله تبیین شود. در اینجا، سه نمونه از نگرش های صحیح را که در روآوردن به گره گشایی اثر شگرفی دارد, یادآوری می کنیم:

الف) نعمت دیدن حاجت خواهی مردم

برخی ثروتمندان چنین عادت دارند که چون شخص نیازمندی به سوی آنها می آید, ناراحت میشوند و رو ترش می کنند, گویا بلایی

ص:95

آسمانی بر آنها فرود می آید. گاه نیز شکوه می کنند که هر چه بدبخت است, به سراغ ما می آید. در مقابل, انسان های مؤمن و پرورشیافته مکتب قرآن و مدرسه اهل بیت(ع) نیاز مردم را به چشم نعمت و رحمت الهی میبینند که به آنها رو کرده است. بنابراین، با روی باز و دستان گشاده در حل گرفتاری مردم می کوشند و از هیچ خدمتی دریغ نمی کنند. امام علی(ع) که الگوی والای ایثار بود، می فرماید:

نیازهای مردم به سوی شما، نعمتی الهی است بر شما. پس آن را غنیمت شمرید و از آن ملول نشوید که به نقمت بدل می شود.(1)

همچنین امام صادق(ع) فرمود:

کسی که مؤمن نیازمند را رد کند، رحمت خداوند را از خود رد کرده و کسی که حاجت مؤمن را برآورد، رحمت الهی را پذیرفته است.(2)

به جان پذیرفتن این دیدگاه، تحولی عمیق در وجود انسان پدید می آورد که سبب آسان شدن گره گشایی او می شود.

ب) آزمایش دیدن نعمت های الهی

از دیدگاه قرآن کریم، همه نعمت های الهی همچون مال و سلامتی و عقل و دانش, وسیله آزمایش انسان است.(3) چنین نیست که اگر خداوند به کسی نعمتی ارزانی کرد, نشانه محبوب بودن و عزت ذاتی او نزد خداوند باشد و بتواند آن نعمت را در هر راهی که دلخواه خودش باشد, به کار برد، بلکه «بر هر نعمت, شکری واجب» است، ولی شکر نعمت های الهی به چیست؟ در پاسخ می گوییم که شکر نعمت های الهی به این است که انسان آنها را در راه رضای او به کار برد و یکی از آن راه ها، به کار بردن نعمت ها در راه خدمت به مردم و

1- [1] . میزان الحکمه، ح 10301.
2- [2] . بحارالانوار، ج 71، ص 324, به نقل از: کافی.
3- [3] . نک: تغابن: 15؛ فجر: 15 - 24.

گره گشایی از کار آنهاست و چنانکه پیشتر گفتیم، این کار رضایت و شادی خداوند و پیامبر را در پی دارد.

اگر این دیدگاه در جامعه نهادینه شود, نیازمند و گرفتاری در جامعه باقی نخواهد ماند. حضرت علی(ع) می فرماید:

خداوند سبحان، قوتِ فقیران را در اموال ثروتمندان واجب گردانده است. پس جز به سبب بهره مندی غنی، فقیری گرسنه نماند و خداوند از آن]در قیامت[پرسش خواهد کرد.(1)

دیدگاه بنده مؤمن خدا این است که مال و ثروت و هر نعمت خدایی، امانتی است که برای چند روزی در دست اوست و باید آن را در همان راهی که مالک حقیقی آن فرمان می دهد, مصرف کند.

ج) ترویج انفاق

خداوند وعده داده است که «اگر در راه من انفاق کنید، من جای گزین آن را به شما می دهم.»(سبأ: 39) بنا براین، «اگر کسی مالی را از راه حلال به دست آورد و در راه حق انفاق کند، خداوند, عوض آن را در همین دنیا هم به او خواهد داد.»(2) کسی که به این وعده الهی ایمان داشته باشد، آسان و نیکو بخشش می کند.(3) پس یکی از راه کارهای رفع موانع گره گشایی, مانند بخل و آزمندی، ایجاد این باور در مردم است که اگر مال، اندیشه، عمر و نیروی خود را در راه خدا مصرف کردند, نه تنها در این دنیا چیزی از دست نداده اند، بلکه پاداش آخرت را نیز به دست آوردهاند و این تجارت و معامله با خداوند است که زیانی در آن راه ندارد.

1- [1] . نهج البلاغه، حکمت 328.
2- [2] . منتخب میزان الحکمه، ص 513.
3- [3] . نک: نهج البلاغه، حکمت 138.

2. فراگیر شدن سنّت قرضالحسنه

چنان که گفتیم در دین مبین اسلام، قرض دادن جایگاه ویژه ای دارد و ارزش آن بیش از صدقه معرفی شده است.(1) اگر این سنّت نیکوی اسلامی در جامعه فراگیر شود که متأسفانه در جامعه اسلامی ما مهجور مانده است، بسیاری از گرفتاری های مادی و در پی آن، گرفتاری های روحی مردم برطرف خواهد شد. اگر بانک ها و مؤسسههای مالی, دست کم بخشی از فعالیت مالی خود را به این امر اختصاص دهند که وام های بدون بهره پرداخت کنند و مردم نیز پول خود را بدون بهره در اختیار آن مراکز قرار دهند، افزون بر حل شدن نسبی مشکلات کلان اقتصادی جامعه مانند گرانی، مشکلات خُرد مردم نیز به بهترین شکل حل خواهد شد. ربا گرفتن در قرض حرام است. حتی اگر اسلامی بودن ساختار بانکی کشورمان را بپذیریم، ترک کردن سنّت قرضالحسنه اسلامی از سوی آنان پذیرفتنی نیست.

3. درخواست معرفی حکَم از همسران هنگام درخواست طلاق

یکی از راه کارهایی که می تواند برای جلوگیری از افزایش طلاق و حل اختلافهای خانوادگی مؤثر باشد، جامه عمل پوشاندن به آیه 35 سوره مبارکه نساء است. این آیه کریمه در موارد اختلافهای خانوادگی، دستور می دهد که داوری (حُکَم) از اهل زن و داوری از اهل مرد معرفی شوند و موضوع اختلاف زن و شوهر را بررسی کنند. در صورتی که حل شدنی باشد، میان آن دو صلح و آشتی برقرار کنند و گرنه آن دو از هم جدا شوند.

4. تبدیل شدن مسجدها به کانون های گره گشایی محلی

همچنان که می دانیم مسجد در اسلام جایگاه والایی دارد. مسجد افزون بر مرکز عبادی مسلمانان، کانون بررسی و حل مشکلات اجتماعی نیز به شمار میرود. در صدر

اسلام, مسجدها حتی پایگاه بسیج رزمندگان

1- [1] . بحارالانوار، ج 71، ص 311.

برای فرستادن به جبهه ها بودند. بعدها مسجدها به مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام نیز تبدیل شدند. با توجه به شرایط فرهنگی حساس در دوران کنونی، ضروری است که مسجدها همچون قرنهای آغازین اسلام، احیا و به مرکز فعالیت های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تبدیل شوند. همچنین باید در هر محله و منطقه ای, مسجدی وجود داشته باشد که معتمدان هر محل، با همکاری نمازگزاران، مساجد را به کانون های گره گشایی تبدیل کنند و با مشارکت دولت و افراد نیکوکار به حل مشکلات مردم آن محل بپردازند. کانون های مشاوره و امداد باید در مسجدها یا در کنار آنها تشکیل شود تا مردم به دستورهای اسلام در زمینه گره گشایی مادی و معنوی عمل کنند. عملی کردن این راه کار، دیدگاه مردم را نسبت به دولتی پنداشتن خدمات عمومی و اجتماعی تغییر می دهد و همگان را در سنت های نیکوکاری اسلامی شریک می سازد.

5. تبلیغ و ترویج سنّت نیکوی صله رحم

خانواده، نخستین و مهمترین نهاد اجتماعی در اسلام است. در دین مقدس اسلام بر تحکیم روابط خویشاوندی یا صله رحم تأکید فراوانی شده است. تا جایی که به فرموده قرآن کریم، گسستن این پیوند، سبب دوری از رحمت خداوند و گرفتار شدن به لعنت او خواهد شد.(1) از نظر اسلام، معنای صله رحم، تنها دید و بازدید نیست، بلکه بخشی از صله رحم این است که اگر فردی مشکل مادی یا روحی یا معنوی داشت، خویشاوندانش او را یاری کنند. بنابراین، باید تبلیغ و زمینه سازی شایسته برای عمل به این سنّت نیکوی دینی و انسانی صورت گیرد تا جایگاه فراموش شده خود را در میان مسلمانان باز یابد. تشکیل صندوق های نیکوکاری و قرضالحسنه در هر فامیل و برگزاری

1- [1] . نک: بقره: 27؛ نک: تفسیر المیزان، ذیل این آیه.

دید و بازدیدهای زمان بندی شده برای همه فامیل، راه کارهایی برای عمل به این دستور دینی است.

6. جهت دهی درست به نیکوکاری

یکی از آفتهایی که همواره بر سر راه گرهگشایی وجود دارد, نسنجیدن اولویتهای گرهگشایی است. تبلیغات مناسب و دادن اطلاعات لازم به نیکوکاران سبب می شود که اولویت ها, مشخص و سپس گره گشایی انجام شود. برای مثال, در یک شهر با وجود هزاران جوان بی کار و مجرد، ساختن مسجدهای بزرگ نزدیک به هم و پرداختن به زیباسازی مسجدها و ساختمان های دولتی, کاری عاقلانه به نظر نمیرسد. در منطقه ای که مردم آن از گرسنگی در عذابند، رها کردن مردم به حال خود و زیباسازی منطقه و فضاهای تفریحی، کاری غیرمنطقی است.

خان-ه از پایبس-ت وی-ران است

خواجه در بند نقش ایوان است

بنابراین, ضروری است که مراکز قوی اطلاع رسانی به مردم در زمینه انجام کارهای خیر وجود داشته باشد تا اولویت ها سنجیده شود.

7. توسعه مراکز نیکوکاری

شکی نیست که یکی از پربرکت ترین نهادهای انقلابی، کمیته امداد امام خمینی(ره) است که گسترده ترین مرکز گره گشایی مادی از محرومان و مستضعفان جامعه به شمار میرود. باید با حمایت بیشتر دولت و مردم از این مرکز و مرکزهای خیریه موفق، زمینه بی نیازی، کار و ازدواج همه محرومان جامعه فراهم آید.

ص:100

1. اخلاص و تقوا

مهمترین شرط پذیرفته شدن همه عبادتها و تکلیفهای دینی نزد خداوند، اخلاص است. اخلاص؛ یعنی کارها را تنها برای خداوند انجام دادن و تنها رضای او را طلب کردن. از دیدگاه دینی، هر کاری که به انگیزه غیر خدایی انجام شود، پوچ و بی اعتبار خواهد بود. عمل پسندیده گره گشایی نیز از این اصل برکنار نیست. بنا براین، نخستین و مهمترین شرط گره گشایی، خالص کردن نیت و انگیزه این کار برای خداست. اگر قصد ریا و خودنمایی و انگیزه شهرت یا چشمداشت مادی در آن راه یابد، آن را بیاعتبار میکند. بزرگان دین سفارش می کنند که در فرمانبری خداوند، حتی در اندیشه پاداش نباشید و کارهای خود را فقط به خاطر خدا و به عشق او انجام دهید:

گر از دوست, چشمت بر احسان اوست

تو در بند خویش-ی, نه در بن-د دوس-ت(1)

آن گاه که اهل بیت پیامبر(ص)، سه شب افطاریشان را که با دسترنج خود تهیه کرده بودند، به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند، چنین گفتند: «إِنَّمَا نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ؛ ما تنها برای کسب رضای خداوند به شما طعام می دهیم و از شما پاداش و سپاسگزاری نمی خواهیم». (انسان: 9):

1- [1] . سعدی.

«احسان به مردم باید بر اساس خداخواهی باشد. هزینه فرزندانمان را چگونه می پردازیم و قربان و صدقه آنها هم می رویم؟ پدر و مادر، عاشق فرزند خردسال خود است و از روی خاطرخواهی برای او خرج می کند]نه برای اینکه کودک برای آنها کاری انجام دهد[حال چرا با خداوند متعال این گونه معامله نمی کنیم؟ چرا به اندازه فرزند خود به او عشق نمی ورزیم؟ و اگر گاهی هم به کسی احسانی می کنیم, برای پاداش آن کیسه می دوزیم».(1)

کاری که برای خداوند انجام می گیرد, نشانه هایی دارد, مانند علاقه نداشتن به تعریف و ستایش مردم. امام صادق(ع) فرمود: «کار خالص آن است که نخواهی کسی جز خداوند, تو را بر آن کار ستایش کند».(2)

خداوند متعال در حدیث قدسی فرموده است:

من برترین شریک هستم. هر کس در عملش برای من شریک آورد,]همه آن را به شریکم واگذار می کنم و[آن را نمی پذیرم, جز آنچه خالص برای من باشد.(3)

از سوی دیگر، کسی که کار خیری انجام می دهد، چه چیزی بالاتر از اینکه پاداش بزرگی نزد خداوند دارد. بنا براین، چرا انتظار داشته باشد مردم تلاشش را جبران و از او سپاسگزاری کنند.(4) آیا این چشمداشت مادی ناشی از کوته فکری نیست؟ خداوند بزرگ، تنها عملی را میپذیرد که برای او و بر اساس پرهیزکاری انجام شده باشد.

2. رعایت حدود شرعی

1- [1] . برگرفته از: کیمیای محبت، ص 218.
2- [2] . کافی، ج 2، ص 16.
3- [3] . مستدرک الوسائل، ج 1، ص 100.
4- [4] . نک: منتخب میزان الحکمه، ص 342، ح 4176, برگرفته از متن حدیث.

به این داستان توجه کنید: «در زمان امام صادق(ع) مدتی بود که در میان عوام، شخصی به تقوا و دین داری معروف شده بود. امام صادق(ع) به این فکر افتاد که آن شخص را از نزدیک ببیند. روزی به طور ناشناس نزد او رفت و دید که وی ژست های عوام فریبانه می گیرد و ارادتمندان، اطرافش غوغایی به پا کرده اند. او از مردم جدا شد و به تنهایی به راه افتاد. امام آهسته او را تعقیب کرد. طولی نکشید که آن مرد, مقابل دکان نانوایی ایستاد. امام با کمال تعجب دید که وی به محض غفلت صاحب دکان، دو نان برداشت,زیر جامه خود مخفی کرد و به راهش ادامه داد. باز در برابر بساط یک میوهفروش ایستاد. آنجا نیز دو انار برداشت، پنهان کرد و راه افتاد تا به سراغ یک نفر بیمار رفت و نان ها و انارها را به او داد و رفت. در این هنگام امام خود را به آن مرد رساند و گفت: «من امروز کار عجیبی از تو دیدم.» سپس از او توضیح خواست. وی نگاهی به چهره امام کرد و گفت: «خیال می کنم تو جعفر بن محمد باشی. امام فرمود: «آری،درست حدس زدی.» آن مرد گفت: البته تو فرزند رسول خدایی و دارای شرافت نسبی هستی، ولی افسوس که این اندازه نادانی. امام گفت: «چه جهالتی از من دیدی؟» گفت: همین پرسش ها که می کنی, از منتهای جهالت است. مگر نمی دانی که خداوند در قرآن فرموده است: «هر کس کار نیکی کند, ده برابر پاداش دارد و هر کس کار بدی کند، فقط یک برابر کیفر دارد؟» من در برابر دزدیدن دو عدد نان و دو انار چهار خطا کردم, ولی از طرف دیگر, آنها را در راه خدا دادم که چهل حسنه نصیب من می شود. امام فرمود: «خدا تو را مرگ بدهد، نادان تویی که به خیال خود این گونه حساب می کنی. مگر نشنیده ای که خداوند می فرماید: «إنّما يَتَقَبَّلُ الله مِنَ المُتَّقين؛ خدا تنها عمل پرهیزکاران را می پذیرد.» حالا یک حساب بسیار ساده کافی است که تو را به اشتباهت آگاه کند. تو به اعتراف خودت چهار گناه مرتکب شدی و چون مال مردم را به نام صدقه و

احسان به دیگران دادی, نه تنها حسنه ای نداری, بلکه به عدد هر یک از آنها، چهار گناه دیگر مرتکب شدی. پس در مجموع هشت گناه داری و حسنه ای هم نداری. امام این جمله را گفت و در حالیکه چشمان بهتزده او به صورت امام خیره شده بود, او را رها کرد و بازگشت». (1)

بنابراین، شخص گره گشا باید در کنار انجام اعمال نیکوکارانه، از مرزهای شرعی تجاوز نکند. برای مثال, انسان گناه کاری را فرض کنید که مرتکب گناهی شده است که مجازات او حد شرعی، تازیانه یا اعدام است. در این شرایط میانجی گری نسبت به او کار پسندیده ای نیست؛ چون اگر حدود و احکام شرعی تعطیل شود، جامعه به سوی فساد, گناه و تباهی کشیده میشود.

ترح-م بر پلن-گ تیز دندان

جفاکاری بود بر گوسپندان

رسول اعظم اسلام(ص) نیز از میانجی گری در حدود شرعی نهی میکرد. ایشان میفرماید:

کسی که در حدی از حدود الهی واسطه گری کند تا در بی اثر کردن حدود الهی بکوشد، خداوند در روز قیامت، او را عذاب خواهد کرد. (2)

تصور کنید فردی که با قاچاق مواد مخدر، صدها جوان پاک را به دام اعتیاد می کشاند و آنان را از زندگی و کار باز می دارد، چه خیانتی به جامعه می کند؟ آیا چنین کسی شایستگی این را دارد که اگر به دام قانون افتاد, از او میانجی گری کنیم و این کار چه بازتابی در جامعه دارد؟

قرار بود حضرت علی(ع) بر مردی از قبیله _بنیاسد_ حدی را جاری کند. بستگان آن مرد نزد امام حسین(ع) رفتند و خواستند که از پدرش

ص:104

1- [1] . داستان راستان، ج 1, داستان 64.
2- [2] . میزان الحکمه، ص 1048, ح 3421.

بخواهد تا آن مرد را ببخشد, ولی امام حسین(ع) از پذیرش و خواست آنها سرباز زد. باز سراغ امیرمؤمنان علی(ع) رفتند و درخواست خود را بازگو کردند. وی فرمود: «هر چه که من اختیار آن را داشته باشم و از من بخواهید, من به شما خواهم داد.» بنی اسد خوش حال و شادان از خدمت علی(ع) مرخص شدند و در میان راه با امام حسین(ع) برخورد کردند و موضوع را به او گفتند. ایشان فرمود: «اگر با آن خویشاوند خود کاری دارید, سراغش بروید، شاید کارش پایان یافته باشد.» آنان بازگشتند و با کمال شگفتی دیدند که حضرت علی(ع)، حد تازیانه را بر او جاری کرده است. پرسیدند:ای امیر مؤمنان! مگر به ما وعده بخشش او را ندادی؟ حضرت فرمود: «من به شما قول دادم که از آنچه اختیار آن را دارم, درگذرم، ولی حد الهی چیزی است که من اختیاردار آن نیستم], بلکه قانون الهی است که هیچ کس حق مسامحه و گذشت از آن را ندارد.[»(1) بزرگان دین، همچون امیرمؤمنان، آنگاه که پای حق شخصی خودشان در میان بود, به آسانی و بزرگوارانه گذشت می کردند، ولی آنجا که حقوق و حدود الهی مطرح بود، کمترین کوتاهی را روا نمی داشتند. ایشان با فتنه گران و فسادگران اجتماعی بسیار جدی رفتار می کردند و واسطه گری هیچ فرد و گروهی را نمی پذیرفتند.

هنگامی که اسامه واسطه شد تا پیامبر اکرم(ص) از یکی از بستگانش که دست به سرقت زده بود, بگذرد، ایشان با رد درخواست او(2) فرمود:

امت های گذشته نابود شدند؛ چون یکی از بزرگانشان دزدی می کرد, او را وامی گذاشتند و حد بر او جاری نمی کردند، ولی وقتی ضعیف و بیچاره ای مرتکب این عمل می شد, حد او را جاری می کردند.(3)

1- [1] . همان، ص 1048, ح 3424.
2- [2] . وسائل الشیعه، ج 28، ص 43.
3- [3] . مستدرک الوسائل، ج 18، ص 7.

انسان در کارهای خیرخواهانه نباید پای خود را از محدوده شرع فراتر بگذارد و به بهانه هدف، وسیله را توجیه، حرامی را حلال و حلالی را حرام کند. برای مثال, به بهانه نصیحت و خیرخواهی نباید به دخالت در امور شخصی دیگران بپردازد.(1) همچنین نباید به بهانه هدایت کردن گناه کاران, در مجالس گناه، با آنان همراهی کند یا به بهانه امر به معروف و نهی از منکر, آبروی دیگران را بریزد یا بدون مجوز شرعی به ضرب و جرح آنان بپردازد و نمونه های فراوانی که می توان با کمی تأمل به آن رسید.

3. حفظ حرمت و آبروی افراد

یکی از آفتهای بزرگی که عمل نیکوی گره گشایی را تهدید می کند، ریختن آبروی افراد است. داشتن آبرو و احترام در میان مردم، یکی از نیازها و ضرورت های اجتماعی زیستن انسان هاست که همگان برای بقای زندگی اجتماعی به آن نیازمندند و هیچ کس حتی خود انسان، حق از میان بردن آن را ندارد.(2) بیشتر مردم روحیه ای دارند که نمیخواهند دیگران از مشکلات آنها باخبر شوند؛ چون میترسند در این صورت، عزت و آبرویشان در جامعه خدشه دار شود. پس بر گره گشاست که در کنار عمل خداپسندانه گره گشایی, حفظ آبروی افراد را در نظر بگیرد تا مبادا پاداش الهی خود را با ریختن آبروی افراد تباه کند. قرآن کریم از سویی اعلام میکند که برای صدقهها، هفتصد برابر و بیشتر پاداش داده می شود(3)و از سوی دیگر، منت گذاشتن و آزار

1- [1] . «و لا تجسسوا؛ تجسس نکنید.» نک: حجرات: 12.
2- [2] . کافی، ج 5، ص 63. امام صادق(ع) می فرماید: « خداوند عزوجل همه امور مؤمن را به او واگذار کرد، ولی خوار کردن خودش را به او واگذار نکرد. آیا سخن خدا را نشنیده ای که عزت فقط برای خدا و رسولش و مؤمنان است؟ » (منافقین: 8)
3- [3] . نک: بقره: 261.

نیازمندان را باطل کننده و بی اثرکننده صدقهها می داند؛(1) چون منت گذاشتن و آزار دادن آنان، نوعی شکستن شخصیت و حرمت آنهاست. کسی که به دیگری کمک فکری یا مالی یا بدنی می کند، باید خداوند متعال را ولی نعمت اصلی بداند و هیچگونه حق منت گذاری برای خود نبیند.

یکی از راه کارهای آبروداری، پنهان کاری است. برخی نیازمندان چنان آبروداری می کنند که اگر کسی از اوضاع و احوال آنها بی خبر باشد و تنها وضع ظاهریشان را ببیند، گمان می کند که اینها بی نیازند.(2) چنین کسانی حاضر نیستند هرگز کرامت انسانی و آبروی خود را با چیزی عوض کنند و حتی مرگ شرافتمندانه را از زندگی همراه ذلت و پستی بهتر می دانند. روشن است که چنین کسانی، تنها کمکی را می پسندند که پنهانی و آبرومندانه باشد.

خداوند با اینکه صدقه دادن آشکار را کاری نیکو می داند، در قرآن کریم می فرماید: «اگر صدقهها را پنهانی به نیازمندان بدهید، بهتر است و گناهان شما آمرزیده می شود.» (بقره:271) علامه طباطبایی(ره) در تفسیر این آیه مبارکه می فرماید:

پنهان کاری در صدقه بهتر از صدقه آشکار است؛ چون بدینگونه آبروی افراد حفظ میشود. صدقه آشکار هم البته خوب است؛ چون سبب تشویق دیگران به انفاق می شود، ولی در مجموع، صدقه پنهان بهتر است.(3)

به نمونه ای از آبروداری پیشوایان دینی توجه کنید: «بادیه نشینی وارد شهر مدینه شد. از مردم پرسید: کریم ترین مردم این شهر کیست؟ او را نزد امام حسین(ع) راهنمایی کردند. به مسجد رفت و امام حسین(ع) را در حال نماز دید. در برابر او ایستاد و اشعاری سرود

1- [1] . نک: بقره: 264.
2- [2] . نک: بقره: 273.
3- [3] . نک: بقره: 271.

که معنای آن چنین بود: «کسی که به تو امید داشته باشد و حلقه در خانه تو را بزند, ناامید نمی شود. تو بخشنده و تکیه گاه مردمی... .» امام حسین(ع) پس از پایان نماز به همراه آن مرد به خانه رفت و به غلامش قنبر فرمود: آیا از مال حجاز چیزی باقی مانده است؟ گفت: آری، چهار هزار دینار. امام فرمود: «آن را بیاور که از ما به آن سزاوارتر آمده است.» قنبر سکه های طلا را آورد. امام عبای خودشان را برداشت و پول ها را در آن پیچید و از شکافِ در, دستشان را خارج کرد و پول ها را به آن بادیه نشین داد. در پاسخ اشعار او، این اشعار را فرمود: «این را بگیر. من از تو پوزش می خواهم]به خاطر اندک بودن عطایم[و بدان که من تو را دوست دارم. اگر حکومت در دست ما بود, دست بخشش ما بر شما ریزان بود, ولی]افسوس که[حوادث زمان امور را دگرگون کرده و]بدان سبب[بخشش من اندک است.» آن مرد در حالیکه می گریست, سکه ها را گرفت. امام به او فرمود: «شاید آنچه به تو دادیم, برای تو اندک است.» گفت: خیر، ولی چگونه جود و سخاوت تو]با رفتنت[زیر خاک خواهد رفت».(1)

باز هم نمونه دیگری از حفظ کرامت انسانی و آبروداری را از زندگی امامحسین(ع) ببینید: «مردی خدمت امام حسین(ع) آمد و از آن حضرت چیزی خواست. امام به او فرمود: «ای برادر انصاری! آبروی خود را با درخواست مریز و حاجت خود را در نامه ای بنویس که من انشاءالله تعالی اسباب خوش حالی تو را فراهم خواهم کرد.» مرد انصاری حاجت خود را در نامه این گونه نوشت: «ای ابا عبدالله! فلانی پانصد دینار از من طلبکار است و برای دریافت طلب خود مرا تحت فشار قرار داده است. شما به او بگویید تا به من مهلت دهد...». امام حسین(ع) وقتی نامه را خواند، داخل خانه شد و کیسه در بستهای را که

1- [1] . بحارالانوار، ج 44، ص 190.

در آن هزار دینار بود, آورد و به آن مرد داد و فرمود: «با پانصد دینار آن بدهی خود را بده و پانصد دینار آن را برای خود خرج کن» و در پایان فرمود: «حاجت خود را تنها نزد این سه نفر ببر: دین دار، با مروت و جوان مرد، حسب و نسب دار؛ چون دین دار برای حفظ دینش از رفع حاجت تو دریغ نمی کند و جوان مرد به سبب جوان مردیاش از رد کردن تو شرم می کند و حسب و نسب دار می داند که تو از آبروی خود در راه حاجتت خرج کرده ای. پس او برای حفظ آبرویت، بی آنکه حاجتت را برآورد, تو را باز نمی گرداند».(1)

حاجت خواستن چهره به چهره و رو در رو نوعی خواری برای شخص درخواستکننده به همراه دارد و با نیازخواهی مکاتبه ای این عیب برطرف می شود.

در زمانی دیگر, چون شخصی در راه مانده از حضرت امام رضا(ع) کمک خواست، وارد اتاق شد و دویست دینار به آن شخص داد و فرمود: «این را در مخارجت هزینه کن و از اینجا برو که چشمت در چشم من نیفتد.» پس چون یکی از یاران امام علت این امر را جویا شد، امام فرمود: «از ترس اینکه مبادا ذلت سؤال را به سبب روا کردن حاجتش در چهره اش ببینم، خود را از او پوشاندم. آیا حدیث رسول خدا(ص) را نشنیده ای که پنهانکننده خوبی, کارش با هفتاد حج برابر است. ظاهرکننده بدی خوار و وانهاده]از رحمت خداوند[است و پنهانکننده بدی]گناهانش[آمرزیده است».(2)

1- [1] . بحارالانوار، ج 75، ص 118.
2- [2] . کافی, ج 4, ص 23؛ بحارالانوار, ج 49, ص 101.

گفتنی است نهادهای خدمت رسان همچون کمیته امداد امام خمینی(ره)، در کنار کار بزرگی که انجام می دهند، باید به حفظ آبروی نیازمندان توجه بیشتری داشته باشند؛ چون گاه دیده شده است که برای مثال, عروس و دامادهایی که از کمیته امداد جهیزیه دریافت کرده اند یا مستمندانی که در ماه مبارک بر سر سفره افطار کمیته نشسته اند، به نمایش گذارده می شوند و ممکن است چهره اجتماعی این افراد، خدشه دار شود. پس باید درباره این مسئله دقت و ظرافت بیشتری به خرج دهند. ازاینرو، امام خمینی(ره) فرمود: «کمیته امداد, کاری شریف و لطیف و ظریف دارد».

مطلب مهم دیگر اینکه گره گشایی در نیازهای مادی و معنوی باید با رازداری و امانت داری انجام شود. گره گشا باید گرفتاری دیگران را همچون راز و امانت نزد خود نگه دارد. از پیامبر اعظم اسلام(ص) روایت شده است که فرمود: «افشای راز برادردینیات، خیانت است. پس از آن بپرهیز.»(1) رعایت نکردن این اصل مهم در گره گشایی، چه بسا به ریختن آبروی افراد و آسیب دیدن حیثیت اجتماعی آنان بینجامد و در نهایت، زیان گره گشایی بیش از سود آن شود. البته رعایت این اصل درباره مشاوره دادن و نصیحت، اهمیت بیشتری می یابد؛ چون در مشاوره، گاهی خصوصی ترین رازها که مشورت گیرنده، حتی از نزدیکترین کسان خود پنهان داشته است, در میان گذاشته می شود.

راه کار مهم دیگر برای حفظ کرامت انسانی و آبروی نیازمندان، کمک رسانی غیرمستقیم_ _به آنان است؛ یعنی به جای اینکه پیوسته کمک های نقدی اندک به ایشان برسانیم، کاری کنیم که اصل نیازمندی آنان برطرف شود. برای مثال, با کارآفرینی یا وقف کردن ملک، برای همیشه آنان را بی نیاز کنیم. همچنین برای کمک به نیازمندان و گرفتاران، بهانه ای

1- [1] . بحارالانوار، ج 77، ص 389.

پیدا کنیم و به آن بهانه، مشکل آنان را به طور غیرمستقیم برطرف کنیم, چنان که امیرمؤمنان علی)ع) گاه چاه یا زمینی را وقف خانواده خاصی می کرد و با این کار برای آنها درآمدی همیشگی به وجود میآورد. به نمونه ای از کمک غیرمستقیم در زندگی یکی از علمای دین توجه کنید:

«یک روز در نجف به دکان سبزی فروشی رفتم. دیدم مرحوم _سیدعلی آقا قاضی_، عارف بزرگ به مغازه آمده و خم شده و مشغول سوا کردن کاهو است، ولی بر خلاف معمول، کاهوهای پلاسیده را برمی دارد. سپس کاهوها را به صاحب دکان داد تا برایش بکشد. بعد آنها را زیر عبا گرفت و روانه شد. من که در آن زمان طلبه جوانی بودم، در پی ایشان رفتم و عرض کردم: آقا! از شما پرسشی دارم. شما چرا برخلاف همه، این کاهوهای نامرغوب را جدا کردید؟ ایشان فرمود: آقاجان من! این مرد فروشنده، شخصی بی بضاعت و فقیر است و من گهگاهی به او کمک می کنم، ولی نمی خواهم چیزی بلاعوض به او داده باشم تا اولاً عزت و آبروی او از بین نرود و هم خدای ناخواسته عادت به مجانی گرفتن نکند تا در کسب و کار خود سست و بی انگیزه شود. برای ما فرقی ندارد کاهوی نازک و لطیف بخوریم یا از این کاهوها. من می دانستم که اینها خریداری ندارد. ازاینرو، برای جلوگیری از زیان دیدن او اینها را خریدم».(1)

کمک های مستقیم به نیازمندان با همه خوبی هایی که دارد، آفتهایی نیز به بار میآورد. برای مثال, صدقههای مستقیم و بی رویه چه بسا ممکن است سبب گداپروری و تقویت روحیه دریوزگی در نیازمندان شود و آنان به اینگونه زندگی کردن خو بگیرند و هیچگاه در پی تلاش برای بی نیاز شدن از دیگران و ایستادن روی پای خود برنیایند. برای جلوگیری از این معضل اجتماعی، افزون بر موارد گفته

1- [1] . سیمای فرزانگان، ص 350.

شده به جای پرداخت کمک های اندک برای نیازهای ضروری به آنان می توان قرض های بلندمدت با بازپرداخت قسطی اندک داد تا به تجارت و سرمایه گذاری بپردازند و اندک اندک خودکفا شوند. ازاینرو، در روایتهای اهل بیت(ع)، ثواب قرض دادن بیش از صدقه دادن معرفی شده است.(1) شاید یک علت برتری قرض این باشد که کارگشایی قرض، به مراتب بیش از صدقه است.

4. منت گذاشتن

خطر دیگری که در کمین گره گشاست و تلاش او را بی اثر می کند، منت گذاشتن بر کمک شونده است. در روایتهای اسلامی آمده است که اگر کار پسندیده ای انجام دادید، آن را فراموش کنید؛ چون منت، سبب نابودی کار پسندیده(2) و کور شدن آن می شود. خداوند در قرآن کریم به مؤمنان فرمان می دهد که بخشش های مالی خود را با منت گذاشتن بر نیازمندان باطل و بی اثر نکنید. مُثَل چنین کسانی مُثَل سنگی است که قدری خاک بر روی آن انباشته شده است (و آماده روییدن گیاه و بهره برداری است). پس باران تندی بر آن می بارد و خاک ها را می شوید و سنگ سختی باقی می ماند.(3) منت گذاشتن مثل همان باران تند است که زمینه ثمردهی صدقهها را می شوید و محو می کند.

شخصی در خدمت امام زین العابدین(ع) چنین دعا کرد: «خداوندا! مرا از خَلقت بی نیاز کن.» امام زین العابدین(ع) به او فرمود: «چنین نیست که تو می خواهی]و گمان می کنی[. مردم به یکدیگر نیاز دارند]و قوام زندگی اجتماعی به یاری رسانی متقابل است و گریزی از آن

ص:112

1- [1] . بحارالانوار، ج 71، ص 311.
2- [2] . مستدرک الوسائل، ج 12، ص 439.
3- [3] . نک: بقره: 264.

نیست[، ولی چنین دعا کن و بگو: خداوندا! مرا از بُدان خَلقت بی نیاز کن. (1)

در روایت دیگری از پیامبر اکرم(ص) «بُدان خَلق» به کسانی تفسیر شده اند که هنگام بخشش، منت می نهند و به گاه دریغ نعمت خود از تو, بر تو عیب می گذارند.(2)

انسان های آزاده و رادمرد هیچ گاه حاضر نیستند زیر بار کوچکترین منتی باشند. گفته اند یکی از ثروتمندان مبلغ زیادی پول به عنوان خمس نزد امام خمینی(ره) آورد و از ایشان خواست که به سبب پرداخت این مبلغ، امام وی را از پرداخت خمس ماشینش معاف بدارد. امام چون احساس کرد این شخص از پرداخت خمس مغرور شده است و گویا منتی بر امام دارد, فرمود: «شما بر ما منت نداری، بلکه ما بر شما منت داریم؛ چون شما با دادن خمس نجات پیدا می کنید و مسئولیت مصرفِ آن به گردن ما می افتد. یا همه پولت را ببر یا همه خمست را بده».

5. شتاب در کار

یکی دیگر از شرایط گره گشایی، شتاب در آن است. «درنگ کردن در همهجا نیکو و پسندیده است مگر در فرصت های پیش آمده برای کار خیر» (3) شتاب داشتن در گره گشایی از چند جنبه اهمیت بیشتری دارد. اول اینکه فرصت پیش آمده ممکن است از دست برود و انسان، دیگر توان انجام آن کار را نداشته باشد. حضرت علی(ع) فرصت های خیر را به باد بهاری تشبیه کرده است که هر دو گذرا هستند.(4) امام صادق(ع) فرمود:

پدرم]امام باقر(علیهالسلام)[می گفت چون تصمیم بر انجام کار خیری

1- [1] . میزان الحکمه، ص 1324, ح 4491.
2- [2] . همان، ص 1326, ح 4493.
3- [3] . غرر الحکم، ص 1937.
4- [4] . شرح نهجالبلاغه, ج 18, ص 131.

گرفتی, شتاب کن؛ چون تو نمی دانی که]در آینده[چه اتفاقی خواهد افتاد».(1)

همچنین رسول گرامی اسلام میفرمود:

آنکه دری از خیر بر رویش باز شد، باید آن را غنیمت بشمارد؛ چون نمی داند کِی بر روی او بسته خواهد شد]و چه بسا که به زودی بر رویش بسته شود[.

از دیگر سو، چه بسا در صورت به تأخیر انداختن گره گشایی نیازمند، نیاز مادی یا معنوی وی از راه دیگری برآورده و در کار خود از ما بی نیاز شود و ما از درک این فضیلت بزرگ محروم شویم. امام صادق(ع) فرمود:

کسی که از من حاجتی بخواهد، من در برآوردن آن شتاب می کنم تا مبادا از آن بی نیاز شود... .(2)

ایشان در جای دیگر فرمود:

من در برآوردن حاجت دشمنم شتاب می کنم از خوف اینکه اگر او را رد کنم، از من بی نیاز شود(3)]و زمینه دوستیِ ما از بین برود[.

دوستان را کج-ا کنی مح-روم

تو که با دشمن این نظر داری

شیرینی کار خیر و گوارایی آن به زود انجام شدن است و سستی در انجام دادن آن ملال آور خواهد بود. هر کس با مراجعه به وجدان خود درمی یابد که دوست دارد خیلی زود به خیری برسد که در انتظار آن است و دیر به دست آمدنش را آزاردهنده می بیند. ازاینرو، در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: «کامل شدن کار خیر به سه چیز بستگی دارد: زود انجام دادن، کوچک شمردن و پنهان کردن آن.» سپس افزود: «شتاب در کار خیر، سبب

1- [1] . کافی، ج 2، ص 142.
2- [2] . همان، ج 77، ص 286.

3- [3] . ميزان الحكمه، ص 1324, ح 4487.

گوارا شدن آن می شود.»(1) کسی که گره در کارش افتاده، مانند گرسنه ای است که هر چه زودتر غذا به او برسد، برایش گواراتر است. پیامبر گرامی اسلام فرمود: «خداوند خیری را دوست دارد که به سرعت انجام شود».(2)

همه دیده ایم که اگر دولت یا شهرداری، پروژه ای عمرانی یا خدماتی را ظرف مدت کوتاه انجام دهند، چه اندازه برای مردم شیرین و گواراست و اگر در تکمیل آن تأخیر کنند, چه اندازه از ارزش و شیرینی کار در نظر مردم کاسته می شود. ازاینرو، در احکام دینی گفته شده است «دستمزد کارگر را پیش از آنکه عرق او خشک شود, پرداخت کنید»(3)؛ چون این کار، سبب شادی دل او و گوارایی دستمزد گرفتن می شود.

6. میانه روی

میانهروی در همه کارها، شرط لازم برای زندگی موفق و سعادتمند است و تندروی و کندروی همواره سبب هلاکت و شکست و ناکامی انسان میشود. در این میان، گره گشایی و نیکی به دیگران نیز از این اصل اساسی میانه روی برکنار نیست. این موضوع بهویژه درباره انفاق های مالی، نمود بیشتری می یابد.

قرآن کریم یکی از نشانه های «عبادالرحمن» را میانه روی در انفاق می داند.(4) خداوند در جای دیگر، خطاب به پیامبر خود می فرماید:

دستت را بسته به گردنت قرار نده و آن را به نهایت باز نکن تا حسرتزده و ملامتگر نفس خود شوی که پروردگار تو به هر که بخواهد, روزی گسترده می دهد و تنگ می گیرد. همانا او به بندگان خود، آگاه و بیناست. (اسراء: 29 و 30)

1- [1] . غرر الحکم، ص 390.
2- [2] . کافی، ج 2، ص 142.
3- [3] . همان، ج 5، ص 289.
4- [4] . نک: فرقان: 67.

قرآن کریم راه میانه را سفارش می کند و میگوید نه چنان بخل بورز که همچون کسی باشی که دستش با زنجیر به گردنش بسته شده و توان حرکت دادن آن را ندارد و نه چنان دست و دل باز باش که دست خودت خالی شود و برای تهیه مخارج زندگیات حسرت بخوری. حضرت علی(ع) فرمود: «زیاده روی سبب نابودی و نقصان و میانه روی, مایه فزونی است».(1)

نقل شده است زنی بچه اش را نزد پیامبر فرستاد تا پیراهن حضرت را برای یادگاری و شفا و تبرک از آن حضرت هدیه بگیرد. پیامبر تنها پیراهن خود را از تن درآورد و به آن پسر داد. وقت نماز فرا رسید و مردم در مسجد منتظر پیامبر بودند. پیامبراکرم(ص) برخلاف معمول دیر کرده بود؛ چون پیراهنی نداشت تا به مسجد برود. اینجا بود که آیه نازل شد: «نه دستت را به گردنت غُل کن(2)]و چنان نباش که دستت در جیبت نرود[و نه آن را کاملاً باز کن]که حتی تنها پیراهن خود را ببخشی و حسرت بخوری که چرا نمی توانی به مسجد بروی[».

میانهروی و عفت ورزی از دیدگاه پیامبر اسلام، سبب رسیدن به نعمتهای بزرگ الهی؛ یعنی بقا, حیات, رشد و پیشرفت جامعه است.(3) اینها چیزهایی هستند که هر جامعه متعالی و مترقی به آن نیاز دارد.

آنچه درباره فضیلت میانه روی گفتیم, با اهمیت و ارزش ایثار منافاتی ندارد؛ چون ایثار در جایگاه برتری نسبت به میانه روی قرار دارد. وقتی انسان آنچه را خود به آن نیاز دارد, ببخشد و دیگران را بر خود ترجیح دهد، ایثار کرده است و اگر افزون بر نیاز خود را ببخشد، میانه روی در انفاق است. پیداست که ایثار، خصلت برجسته انسانی است که جز برگزیدگان، آن را درک نمیکنند.

1- [1] . جامع احادیث الشیعه، ج 17، ص 110.
2- [2] . تفسیر نمونه، ج 15، ص 91.
3- [3] . منتخب میزان الحکمه، ص 177.

پاسخ این منافات نداشتن, در خود آیه کریمه قرآن آمده است؛ چون نهی از زیاده روی در انفاق - به قرینه آخر آیه - ویژه کسانی است که پس از آن با حال حسرت و سرزنش بنشینند، ولی کسانی همچون پیامبر اکرم(ص)و امامان معصوم(ع) و برخی اولیای الهی که به چنان بزرگی و روحی رسیدهاند که از ایثار کردن هرگز پشیمان نمیشوند، مخاطب این آیه نیستند. بهعبارت دیگر، خطابِ آیه به مؤمنان متوسطالحال است, نه بندگان برجسته و برگزیده الهی. ازاینرو، در آیههای نخستین سوره مبارکه انسان، قرآن کریم, گروهی از ابرار (حضرت امیر مؤمنان علی(ع) و فاطمه زهرا(س) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع)) را به نیکوترین شکل ستایش می کند که اینان غذای]افطار[خود را به مسکین و یتیم و اسیر می بخشند. درباره داستان بخشش پیراهن پیامبر که پیش از این گفته شد، می توان گفت حسرت پیامبر بر این بود که چرا نماز اول وقت و جماعت ایشان به تأخیر افتاد، نه اینکه چرا پیراهنش را به آن کودک بخشید.

7. پرهیز از بدی گمان

از شرایط دیگر گره گشایی این است که انسان خود را در مواضعی که ممکن است سبب بدگمانی مردم شود، قرار ندهد؛ چون به طور طبیعی در چنین جاهایی متهم خواهد شد. ازاینرو، در روایتهای اسلامی آمده است: «آن کس در جاهای]برانگیزاننده[بدگمانی وارد شود و به او تهمت زنند، نباید جز خود را سرزنش کند».(1)

برای مثال, کسی که قصد امر به معروف و نهی از منکر دارد، اگر با بدان فراوان نشست و برخاست کند, خواه ناخواه مردم او را از بدان به شمار خواهند آورد و او را به گناهان بدان متهم خواهند کرد. (2) اگر برای نهی از شرابخواری, بر سر سفره می گساران حاضر شود و

1- [1] . همان، ص 324.
2- [2] . همان.

پیوسته به خانه آنان رفت و آمد کند، طبیعی است که مردم او را نیز شرابخوار میدانند. همچنین کسی که برای رفع نیازهای مادی گرفتاران می کوشد، نباید پیوسته آشکارا به آنان کمک کند؛ چون ممکن است به ریاکاری و خودنمایی متهم شود.

مثال بعدی آن است که کسی به دیگری مشورت می دهد یا او را نصیحت می کند. وی نباید زیاد بر نظر خود پافشاری کند؛ چون احتمال دارد به او گمان برند که وی خیرخواه واقعی نیست و خودش در این مسئله, سودی دارد که تا این اندازه پافشاری می کند, بلکه باید زبان حال مشاور چنین باشد:

من آنچه شرط بلاغ است, با تو می گویم

تو خواه از سخن-م پن--د گیر و خواه ملال

8. پاسخگویی مثبت به همه درخواست کنندگان

حضرت امام علی(ع) در بیان ویژگی های والای پیامبر اکرم(ص) می فرماید:

هرگز چیزی از آن حضرت خواسته نشد که بگوید: «نَه»]و دست رد بر سینه هیچ سائلی نزد, بلکه[یا نیازش را برمی آورد و اگر نمی خواست یا نمی توانست، سکوت می کرد(1) یا با زبان خوش به او پاسخ می داد.(2) برای مثال, می فرمود: «خدا حاجتت را برآورد.»(3) همچنین می فرمود: «سؤال سائل را قطع نکنید؛ چون اگر چنین نبود که مسکینان]گاهی[دروغ می گویند]؛ یعنی برخی مسکین واقعی نیستند و ادعای نیاز می کنند[, ردکننده آنها هرگز رستگار نمی شد».(4)

ص:118

1- [1] . المنتقی من سنن النبی(ص)، ص 177.
2- [2] . میزان الحکمه، ص 2338, ح 8142 .
3- [3] . همان، ح 8143.
4- [4] . همان، ح 8144.

پس چه نیکوست ما نیز از زندگی و سیره آن حضرت و اهل بیت(ع) پاک ایشان الگو بگیریم و درخواست کنندگان را اگرچه به اندک چیزی کمک کنیم. حضرت علی(ع) فرمود: «گدا را رد نکنید, اگر چه به نیم دانه انگوری یا نیمه خرمایی باشد».

انسان با آراسته شدن به این خصلت نیکو، در حقیقت, به یکی از اخلاق الهی دست یافته است؛ چون از صفتهای خداوند این است که رحمت او همه کس و همه چیز حتی بدترین بندگانش را فرا میگیرد.(1) امید هر که را به او امید بسته است, ناامید نمی کند و دعاکنندگان و درخواستکنندگان از ذات اقدسش را با دست خالی باز نمی گرداند. چه کمالی برتر از اینکه بنده شبیه مولا و پروردگار خود شود. امام محمد باقر(ع) فرمود:

اگر سائل می دانست که در خواهش او چه نهفته است، هرگز از کسی چیزی نمی خواست و اگر کسی که از وی خواهشی می شود, بداند که در نومید کردن چه نهفته است، هرگز کسی را نومید نمی کرد.(2)

1- [1] . نک: اعراف: 56.
2- [2] . میزان الحکمه، ص 2338, ح 8137.

فصل نهم: همراه با برنامهسازان

1. بایدها و نبایدهای سیاست گذاری کلان رسانه

اشاره

مهم ترین وظیفه صدا و سیما در زمینه گره گشایی، هنجارسازی از راه آگاهیبخشی، انگیزش عواطف و احساسات و به تصویر کشیدن الگوهای عملی است. گره گشایی از وضعیت موجود در جامعه که در حقیقت, از نظر کمّی و کیفی, نامطلوب است, باید به وضعیت مطلوب برسد و با حفظ تمام شرایط و لوازمی که دین اسلام برای آن در نظر گرفته است، بهصورت فرهنگ عمومی درآید. برای رسیدن به این آرمان مقدس، عزمی جزم و همتی بلند لازم است.

الف) ترویج روحیه برادری اسلامی و نوع دوستی به جای تأکید بر خودخواهی

چنان که می دانیم، پیامبر اکرم(ص) در آغاز ورود به شهر مدینه، میان مؤمنان, پیوند برادری برقرار کرد (و بعدها این عقد اخوت دو نفره برداشته شد و اخوت تمامی مؤمنان جای آن را گرفت و بر آن تأکید شد).(1) این اقدام پیامبر اعظم(ص) از دوراندیشی آن حضرت حکایت می کند؛ چون اعضای جامعه اسلامی برای رسیدن به اهداف متعالی خود و اجرای احکام اسلامی راهی جز این ندارند که اختلافها را کنار بگذارند و دل های آنها به هم نزدیک و فضای برادری و صفا و صداقت بر آن حاکم شود. جامعه اسلامی ایران نیز اگر بخواهد به قله های

1- [1] . سیره پیامبر اکرم(ص)، ص 434.

کمال و سعادت گام نهد، راهی جز این ندارد که صفا و برادری بر آن حاکم شود و همه با هم به سوی سعادت دنیا و آخرت حرکت کنند. ازاینرو، صدا و سیما که بزرگترین و مهم ترین رسانه ملی است، باید ترویج روحیه برادری و دیگرخواهی و نوع دوستی را در جامعه به عهده بگیرد و برنامه ها و مجموعه های خود را به سوی گسترش فرهنگ احسان و نیکوکاری و گره گشایی جهت دهی کند. شکی نیست که تاکنون بسیاری از برنامه های رسانه برای مخاطبان, جهت دهی فردگرایی و خودپسندی داشته و در آنها به گره گشایی و خدمت به برادران دینی کمتر توجه شده است. در آن موارد نیز نسبت به شرایط و لوازم آن دقت کافی صورت نگرفته و در نتیجه، اثرگذاری لازم را بر مخاطبان نداشته است.

ب) آگاهی بخشی با بهرهگیری از روش دینی بیم و امید دادن

رسانه ملی باید با بهره گیری از روش بیم و امید که بهترین شیوه تبلیغ دینی و شیوه همه پیامبران الهی است، با بیان اهمیت، آثار، شرایط و راه کارهای گره گشایی، با دادن آگاهی های لازم به مردم، حساسیت های لازم را در مخاطبان به وجود آورد تا انگیزه عمل به گرهگشایی در آنان پدید آید. در جامعه اسلامی ما که بیشتر جمعیت آن را شیعیان و پیروان مکتب نورانی اهل بیت(ع) تشکیل می دهند, در کنار خوان گسترده الهی؛ یعنی قرآن کریم، مجموعه ای از روایتهای نورانی امامان معصوم(ع) نیز در دست رس هست که بهترین منبع برای آگاهیبخشی و انگیزه آفرینی عمومی به شمار میرود. سیره آن بزرگواران، بهترین الگوی قابل عرضه در همه زمینههای اخلاقی به ویژه گره گشایی است.

ج) تشویق و تحریک

رسانه ملی در کنار آگاهی بخشی باید به کمک تحریک عواطف و انگیزش احساسات عمومی، مردم را به سوی گره گشایی مادی و معنوی به پیش برد. نمونه موفقی از این امر را در حادثه _زلزله بم_ دیدیم

که صدا و سیما با اطلاع رسانی به موقع و انگیزش عواطف عمومی، در یاریرسانی به حادثه دیدگان بم, عزم عمومی پدید آورد. رسانه چنین کارهایی را باید در همه زمینه ها و در حمایت از مشکلات مادی و معنوی مردم تکرار کند.

د) تولید برنامه های گوناگون برای همه گروههای سنی

در آغاز چنین به نظر می آید که موضوع گره گشایی ویژه بزرگ ترهاست و ارتباطی به کودکان و نوجوانان ندارد، ولی با کمی اندیشه، روشن می شود که اهمیت پرداختن به گره گشایی در برنامه های کودکان و نوجوانان، کمتر از برنامه سازی برای بزرگسالان نیست. ما می توانیم فرهنگ برادری و نوع دوستی و خدمت به خلق را از همان زمان کودکی و نوجوانی به کودکان بیاموزیم و در لوح دل آنان، نقش زیبا و پاک ناشدنی گره گشایی را رسم کنیم. بیشک, عملی کردن چنین اندیشه ای، نویدبخش آینده ای روشن برای جامعه اسلامی خواهد بود. ازاینرو، ضروری است که برای همه گروههای سنی از کودک و نوجوان و پیر و جوان به اقتضای شرایط سنیشان, برنامه های ویژه گره گشایی ساخته شود.

ه-) معرفی الگوهای شایسته گره گشایی

رسانه ملی باید برای شناساندن الگوهای برتر در زمینه گره گشایی برنامه ریزی کند. از سویی، ساخت برنامه های گوناگون از سیره معصومین(ع), دانشمندان و انسانهای نیکوکار, در فهرست برنامه های کلان قرار گیرد و از سوی دیگر، نمونه های عینی موفق در عرصه گره گشایی به دیگران شناسانده و تجربه آنها به همگان منتقل شود؛ زیرا الگوها، مهم ترین راه انتقال اندیشه یا صفت اخلاقی به شمار میروند. گاهی وجود یک الگوی عملی از اخلاق اسلامی در یک منطقه یا شهر، از مطالعه ده ها کتاب و شنیدن هزاران پیام گفتاری مؤثرتر است. بنا براین، هم باید از الگوهای عملی سپاسگزاری کنیم و هم باید رمز موفقیت و تجربههای آنها را

بازگوییم. با ترویج این فرهنگ، می توان الگوهای صادق را به جای الگوهای کاذب در دل و اندیشه جوانان جای داد.

2. نقد و ارزیابی برنامه های پخش شده در رسانه

الف) ترویج روحیه فردگرایی و تجمل گرایی به جای دیگرپذیری و گره گشایی

چنان که در فصل اول نیز اشاره شد، در نگاهی کوتاه به مجموعه های تلویزیونی و فیلم های سینمایی، پی می بریم که بر بیشتر آنها روحیه فردگرایی و تجمل گرایی حاکم است. ستارگان فیلم ها معمولاً برای حفظ منافع خود در تلاش هستند؛ تنها برای زندگی خود و خانواده شان تلاش می کنند و هرگز غم دیگران را ندارند، بلکه تماشاگر گرفتاری های آنها هستند. چهره های اصلی و ستاره فیلم ها که برخی از آنان الگوهای عملی جوانان ما هستند, نازپروردگانی نشان داده میشوند که هیچ خاصیتی ندارند, بلکه رفتارشان بر روحیه تماشاگر اثر منفی میگذارد. برای نمونه, جوانی که هنوز ازدواج نکرده، بهترین زندگی و بالاترین مدل خودرو را داراست؛ گویی ره صدساله را یک شبه پیموده است. طبیعی است که نمایش چنین صحنه هایی، افزون بر داشتن آثار منفی روانی برای طبقه متوسط و ضعیف جامعه، نوعی فردگرایی و غفلت از حال دیگران را ترویج می کند.

در اینجا این پرسش رخ می نماید که آیا ساخت فیلم های زیبا و جذاب بر محور زندگی دین داران و قشر متوسط و ضعیف جامعه ممکن نیست؟ آیا نمی توان با به تصویر کشیدن زندگی دین داران نیکوکار و گره گشا، اثری هنری، زیباتر و پرمحتواتر آفرید؟ این علامت پرسش بارها در ذهن تکتک مخاطبان رسانه خودنمایی کرده, ولی پاسخی قانعکننده برای آن نیافته است. به طور کلی, توازنی در نشان دادن فقر و غنا در فیلم های صدا و سیما باید برقرار باشد تا این پندار موهوم که مال و ثروت، مایه ارزش و افتخار است، از افکار عمومی زدوده شود و ارزش حقیقی به علم و ایمان و کمال انسانی داده شود. در

این صورت، روحیه خودخواهی، دنیاطلبی, تجمل گرایی، بخل و آزمندی بی رمق خواهد شد و مانع بزرگ فراروی گره گشایی و توجه به دیگران برداشته می شود.

ب) در حاشیه بودن گره گشایی در رفت وآمدهای خانوادگی و همسایگی

چنانکه می دانیم صله رحم در اسلام، تنها به معنای رفت و آمد و احوال پرسی از بستگان نیست، بلکه وظیفه دینی هر انسانی است که در گرفتاری های زندگی و سختیها به یاری نزدیکان به ویژه بستگان درجه اول خود بشتابد، ولی در برنامه های رسانه، بیشتر به رفت و آمد، احوال پرسی، گفتوگو و خنده با فامیل اهمیت داده می شود و یاری رسانی به آنها در حاشیه قرار میگیرد. مجموعه های طنز «زیر آسمان شهر»، «نقطه چین»، «شب های برره»، «زندگی به شرط خنده» و «باغ مظفر» نمونه هایی از اولویت دادن بیش از اندازه به عنصر شوخی و خنده در روابط خانوادگی و همسایگی و بیتوجهی به گرفتاری ها و مشکلات خویشان و همسایگان است. در حالیکه طنز میتواند در قالب گره گشایی و کمک به دیگران نیز ساخته شود, در بیشتر این طنزها، مشکلسازی برای خود و دیگران، امتیاز و کاری جذاب به شمار میرود.

ج) نقد یک مجموعه تلویزیونی

مجموعه «او یک فرشته بود» که در مهر و آبان 1384 (ماه مبارک رمضان) از شبکه دوم سیما پخش شد، نمونهای موفق از پرداختن به اهمیت گره گشایی و آثار ترک آن بود. صرفنظر از برخی اشکالهای محتوایی, پیام مذهبی این مجموعه برای مخاطب بسیار مناسب بود. استقبال فراوان مردم از این مجموعه تلویزیونی, این حقیقت را برای هنرمندان کشور روشن ساخت که اگر پیام های دینی در قالب زیبا و درست هنری عرضه شود، طیف بیشتری از مخاطبان را به سوی خود خواهد کشاند و آثار عمیق تری بر دل و اندیشه آنان خواهد گذاشت. البته شرط تحقق این امر آن است که در کنار هر مجموعه تلویزیونی,

کارشناس مذهبی حضور فعال داشته باشد؛ فیلم نامه را بخواند و نظر خود را با عوامل فیلم مطرح کند. همچنین در مراحل تولید فیلم نیز به عنوان ناظر مذهبی حاضر باشد.

3. راه کارهای پرداختن به موضوع در رسانه

الف) فیلم کوتاه

بخشهایی از زندگی معصومان، دانشمندان، ورزش کاران و هنرمندان را که به موضوع گره گشایی مربوط میشود, در قالب فیلم کوتاه یا کارتون می توان نشان داد. طبیعی است در این گونه فیلم ها، باید به جنبه های هنری فیلم نیز توجه بیشتری شود. متأسفانه بسیاری از نمایش های مذهبی و تئاترها، از جنبه هنری نسبت به مجموعه های دیگر تلویزیونی, ضعیف تر ساخته میشود؛ چون هم هزینه کم تری برای آن صرف می کنند و هم کمتر از بازیگران حرفه ای در آن مجموعه ها استفاده می شود. ازاینرو، مخاطبان این گونه فیلم ها بسیار محدودند.

ب) طرح کوتاه

برخی طرح های کوتاه را که در قالب مستقل می توان از آن بهره گرفت, میآوریم:

- کودکی که در جشن نیکوکاری قلک خود را می شکند و به کمیته امداد اهدا می کند.

- کودکی در شب امتحان به دوستش که از او ضعیف تر است, کمک و اشکالهای او را رفع می کند و هر دو نمره خوب می گیرند.

- کودکی با دیدن کفش های پاره دوست فقیرش، کفش های عید نوروز خود را به او هدیه می دهد.

- فردی, دوست قدیمی خود را همراه عده ای جوان سیگاری می بیند و خطر سیگاری شدن او را حس می کند. سپس او را با خود به سوی تفریح یا انجام دادن کارهای مفید میکشاند و از دوستانش جدا میکند.

ص:125

- زن و شوهری بر سر مسائل جزئی مانند چیدمان وسایل خانه اختلاف شدیدی پیدا کرده اند. پس نزد قاضی میروند. قاضی می گوید هر یک از شما یکی از بستگان خود را به عنوان حُکَم (داور) معرفی کنید و با معرفی حُکَم و رایزنی ها، اختلاف آنها به صلح و صلاح میانجامد.

- دو نفر سوار بر ماشین با یکدیگر تصادف می کنند. هر دو از ماشین بیرون می پرند و به دشنام و کتک کاری می پردازند. رهگذری دانا از راه می رسد و پس از شنیدن سخنان آن دو، آنها را به گذشت دعوت میکند و آشتی می دهد.

- دختری بدون تحقیق، قصد ازدواج با پسری را دارد. دوستان آن دختر با تعقیب پسر و شناسایی او و آگاهی یافتن از روابط او با دختران دیگر، از آن پسر عکس تهیه می کنند و دوست خود را از گرفتار شدن به دام آن شیاد نجات می دهند (عکس این قضیه در مورد یک پسر نیز ممکن است).

- فردی قصد دارد به عمره مستحب برود, ولی با دیدن وضع رقت بار خانواده ای، منصرف میشود و هزینه عمره را به آن خانواده می بخشد.

ج) مستندسازی

با کارشناسی های حساب شده و ریشه یابی مشکل های خانوادگی و ارائه راهحل های مفید برای رفع آنها میتوان مستندهای خوبی ساخت. در کنار استفاده از روانشناس در این برنامه ها باید از کارشناسان مذهبی که در امور خانواده و امور اجتماعی و جوانان تخصص ویژه ای دارند، بهره گرفته شود. آقای _راشد یزدی_، _حسینی_ و _پناهیان_، گزینههای مناسبی برای این کار هستند.

تهیه مستندهایی درباره موقوفات کشور و وقفکنندگان آنها، مثل: مساجد، کاروانسراها، آب انبارها، تکیه ها، مدارس علمیه و مانند آن یا

بیان آثار موقوفات در پیشرفت دینی، علمی و اقتصادی کشور در طول تاریخ نمونههایی از این دست است.

د) فیلم سازی

چنانکه گفتیم در متن این پژوهش، داستان های کوتاه و نیمه کوتاهی آمده است که می تواند موضوع های مناسبی برای فیلم سازی باشد. افزون بر آنها به داستانی تاریخی و زیبا برخوردیم که به سبب کمی طولانی بودن آن مناسب دیدیم آن را جداگانه در این قسمت بیاوریم.

«در زمان خلافت سلیمان بن عبدالملک مروان (96 - 99 ه- . ق) مردی ثروتمند و بخشنده به نام خُزَیمه بن بُشر در جزیره(1) زندگی می کرد، ولی دیری نپایید که آن همه مال و ثروت را از کف داد و یکباره از اوج عزت به حضیض ذلت افتاد. آشنایان و دوستانی که زمانی از بخشش و احسان او بهرهمند بودند، چند روزی به او کمک کردند، ولی چیزی نگذشت که از دست گیریباش سر باز زدند و دیگر به وی روی خوش نشان ندادند.

خزیمه نیز چون بی وفایی مردم دنیا و نامهربانی دوستان آشنا را دید و مزه تلخ برگشت روزگار را چشید، همسر خود را که دختر عمویش نیز بود, خطاب قرار داد و گفت: «باید تن به مرگ داد و چشم به کمک مردم بی مروت دنیا و یاران بی وفا نداشت.» ازاینرو، در خانه نشست و در به روی خود و خلق بست و مدتی از آنچه داشت, استفاده کرد تا آنکه هر چه بود, تمام شد و آه در بساطش نماند.

در آن زمان، _عکرمه فیاض,_ حاکم و والی جزیره بود که همتی عالی داشت, بهگونه ای که بیشتر مردم از فیض وجود و خوان جودش بهره مند بودند و به همین سبب هم او را «فیاض» می خواندند.

1- [1] . جزیره : منطقه ای مجاور شام و موصل و مشتمل بر «دیار بکر» و شهرهای «رها» و «آمر» و... .

در یکی از روزها که اعیان شهر در مجلس والی حضور داشتند، فیاض به مناسبتی از خزیمه سخن به میان آورد و سراغ او را گرفت. حاضران مجلس گفتند: مدتی است تهی دست شده و خانه نشین است. از همین رو، در میان مردم دیده نمی شود. فیاض از شنیدن این سخن و آگاهی از پریشانی وضع خزیمه بسیار متأثر شد و منتظر ماند تا شب فرا رسد. همین که پاسی از شب گذشت, دستور داد یکی از غلامانش اسبی را زین کند. سپس چهار هزار دینار زر سرخ از بیتالمال برداشت و در کیسه ای ریخت و به دست غلام داد و بدون اینکه کسی از نزدیکان او و از این ماجرا آگاه شود، راه خانه خزیمه را در پیش گرفت. وقتی نزدیک خانه رسید, پیاده شد. کیسه زر را از غلام گرفت و برای اینکه غلام نیز از این موضوع باخبر نشود، دستور داد که از آن محل دور شود و در کناری بایستد. آن گاه خود آهسته نزدیک رفت و کوبه در را به صدا درآورد.

خزیمه از خواب برخاست و در را باز کرد. فیاض کیسه زر را به او داد و گفت: این مال شماست. خزیمه پرسید: شما کیستید؟ فیاض گفت: اگر می خواستم مرا بشناسی, در این وقت شب نمی آمدم. خزیمه بر اصرار خود افزود و گفت: تا خود را معرفی نکنی, عطای تو را نمی پذیرم. فیاض هم به ناچار خود را چنین معرفی کرد: من دست گیری جوان مردان زمین خورده ام. خزیمه اصرار کرد توضیح بیشتری بدهد، ولی فیاض بیش از آن سخنی نگفت و کیسه زر را به خزیمه داد و خداحافظی کرد و رفت. خزیمه، در خانه را بست و همسرش را بیدار کرد و گفت: برخیز و چراغ روشن کن که اگر در این کیسه پولی باشد، خداوند نظر مرحمتی به ما کرده است. زن گفت: ما وسیله ای نداریم که در این وقت شب چراغ بیفروزیم.

آنگاه خزیمه در حالیکه به خواب می رفت، با دست کیسه را لمس کرد و فهمید که داخل آن پر از سکه های طلاست.

ص:128

از سوی دیگر، همین که فیاض به خانه بازگشت، دید همسرش بیدار شده و با حالی آشفته و پریشان و چهره ای برافروخته سراغ او را می گیرد. زن سادهدل, دست خوش افکار واهی زنانه شده بود، به گونهای که گریبان خود را چاک زده بود و فریاد می کرد و از شدت خشم, روی خود را می خراشید. فیاض که همسرش را در آن حال دید، پرسید: مگر چه شده؟ زن گفت: می خواستی چه شود؟ آیا والی شهر در این وقت شب, بی خبر و دور از چشم همسر و دخترعمو و نوکرها و کسانش، جز برای سر زدن به زن دیگر یا دیدار رفیقه ای که با او وعده دیدار گذارده است، از خانه بیرون می رود؟ فیاض گفت: خدا می داند من برای هیچ یک از این دو موضوع که گفتی, بیرون نرفته ام, ولی زن قانع نمی شد و همچنان بر اصرار و ناراحتی خود می افزود و می گفت باید راستش را بگویی که کجا بوده ای و برای چه رفته بودی؟ فیاض ناچار شد حقیقت مطلب را بازگو کند، ولی پیشاپیش از وی پیمان گرفت که رازش را فاش نسازد. سپس گفت: اگر باور نداری، حاضرم سوگند یاد کنم. زن گفت: نه! دلم آرام گرفت و اطمینان پیدا کردم. سوگند لازم نیست.

فردای آن شب، خزیمه پس از مدت ها, سر و سامانی به وضع زندگی خود داد و نفسی تازه کرد و پس از ترتیب کار، به دیدار خلیفه سلیمان بن عبدالملک رفت. در آن زمان، خلیفه در شام اقامت داشت.

هنگامی که خزیمه به دربار رفت، درباریان ورودش را به خلیفه اطلاع دادند. خلیفه, خزیمه، جوان مرد مشهور جزیره را می شناخت و قدر او را به خوبی می دانست. ازاینرو، بی درنگ به او اجازه ورود داد. خزیمه وارد شد و سلام کرد. خلیفه پرسید: خزیمه! رسیدن بهخیر! خیلی دیر به سراغ ما آمدی؟ خزیمه گفت: علت آن وضع نامساعدم بود که مدت ها با آن دست به گریبان بودم. خلیفه پرسید: چرا در این مدت نزد ما نیامدی تا به تو کمک کنیم؟ گفت: آن هم به واسطه فقر

و تنگ دستی و نداشتن وسیله راه بود. پرسید: اکنون چه کسی وسیله حرکت تو را به اینجا فراهم کرد؟ گفت: درست او را نمی شناسم. در یکی از شب ها که در نهایت تنگ دستی به سر می بردم، مردی ناشناس به در خانه ام آمد و کیسه ای که چهار هزار دینار در آن بود, به من داد و رفت. خلیفه گفت: او را شناختی؟ خزیمه گفت: نه! فقط او خود را دست گیری جوان مردان زمین خورده معرفی کرد. خلیفه افسوس خورد که این شخص بلندنظر را نمی شناسد و گفت: اگر او را می شناختم, پاداش جوان مردی اش را چنانکه باید, می دادم.

خلیفه که از شنیدن وضع رقت بار گذشته خزیمه ناراحت و منقلب شده بود، از او دل جویی کرد و فرمان حکومت جزیره را به نام او نوشت و دستور داد در بیلان کار فرماندار گذشته، عکرمه فیاض به دقت رسیدگی کند و جریان را به او گزارش دهد.

بدین ترتیب، روزگار تنگ دستی خزیمه را جبران کرد و خزیمه با در دست داشتن فرمان حکومت جزیره بدان منطقه رهسپار شد. هنگامی که خبر ورود حاکم جدید به فیاض رسید، وی به اتفاق مردم شهر به سوی مقر حکومت رفتند.

خزیمه بر اساس دستور خلیفه با دقت به حساب فیاض رسیدگی کرد و در نتیجه، مبالغی کسر آمد. خزیمه او را موظف کرد که هر چه زودتر، مقدار کسری را پرداخت کند، ولی فیاض گفت: من چیزی نیندوخته ام و راهی برای پرداخت آن ندارم. خزیمه هم دستور داد او را به زندان ببرند. مأموران، حاکم معزول را به زندان افکندند و در آنجا نیز کسری بودجه بیتالمال را از وی مطالبه کردند. فیاض گفت: من کسی نیستم که آبروی خود را به خاطر نگه داشتن مال بریزم. چیزی از بیتالمال حیف و میل نکرده ام و اکنون هم چیزی ندارم. به خزیمه بگویید هر کاری می خواهی بکن.

ص:130

فیاض مدتی در زندان بود و همسر او بسیار اندوهگین بود. روزی همسر فیاض, کنیز خود را که زنی دانا و باکمال بود, خواست و گفت: همین حالا به خانه حاکم می روی و اجازه دیدار می خواهی. پس از کسب اجازه بگو عرضی دارم که باید در خلوت بگویم و چون خلوت کرد, بگو: پاداش دست گیری جوان مردان زمینخورده این نبود که او را به زندان ببری و شکنجه اش کنی و به زنجیرش کشی.

کنیز پیغام خانم خود را به حاکم رساند. خزیمه با شنیدن این پیام غیرمنتظره گفت:ای وای! دست گیری جوان مردان زمین خورده همین بود که در حبس من است. کنیز گفت: آری. خزیمه دستور داد بیدرنگ, اسبش را آماده کنند. آن گاه با بزرگان شهر به زندان رفت. خزیمه دید فیاض با وضعی رقت بار در گوشه زندان نشسته و بر اثر شکنجه ای که دیده، قیافه اش کاملاً تغییر کرده است. وقتی فیاض، خزیمه و انبوه جمعیت را دید که به سوی او می آیند, ناراحت شد و از شرم سر به زیر انداخت. خزیمه جلو آمد, خم شد و سر فیاض را بوسید. فیاض سر برداشت و پرسید: این اظهار تفقد برای چیست؟ گفت: به خاطر کار نیک تو و گمان بد من است. فیاض گفت: خداوند هر دو ما را بیامرزد و پاداش نیک دهد. سپس دستور داد زنجیرها را از دست و پای فیاض باز کردند و گفت آن را به دست و پای من بیفکن! فیاض پرسید: چرا چنین می کنی؟ خزیمه گفت: می خواهم تا حدی مزه آنچه تو چشیده ای, من نیز بچشم. فیاض او را قسم داد که از این کار منصرف شود. خزیمه هم پذیرفت و به اتفاق هم از زندان بیرون آمدند و با همراهان به خانه خزیمه رفتند. همین که به در خانه رسیدند, فیاض با او خداحافظی کرد و خواست به خانه خود برود، ولی خزیمه مانع شد و گفت: نمی گذارم با این وضع به خانه برگردی. باید تغییر لباس بدهی و سر و وضعت را درست کنی تا من بیش از این از همسرت نیز شرمنده نشوم. سپس دستور داد حمام را خلوت کنند و وی را

به حمام بردند. خزیمه کیسه کشی فیاض را به عهده گرفت. آن گاه به وی خلعت پوشاند و اموال بسیاری به وی بخشید و به اتفاق به خانه اش رفت و اجازه خواست که از همسرش نیز معذرت بخواهد.

پس از چندی، خزیمه از فیاض خواست که همراه وی نزد خلیفه سلیمان بن عبدالملک بروند. فیاض هم پذیرفت. پس از ورود, خزیمه از رئیس تشریفات دربار اجازه شرفیابی خواست. خلیفه ناراحت شد و گفت: چه شده که والی جزیره که تازه به مأموریت رفته، بدون اجازه قبلی ما آمده است؟ با ورود خزیمه، خلیفه علت آمدن او را پرسید. وی گفت: دست گیری جوان مردان زمین خورده را پیدا کردم و اینک به حضور آمده ام تا خلیفه را خشنود سازم؛ زیرا آن روز دیدم خلیفه مشتاق دیدار اوست. خلیفه پرسید: او کیست؟ خزیمه گفت: او عکرمه فیاض است. سپس چگونگی شناختن او را برای خلیفه شرح داد. خلیفه دستور داد فیاض وارد شود و چون فیاض را دید, گفت:ای فیاض! نیکی تو به خزیمه رسیده، ولی شر او دامنگیر تو شد. آن گاه او را دل جویی و احترام فراوان کرد و گفت: هر حاجتی داری از من بخواه تا آن را برآورم. فیاض هم خواسته خود را نوشت و خلیفه دستور داد فوری آن را عملی کنند. سپس ده هزار دینار طلای ناب به علاوه تحفه های دیگری به او بخشید و امر کرد فرمان حکومت جزیره و ارمنستان و آذربایجان را به نام او نوشتند. آن گاه گفت: اینک خزیمه در اختیار توست. اگر می خواهی او را معزول کن و گرنه به حکومت جزیره باقی بگذار! فیاض گفت: نه! خزیمه باید همچنان حاکم جزیره باشد! سپس خود حکومت جای دیگری را پذیرفت و هر دو تا پایان خلافت سلیمان بن عبدالملک با احترام و سربلندی حکومت کردند».(1)

1- [1] . ابوبکر بن علی بن محمد بن حجه الحموی، ثمرات الاوراق، مصر، مکتبه الخانجی، 1971م، چ 1، ص 148 .

از این داستان زیبا میتوان فیلمنامهای مناسب گروههای سنی گوناگون تهیه کرد.

ه-) برنامه طنز

از موضوع گرهگشایی میتوان مجموعهای طنز به صورت پانتومیم کوتاه یا حتی سریالی نود قسمتی ساخت. داستان این قسمتها میتواند درباره شخصی باشد که پس از گرهگشایی از کار دیگران، مشکلی مشابه از خود او حل میشود یا اگر شخصی از گرفتاری کسی بی اعتنا بگذرد, به گرفتاری مشابهی دچار میگردد. این برنامه در بیننده یقین ایجاد می کند که کمک به دیگران سبب گشایش مشکلات و بی توجهی به آنها عامل گره افتادن در کارهایش می شود.

ز) شعر

بیا تا مونس هم، یار هم، غمخوار هم باشیم

انیس جان هم, فرسوده بیمار هم باشیم

شب آید, شمع هم گردیم و بهر یکدگر سوزیم

شود چون روز, دست و پای هم, در کار هم باشیم

دوای هم، شفای هم، برای هم, فدای هم

دل هم، جان هم، جانان هم، دلدار هم باشیم

به هم یکتن شویم و یکدل و یکرنگ و یک پیشه

سری در کار هم آریم و دوش بار هم باشیم

جدایی را نباشد زَهره ای تا در میان آید

به هم آریم سر, بر گرد هم, پرگار هم باشیم

حیات یکدگر باشیم و بهر یکدگر میریم

گهی خندان زِهم, گه خسته و افگار هم باشیم

به وقت هوشیاری, عقل کل گردیم بهر هم

چو وقت مستی آید, ساغر سرشار هم باشیم

شویم از نغمهسازی, عندلیب غمسرای هم

به رنگ و بوی یکدیگر شده, گلزار هم باشیم

ص:133

به جمعیت پناه آریم از باد پریشانی

اگر غفلت کند آهنگ ما, هشیار هم باشیم

برای دیده بانی, خواب را بر خویشتن بندیم

ز بهر پاسبانی, دیده بیدار هم باشیم

جمال یکدگر گردیم و عیب یکدگر پوشیم

قبا و جبه و پیراهن و دستار هم باشیم

غم هم, شادی هم, دین هم, دنیای هم گردیم

بلای یکدگر را چاره و ناچار هم باشیم

بلاگردان هم گردیده, گرد یکدگر گردیم

شده قربان هم از جان و منتدار هم باشیم

یکی گردیم در گفتار و در کردار و در رفتار

زبان و دست و پا یک کرده, خدمت کار هم باشیم

نمیبینم به جز تو همدمی ای «فیض» در عالم

بیا دمساز هم, گنجینه اسرار هم باشیم(1)

گر آنکه هزار کعبه آباد کنی

بهتر نبود که خاطری شاد کنی

گر پرده کنی ز لطف آزادی را

به ز آنکه هزار برده آزاد کنی

اگر نفع کس در نهاد تو نیست

چنین گوهر و سنگ خارا یکی است

غلط گفتم ای یار شایسته خوی

که نفع است در آهن و سنگ و روی

چنین آدمی, مرده به ننگ را

ص:134

1- [1] . فیض کاشانی.

که بر وی فضیلت بود سنگ را(1)

سحر دیدم درخت ارغوانی

کشیده سر به بام خسته جانی

به گوش ارغوان، آهسته گفتم:

بهارت خوش که فکر دیگرانی(2)

الا گر طلبکار اهل دلی

ز خدمت مکن یک زمان غافلی

به حال دلخستگان در نگر

که روزی تو دلخسته باشی مگر

درون فروماندگان شاد کن

ز روز فروماندگی یاد کن(3)

و) گزارش

- تهیه گزارش از شوراهای حل اختلاف و شیوه گره گشایی آنان از کار مردم؛

- تهیه گزارش از دادگاه های خانواده به صورت منظم و پیوسته و ارائه دستورالعمل های قانونی و اخلاقی برای حل اختلافها؛

- تهیه گزارش از نیکوکاران و بیان انگیزه ها و دیدگاه های آنان؛

- تهیه گزارش کوتاه از عالمان دینی و بیان اهمیت و آثار گره گشایی از زبان آنان؛

- تهیه برنامه های ویژه: «اخلاق در جامعه»، «اخلاق در مدرسه»،«اخلاق در بازار»، «اخلاق سیاسی» با نظر به دیدگاه های دینی.

1- [1] . کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، ص 83 .
2- [2] . همان.
3- [3] . همان.

ح) زیرنویس و پیام مجری

احادیث مناسب, تهیه اسلاید برای پخش در پیش از اخبار یا پس از اذان یا در مناسبت های ویژه؛

- امام علی(ع): «برای فرمانبری]خداوند[و نیکی کردن آفریده شده اید». (1)

- امام صادق(ع): «پس از ایمان به خداوند، نزد او کاری محبوبتر از شاد کردن دل مؤمنان نیست». (2)

- امام صادق(ع): «نیکی کردن به برادران دینی، نشانه ایمان خالص و بدون شائبه است». (3)

- پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله): «مؤمنان با هم برادرند؛ برخی نیازهای برخی را برمی آورند و خداوند بدین سبب در روز قیامت, حاجت هایشان را بر آورده میسازد». (4)

- «در اعتماد مؤمن به برادر دینی اش همین بس که حاجتش را نزد او فرود آورد». (5)

- پیامبر اعظم(ص): «هر کس مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده است و هر کس مرا شاد کند, خداوند را شاد کرده است». (6)

- «به خداوند سوگند که رسول خدا(ص) از برآورده شدن نیاز بنده مؤمن بیش از خود نیازمند، شادمان می شود». (7)

- امام موسی کاظم(ع): «خداوند در زمین, بندگانی دارد که در برآوردن نیازهای مردم می کوشند. اینان در روز قیامت]از عذاب خدا[در امانند». (8)

1- [1] . میزان الحکمه ، ج1، ص 428.
2- [2] . بحارالانوار ، ج 71، ص 312.
3- [3] . مستدرک الوسائل ، ج 12، ص 421.

4- [4] . بحارالانوار ، ج 71، ص 310.
5- [5] . بحارالانوار ، ج 71، ص 334.
6- [6] . اصول کافی ، ج 2، ص199.
7- [7] . بحارالانوار ، ج 71، ص328.
8- [8] . بحارالانوار ، ج71، ص319.

- «برآوردن نیاز برادران دینی سبب ریزش گناهان انسان و خویشان و همسایگان و برادران و آشنایان انسان می شود.»(1)

- امیرمؤمنان علی(ع): «انجام کارهای پسندیده سبب محبوبیت در میان مردم میشود».(2)

«نیکی کردن و نیکو همسایگی کردن سبب افزایش روزی و آباد شدن سرزمین هاست».(3)

«هر کس از صرف کردن مالی در راه پیروی خدا بخل ورزد، دو برابر آن را در راه معصیت خدا صرف خواهد کرد».(4)

- «آن کس را که به تو امید بسته است، ناامیدش مکن؛ که بدین سبب, خداوند بر تو خشم می گیرد».(5)

«هر مؤمنی که بتواند برادر دینی اش را یاری کند و چنین نکند، خداوند در دنیا و آخرت, یاری اش را از او برمی دارد».(6)

- امام سجاد(ع): «هر کس مؤمن گرسنه ای را غذا دهد، خداوند از میوه های بهشتی به او میخوراند و هر کس مؤمن تشنه ای را سیراب کند, خداوند از شراب مهرخورده بهشتی به او مینوشاند».(7)

- امام محمد باقر (علیه السلام): «خداوند, ریختن خون ها]ی قربانی[و غذا دادن و دست گیریی از درماندگان را دوست دارد».(8)

- از معصوم(علیهم السلام): «برترین شفاعت و میانجی گری، میانجی گری در امر ازدواج است».(9)

- «هر کس یک نیاز برادر مؤمنش را برآورد، خداوند, صد حاجت او را مقدر می کند که یکی از آنها بهشت است».(10)

1- [1] . بحارالانوار ، ج 71، ص333.
2- [2] . غررالحکم ، ش 6585
3- [3] . مستدرک الوسائل ، ج12، ص424

4- [4] . کافی ، ج3، ص504.
5- [5] . بحارالانوار ، ج72، ص173.
6- [6] . بحارالانوار ، ج74، ص311.
7- [7] . کافی ، ج2، ص201.
8- [8] . بحارالانوار ، ج72، ص22.
9- [9] . میزان الحکمه ، ح 9467.
10- [10] . بحارالانوار ، ج71، ص304.

- «بر مؤمن واجب است که در حضور و پنهان، خیرخواه مؤمن باشد».(1)

- «بالاترین درجه در قیامت, از آن مردمی است که برای خیرخواهی مردم در زمین گام برمی دارند».(2)

- «بنده ای وارد بهشت شد, به سبب خاری که از سر راه مسلمانان برداشت».(3)

- «تا زمانی که بنده, برادرش را کمک می کند، خداوند, او را کمک می کند».(4)

- «خداوند آن کس را که سبک جان، آسانخو و سبک بار باشد, دوست دارد».(5)

- «صدقه زبان، میانجی گری در آزاد کردن اسیری یا پیش گیری از ریخته شدن خونی یا در جلب امری پسندیده به سوی برادرت است».(6)

- «]فرزندان من[, دشمن ستمگر و یار ستم دیده باشید».(7)

- «اگر کسی گمراهی را هدایت کند، گویا او را حیات بخشیده است».(8)

- «بهترین برادرانتان، کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه دهد».(9)

- «بهترین شرط حفظ برادری، هم دردی است».(10)

- از ائمه معصوم(ع): «در تسلیت دادن]به مصیبت دیده[همین بس که وی تو را حاضر ببینند».(11)

1- [1] . اصول کافی ،ج2، ص208.
2- [2] . اصول کافی ، ج2، ص208.
3- [3] . منتخب میزان الحکمه ، ش 4192.
4- [4] . بحارالانوار ، ج 74، ص 312.
5- [5] . دوستی در قرآن و حدیث ، ص 373.

6- [6] . بحارالانوار ، ج 73، ص 44.
7- [7] . بحارالانوار ، ج 100، ص90.
8- [8] . کافی ، ج2، ص210.
9- [9] . دوستی در قرآن و حدیث ، ص244.
10- [10] . دوستی در قرآن و حدیث ، ص240.
11- [11] . منتخب میزان الحکمه ، ش4249.

- «بُخل, جامع همه عیب های بد است و زمامی است که انسان را به سوی هر بدی رهبری می کند».(1)

- «از سستی و کم حوصلگی بپرهیز که این دو, تو را از بهره دنیا و آخرتت باز می دارد».(2)

- «کسی که مؤمن نیازمندی را رد می کند، رحمت خداوند را از خود رد کرده است».(3)

- «کار خالص آن است که نخواهی کسی جز خداوند, تو را بر آن ستایش کند».(4)

- «منت گذاشتن مایه نابودی کار نیک می شود».(5)

- «چون تصمیم گرفتی کار خیری انجام دهی، شتاب کن؛ چون نمی دانی که]در آینده[چه رخ خواهد داد.(6)

- «آنکه دری از خیر بر رویش باز شد، باید آن را غنیمت شمارد؛ چون نمی داند کی بر روی او بسته خواهد شد».(7)

- «اسراف سبب نابودی مال و ثروت و نقصان و میانه روی مایه فزونی ثروت است».(8)

- «انفاق در حال تنگ دستی و ناداری، از حقایق ایمان است».(9)

- «هیچ گاه از پیامبر چیزی درخواست نشد که پیامبر در پاسخ آن «نَه» بگوید».(10)

- «ما به غیر مستحق، از ترس رد مستحق کمک می کنیم».(11)

ص:139

1- [1] . نهج البلاغه ، حکمت 378.
2- [2] . کافی ، ج5، ص 85.
3- [3] . بحارالانوار ، ج71، ص324.
4- [4] . اصول کافی ، ج2، ص16.

5- [5] . مستدرک الوسائل ، ج12، ص 439.
6- [6] . اصول کافی ، ج2، ص142.
7- [7] . بحارالانوار ، ج77، ص165.
8- [8] . جامع احادیث الشیعه ، ج17، ص110.
9- [9] . میزان الحکمه ، ج13، ص6452, ح 3946.
10- [10] . میزان الحکمه ، ص 2338.
11- [11] . بحارالانوار ، ج93، ص159.

پرسش های مسابقه ای

(1)

1. بنا به فرمایش امام صادق(ع)، کدام عمل سبب رفع هفتاد گرفتاری از انسان در دنیا و آخرت می شود؟

الف) زیارت خانه خدا ب) راستگویی ج) رفع مشکل انسان های باایمان n

2. بنابه فرمایش امامان معصومین(ع) کدام عمل ثواب بیشتری دارد؟

الف) خواندن نمازهای نافله ب) رفع گرفتاری مسلمانانn ج) به جا آوردن حج مستحبی

3. از دیدگاه روایتهای اسلامی، بهترین نوع میانجی گری چیست؟

الف) میانجی گری در پیدا کردن کار برای کسی

ب) میانجی گری در آشتی دادن دو نفر که با هم قهر هستند

ج) میانجی گری برای ازدواج دو نفر n

4. اگر دو کشور اسلامی با هم جنگ کنند، وظیفه دیگر دولت های اسلامی چیست؟

الف) کمک رسانی تسلیحاتی به کشور دوست خود

ب) آشتی دادن آن دو کشور n

ج) هیچ وظیفه ای ندارند

5. دروغ گفتن در کدام یک از موارد زیر جایز نیست؟

الف) برای صلح دادن دو مسلمان

ب) برای حفظ جان یک بی گناه

ج) برای کسب و کار بیشتر n

6. چه کاری سبب باطل و بی اثر شدن صدقه می شود؟

الف) دروغ گفتن ب) منت گذاشتن n ج) دشنام دادن

7. نشانه اخلاص در نیکوکاری چیست؟

الف) زیاد نیکوکاری کردن ب) احترام به نیازمندان

ج) توقع جبران نداشتن n

8. شتاب کردن در کجا پسندیده است؟

الف) در کار خیر n ب) در قضاوت کردن

ج) در هر کاری

9. شخصی قسم خورده است که در هیچ دعوایی دخالت نکند و میانجی گری نکند. وظیفه او چیست؟

الف) نباید به سوگند خود عمل کند, ولی باید کفاره شکستن سوگندش را بپردازد.

ص:140

1- [1] . بیشتر پرسشها بر اساس متن تحقیق مطرح شده است.

ب) سوگند او اعتبار ندارد و کفاره هم لازم نیست. n

ج) باید به سوگند خود عمل کند.

10. منت گذاشتن که عملی ناپسند است, به چه معنا است؟

الف) خدمت کردن به دیگران

ب) به زبان آوردن خدمت به دیگران n

ج) پس گرفتن کمک خود به دیگران

11. این جمله از کیست: «کسی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، باید مانند طبیبی مهربان عمل کند.»

الف) شهید مطهری ب) شهید بهشتی ج) امام خمینی(ره) n

12. کدام یک از این بدی ها همه بدی ها را در خود دارد؟

الف) بخل n ب) غیبت ج) دزدی

13. به فرمایش پیامبر اعظم(ص)، بهترین نوع صدقه چیست؟

الف) صدقه دادن نقدی ب) صدقه زبانی n

ج) غذا دادن به گرسنگان

14. کدام مورد, صدقه زبان است که به فرمایش پیامبر اکرم(ص) بهترین نوع صدقه است؟

الف) راستگویی ب) واسطه گری در نجات بی گناه n

ج) سلام کردن

15. هنگامی که شخصی از دنیا می رود, نسبت به شخص مصیبتدیده, کدام یک از موارد زیر از سنت های اسلامی است؟

الف) دعوت کردن مردم و غذا دادن به آنان □

ب) غذا بردن برای صاحبان عزا n

ج) بردن دسته گل در مجلس عزا □

16. کدام یک، سبب کاهش بزه کاری در جامعه می شود؟

الف) آزادی های سیاسی

ب) آزادی های اجتماعی به جوانان

ج) گسترش روحیه تعاون و همدلی n

پرسش های مردمی

1. اگر شما در بستگان یا همسایگان خود نیازمندی ببینید، چگونه با آنان برخورد خواهید کرد؟

2. آیا تاکنون اتفاق افتاده است که در جمع فامیل یا همسایگان یا دوستان, شخصی به شدت گرفتار باشد و شما به او کمک کرده باشید؟

ص:141

پس از کمک کردن چه احساسی به شما دست می دهد؟

3. (دو پرسش از نیکوکاران) آیا مشارکت در کارهای خیر، سبب فقر و ناداری انسان نمی شود؟ به چه دلیل؟

4. آیا برای شما اتفاق افتاده که دو نفر را آشتی داده باشید؟ چگونه؟

5. صدقه دادن پنهانی بهتر است یا آشکار؟

6. اگر خدای ناکرده یکی از بستگان شما به جرم قاچاق مواد مخدر برای چندین بار به زندان افتاده باشد, آیا برای نجات او

کوشش می کنید؟ چرا؟

پرسش های کارشناسی

1. یکی از آرمان های اسلامی, تحقق جامعه دینی بر اساس برادری و برابری است. آن را توصیف و تبیین کنید.

2. جامعه اسلامی ما را در رسیدن به این آرمان, در چه مرحله ای ارزیابی می کنید؟

3. از منظر روان شناختی، گره گشایی چه آثار مثبت روانی برای کمککننده یا کمک شونده پدید می آورد؟

4. رابطه گره گشایی و نیکوکاری با کاهش بزه کاری در جامعه چیست؟

5. به نظر شما، راه نهادینه کردن «میانجی گری در اختلافهای خانوادگی» چیست؟

6. گره گشایی در جامعه، دولتی باشد بهتر است یا مردمی؟

7. اداره نهادهای گره گشا همچون کمیته امداد امام خمینی(ره) با کمک های دولتی بهتر است یا کمک های مردمی؟

8. راه فراگیر شدن گره گشایی در امور مادی در سطح جامعه چیست؟

9. راه کارهای رسیدن به گره گشایی در امور معنوی, در سطح فراگیر آن چیست؟

10. راه کارهای گسترش سنّت قرض‌الحسنه به معنای دقیق اسلامی آن در کشور چیست؟

11. از منظر قرآن و روایتهای دینی، انفاق مال سبب فقر انفاق‌کننده نمی شود، بلکه برعکس، مایه برکت و فزونی است. از چه راههایی می توان به این باور دینی رسید و آن را از عمق جان پذیرفت؟

12. به نظر شما عصر مدرنیته بر روابط عاطفی و روحیه احسان و نیکوکاری در سطح دنیا چه تأثیری گذاشته است؟

13. موانع گره گشایی و میانجی گری در جامعه چیست؟

ص:143

کتابنامه

* قرآن کریم.

* _نهج البلاغه_، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرمؤمنان(ع)، 1384.

1. ابن ابی الحدید، _شرح نهج البلاغه_، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی, 1404ه- . ق.

2. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، _تحف العقول عن آل __ __الرسول_، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی, 1363 ه- . ق.

3. ابن منظور، _لسان العرب_، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی, 1416ه- . ق.

4. بحرانی، سیدهاشم، _البرهان فی تفسیر القرآن_، قم، دارالکتب العلمیه, 1394ه- . ق.

5. برونو، فرانک، _فرهنگ توصیفی اصطلاحات _روان شناسی، ترجمه: مهشید یاسایی و فرزانه طاهری،تهران، انتشارات طرح نو, 1373.

6. تمیمی آمدی، عبدالواحد، _غرر الحکم و درر الکلم_، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی, 1366.

7. جعفریان، رسول، _سیره رسول خدا(ص)_، قم، نشر الهادی, 1378.

8. حر عاملی، محمد بن الحسن، _وسائل الشیعه_، بیروت، دار احیاء التراث العربی, 1391ه- . ق.

9. حسنزاده، صادق، _اسوه پارسایان__ __(شرح حال آیت الله مرحوم میرزا علی احمدی میانجی)_، قم، انتشارات آل علی، 1379.

10. حموی، ابوبکر محمد بن علی، _ثمرات الأوراق_، مصر، مکتبه مکتبه الخانجی, چاپ اول, 1971م.

11. حافظ شیرازی، محمد، _دیوان اشعار__ _(_بر اساس نسخه علامه قزوینی و دکتر غنی_)، به اهتمام: حسن اعرابی، قم، رواق اندیشه، 1379.

12. راجح، احمد عزت، _اصول علم النفس_، قاهره، المکتب المصری الحدیث للطباعه و النشر, 1971م.

13. راغب اصفهانی، _مفردات الفاظ القرآن الکریم_، استانبول ، دار قهرمان, 1986م.

14. ژ. ،هادفیلد، _روان__ __شناسی و اخلاق_، ترجمه: علی پریور، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب, 1356.

15. سعدی، مصلح الدین، _گلستان_، تصحیح: علی شیروانی، قم، نشر طلا، 1375.

ص:144

1. ------------------ ، _کلیات_، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، 1367.

2. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، _علل الشرایع_، بیروت، مؤسسه اعلمی, بی تا.

3. طباطبایی، سید محمدحسین، _المیزان فی تفسیر القرآن_، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا, 1363.

4. ------------------ ، بیروت، مؤسسه الاعلمی, 1393 ه- . ق.

5. ------------------ ، (المنتقی من) _سنن النبی_،]گزیده عربی سنن النبی[، تهران، مجمع جهانی اهل بیت(ع), 1418ه- .ق.

6. طباطبایی بروجردی، سید محمدحسین، _جامع احادیث الشیعه_، قم، چاپخانه مهر, 1377.

7. فرانکنا، ویلیام کی، _فلسفه اخلاق_، ترجمه:هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه, 1383.

8. فیض کاشانی، محمد، _دیوان کامل_، تهران، نشر چکامه, چاپ سوم, بی تا.

9. ------------------ ، _ا__لمحجه__ البیضاء_، الطبعه الثانیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی, بیتا.

10. کلینی، محمد بن یعقوب، _الاصول و الفروع من الکافی_، تهران، اسوه, 1376.

11. ---------------------- ، تهران، دارالکتب الاسلامیه, 1363ه-. . ق.

12. گرامی، غلامحسین، _انسان__ __شناسی_، قم، نشر معارف, 1384.

13. ماوردی، ابوالحسن، _ادب الدنیا والدین_، تصحیح و تعلیق: مصطفی السقا، بیروت، دارالکتب العلمیه, 1398ه-. . ق.

14. مجلسی، محمدباقر، _بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار __الائمه__ __الأئمه الاطهار_، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403-1404ه-. . ق.

15. محمدی ری شهری، محمد، _دوستی در قرآن و حدیث_، ترجمه: سیدحسین اسلامی، قم، دارالحدیث، 1379.

16. ------------------------ , _کیمیای محبت_، قم، دارالحدیث، 1378.

17. ------------------------ ، _میزان الحکمه_، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، 1379.

18. ------------------------ ، _منتخب میزان الحکمه_، قم، دارالحدیث, 1380.

19. مختاری، رضا، _سیمای فرزانگان_، قم، دفتر تبلیغات اسلامی, 1375.

20. مطهری، مرتضی، داستان راستان، قم، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین), بی تا.

21. مؤیدی بابلی، هدایت در حکایت، قم، مؤسسه نرم افزاری کوثر، 1384.

22. نراقی، مولی محمد مهدی، جامع السعادات، نجف، مطبعهّ نجف, 1383ه- . ق.

23. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسهّ آل البیت لاحیاء التراث, 1408, چاپ دوم, ه- . ق.

ص:145

1. ------------------ ، _کلیات_، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، 1367.

2. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، _علل الشرایع_، بیروت، مؤسسه اعلمی, بی تا.

3. طباطبایی، سید محمدحسین، _المیزان فی تفسیر القرآن_، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا, 1363.

4. ------------------ ، بیروت، مؤسسه الاعلمی, 1393 ه- . ق.

5. ------------------ ، (المنتقی من) _سنن النبی_،]گزیده عربی سنن النبی[، تهران، مجمع جهانی اهل بیت(ع), 1418ه- .ق.

6. طباطبایی بروجردی، سید محمدحسین، _جامع احادیث الشیعه_، قم، چاپخانه مهر, 1377.

7. فرانکنا، ویلیام کی، _فلسفه اخلاق_، ترجمه:هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه, 1383.

8. فیض کاشانی، محمد، _دیوان کامل_، تهران، نشر چکامه, چاپ سوم, بی تا.

9. ------------------ ، _ا__لمحجه__ البیضاء_، الطبعه الثانیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی, بیتا.

10. کلینی، محمد بن یعقوب، _الاصول و الفروع من الکافی_، تهران، اسوه, 1376.

11. ---------------------- ، تهران، دارالکتب الاسلامیه, 1363ه-. . ق.

12. گرامی، غلامحسین، _انسان__ __شناسی_، قم، نشر معارف, 1384.

13. ماوردی، ابوالحسن، _ادب الدنیا والدین_، تصحیح و تعلیق: مصطفی السقا، بیروت، دارالکتب العلمیه, 1398ه-. . ق.

14. مجلسی، محمدباقر، _بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار __الائمه__ __الأئمه الاطهار_، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403-1404ه-. . ق.

15. محمدی ری شهری، محمد، _دوستی در قرآن و حدیث_، ترجمه: سیدحسین اسلامی، قم، دارالحدیث، 1379.

16. ------------------------ , _کیمیای محبت_، قم، دارالحدیث، 1378.

17. ------------------------ ، _میزان الحکمه_، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، 1379.

18. ------------------------ ، _منتخب میزان الحکمه_، قم، دارالحدیث, 1380.

19. مختاری، رضا، _سیمای فرزانگان_، قم، دفتر تبلیغات اسلامی, 1375.

20. مطهری، مرتضی، داستان راستان، قم، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین), بی تا.

21. مؤیدی بابلی، هدایت در حکایت، قم، مؤسسه نرم افزاری کوثر، 1384.

22. نراقی، مولی محمد مهدی، جامع السعادات، نجف، مطبعهٔ نجف, 1383ه- . ق.

23. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسهٔ آل البیت لاحیاء التراث, 1408, چاپ دوم, ه- . ق.

ص:146

1. ------------------- ، _کلیات_، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، 1367.

2. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، _علل الشرایع_، بیروت، مؤسسه اعلمی, بی تا.

3. طباطبایی، سید محمدحسین، _المیزان فی تفسیر القرآن_، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا, 1363.

4. ------------------- ، بیروت، مؤسسه الاعلمی, 1393 ه- . ق.

5. ------------------- ، (المنتقی من) _سنن النبی_،]گزیده عربی سنن النبی[، تهران، مجمع جهانی اهل بیت(ع), 1418ه- .ق.

6. طباطبایی بروجردی، سید محمدحسین، _جامع احادیث الشیعه_، قم، چاپخانه مهر, 1377.

7. فرانکنا، ویلیام کی، _فلسفه اخلاق_، ترجمه:هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه, 1383.

8. فیض کاشانی، محمد، _دیوان کامل_، تهران، نشر چکامه, چاپ سوم, بی تا.

9. ------------------- ، _ا__لمحجه__ البیضاء_، الطبعه الثانیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی, بیتا.

10. کلینی، محمد بن یعقوب، _الاصول و الفروع من الکافی_، تهران، اسوه, 1376.

11. ----------------------- ، تهران، دارالکتب الاسلامیه, 1363ه-. . ق.

12. گرامی، غلامحسین، _انسان__ __شناسی_، قم، نشر معارف, 1384.

13. ماوردی، ابوالحسن، _ادب الدنیا والدین_، تصحیح و تعلیق: مصطفی السقا، بیروت، دارالکتب العلمیه, 1398ه-. . ق.

14. مجلسی، محمدباقر، _بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار __الائمه__ __الأئمه الاطهار_، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403-1404ه-. . ق.

15. محمدی ری شهری، محمد، _دوستی در قرآن و حدیث_، ترجمه: سیدحسین اسلامی، قم، دارالحدیث، 1379.

16. ------------------------ , _کیمیای محبت_، قم، دارالحدیث، 1378.

17. ------------------------ ، _میزان الحکمه_، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، 1379.

18. ------------------------ ، _منتخب میزان الحکمه_، قم، دارالحدیث, 1380.

19. مختاری، رضا، _سیمای فرزانگان_، قم، دفتر تبلیغات اسلامی, 1375.

20. مطهری، مرتضی، داستان راستان، قم، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین), بی تا.

21. مؤیدی بابلی، هدایت در حکایت، قم، مؤسسه نرم افزاری کوثر، 1384.

22. نراقی، مولی محمد مهدی، جامع السعادات، نجف، مطبعهّ نجف, 1383ه- . ق.

23. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسهّ آل البیت لاحیاء التراث, 1408, چاپ دوم, ه- . ق.

ص:147

1. ------------------ ، _کلیات_، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، 1367.

2. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، _علل الشرایع_، بیروت، مؤسسه اعلمی, بی تا.

3. طباطبایی، سید محمدحسین، _المیزان فی تفسیر القرآن_، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا, 1363.

4. ------------------ ، بیروت، مؤسسه الاعلمی, 1393 ه- . ق.

5. ------------------ ، (المنتقی من) _سنن النبی_،]گزیده عربی سنن النبی[، تهران، مجمع جهانی اهل بیت(ع), 1418ه- .ق.

6. طباطبایی بروجردی، سید محمدحسین، _جامع احادیث الشیعه_، قم، چاپخانه مهر, 1377.

7. فرانکنا، ویلیام کی، _فلسفه اخلاق_، ترجمه:هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه, 1383.

8. فیض کاشانی، محمد، _دیوان کامل_، تهران، نشر چکامه, چاپ سوم, بی تا.

9. ------------------ ، _ا__لمحجه__ البیضاء_، الطبعه الثانیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی, بیتا.

10. کلینی، محمد بن یعقوب، _الاصول و الفروع من الکافی_، تهران، اسوه, 1376.

11. ---------------------- ، تهران، دارالکتب الاسلامیه, 1363ه-. . ق.

12. گرامی، غلامحسین، _انسان__ __شناسی_، قم، نشر معارف, 1384.

13. ماوردی، ابوالحسن، _ادب الدنیا والدین_، تصحیح و تعلیق: مصطفی السقا، بیروت، دارالکتب العلمیه, 1398ه-. . ق.

14. مجلسی، محمدباقر، _بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار __الائمه__ __الأئمه الاطهار_، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403-1404ه-. . ق.

15. محمدی ری شهری، محمد، _دوستی در قرآن و حدیث_، ترجمه: سیدحسین اسلامی، قم، دارالحدیث، 1379.

16. ------------------------ , _کیمیای محبت_، قم، دارالحدیث، 1378.

17. ------------------------ ، _میزان الحکمه_، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، 1379.

18. ------------------------ ، _منتخب میزان الحکمه_، قم، دارالحدیث, 1380.

19. مختاری، رضا، _سیمای فرزانگان_، قم، دفتر تبلیغات اسلامی, 1375.

20. مطهری، مرتضی، داستان راستان، قم، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین), بی تا.

21. مؤیدی بابلی، هدایت در حکایت، قم، مؤسسه نرم افزاری کوثر، 1384.

22. نراقی، مولی محمد مهدی، جامع السعادات، نجف، مطبعهٔ نجف, 1383ه- . ق.

23. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسهٔ آل البیت لاحیاء التراث, 1408, چاپ دوم, ه- . ق.

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109